



محمد تقی رحمانی

همراه با ائمه ائمه خاندان خدا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

همراه با زائران خانه خدا

نویسنده:

محمدتقی رهبر

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۰	همراه با زائران خانه خدا
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۱۴	پیش‌گفتار
۲۳	مقدمات سفر حج
۲۳	اشاره
۲۳	۱- یادگیری و تمرین احکام و مناسک
۲۶	۲- ادای حقوق واجب
۲۸	۳- تهذیب نفس و توبه
۲۹	۴- لوازم سفر
۳۱	آداب و اخلاق در سفر حج
۳۱	اشاره
۳۱	۱- نماز، دعا، صدقه
۴۴	۲- اخلاق مسافرت
۵۸	۳- خودسازی در سفر حج
۶۲	۴- فقه معیشت در سفر
۷۲	۵- مقررات و شؤون حج
۸۳	خلاصه‌ای از مناسک حج و عمره
۸۳	اشاره
۸۴	احرام
۸۴	کیفیت احرام
۸۵	محرمات احرام

۸۸	آداب ورود به شهر مکه و مسجدالحرام
۹۰	طواف
۹۱	آداب و مستحبات طواف
۹۵	نماز طواف
۹۵	مستحبات نماز طواف
۹۷	مستحبات قبل از سعی
۹۸	سعی بین صفا و مروه
۹۹	مُستحباتِ سَعی
۱۰۰	تقصیر (آخرین عمل عمره تمتع)
۱۰۱	احرام
۱۰۱	وقوف در عرفات
۱۰۲	برخی مستحبات و قوف به عرفات
۱۰۳	معنای دعا و اقسام آن
۱۰۴	شرایط استجاب و قبولی دعا
۱۰۸	دعاهای روز عرفه
۱۱۳	وقوف در مشعرالحرام
۱۱۴	مستحبات و قوف به مشعرالحرام
۱۱۶	اعمال مینا
۱۱۶	مستحبات رمی
۱۱۷	مستحبات قربانی
۱۱۸	بقیه اعمال مینا
۱۱۹	مستحبات مینا
۱۱۹	مسجد خیف
۱۲۰	اعمال بعد از مینا

- چند مسأله: ۱۲۱
- آثار تاریخی و مذهبی مکه ۱۲۲
- مسجدالحرام ۱۲۲
- خانه کعبه ۱۲۲
- پرده کعبه ۱۲۲
- ارکان کعبه ۱۲۳
- حجرالاسود ۱۲۳
- ملتزم ۱۲۴
- حطیم ۱۲۵
- حجر اسماعیل ۱۲۵
- مقام ابراهیم ۱۲۶
- زمزم ۱۲۶
- مسعی ۱۲۷
- مسجد جن ۱۲۷
- مسجدالاجابه ۱۲۸
- مسجد حمزه ۱۲۸
- مسجد تنعیم ۱۲۸
- مولد النبی صلی الله علیه و آله ۱۲۹
- غار حرا ۱۲۹
- غار ثور ۱۳۰
- شعب ابی طالب ۱۳۱
- قبرستان ابوطالب ۱۳۱
- مساجد و مشاهد بین مکه و مدینه ۱۳۳
- جحفه ۱۳۳

۱۳۳	بدر
۱۳۴	مسجد شجره
۱۳۶	نگرشی بر اسرار معنوی حج
۱۳۶	اشاره
۱۳۶	قبل از عزیمت- آمادگی و انقطاع
۱۴۰	احرام
۱۴۲	تلبیه
۱۴۴	طواف
۱۴۷	صفا و مروه
۱۴۹	منا
۱۵۱	عرفات
۱۵۴	مشعر
۱۵۴	عید قربان
۱۵۵	رمی جمره
۱۵۶	سر تراشیدن
۱۵۸	اعمال مدینه منوره
۱۵۸	اشاره
۱۶۰	آداب زیارت
۱۶۳	فلسفه زیارت و توسل
۱۶۹	زیارت قبور
۱۷۲	مسجد النبی صلی الله علیه و آله
۱۷۲	روضه نبوی
۱۷۳	ستون‌های مسجد نبوی
۱۷۵	مساجد و اماکن مقدسه مدینه منوره

- بقیع: ۱۷۵
- اُحد: ۱۷۶
- مساجد مدینه ۱۷۸
- اشاره ۱۷۸
- مسجد قُبا ۱۷۹
- مسجد ذوقبلتین ۱۷۹
- مسجد جمعه ۱۸۰
- مسجد فضیخ ۱۸۱
- مساجد سبعه ۱۸۱
- مسجد فتح ۱۸۱
- مسجد علی علیه السلام ۱۸۲
- مسجد غمامه ۱۸۳
- مسجد مباحله ۱۸۳
- مَشْرَبه ام ابراهیم ۱۸۴
- درباره مرکز ۱۸۵

همراه با زائران خانه خدا

مشخصات کتاب

سرشناسه: رهبر، محمدتقی، ۱۳۱۴ -

عنوان و نام پدیدآور: همراه با زائران خانه خدا / تالیف محمدتقی رهبر.

مشخصات نشر: تهران: مشعر، ۱۳۸۰.

مشخصات ظاهری: ۱۸۰ ص؛ ۱۹۰ × ۱۱ س.م.

شابک: ۵۵۰۰ ریال: چاپ دوم ۵-۷۳-۶۲۹۳-۹۶۴؛ ۵۵۰۰ ریال: چاپ پنجم ۳-۷۳-۶۲۹۳-۹۶۴؛ ۵۵۰۰ ریال: چاپ ششم ۹۶۴-

۵-۱۳-۶۲۹۳؛ ۷۰۰۰ ریال: چاپ هشتم ۴-۳۴-۶۲۹۳-۹۶۴؛ ۷۵۰۰ ریال (چاپ نهم)؛ ۷۵۰۰ ریال (چاپ دهم)؛ ۸۰۰۰ ریال:

چاپ چهاردهم ۲-۳۴-۶۲۹۳-۹۶۴-۹۷۸؛ ۱۶۰۰۰ ریال (چاپ بیست و سوم)

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: چاپ دوم: ۱۳۸۰.

یادداشت: چاپ پنجم: پائیز ۱۳۸۲.

یادداشت: چاپ ششم: ۱۳۸۲.

یادداشت: چاپ هشتم: مهر ۱۳۸۴.

یادداشت: چاپ نهم: زمستان ۱۳۸۴.

یادداشت: چاپ دهم: پاییز ۱۳۸۵.

یادداشت: چاپ چهاردهم: ۱۳۸۷.

یادداشت: چاپ بیست و سوم: ۱۳۹۱.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: حج

رده بندی کنگره: ۱۳۸۰ ۸۰۹/BP۱۸۸/۸

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۵۷

شماره کتابشناسی ملی:

ص: ۱

اشاره

پیش‌گفتار

ص: ۵

وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا (۱)

حج باشکوه‌ترین جلوه توحید، نقطه اوج ایمان، رایت بلند و پرچم جاودانه اسلام، (۲) ذخیره بزرگ الهی برای همه انسانها و رمز عزت و اقتدار و عظمت مسلمین جهان است.

کعبه نخستین بیت عتیق، خانه محترم الهی، مطاف فرشتگان (۳) و رسولان و موحیان است که برای خیر و سعادت بشریت پیا گردیده

إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا. (۴)

و مسجدالحرام، حریم انوار و قبله نیایش خدا پرستان

۱- آل عمران: ۹۷

۲- قال علی علیه السلام: «جَعَلَهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى لِيَاسْلَامَ عِلْمًا وَلِلْعَائِدِينَ حَرَمًا.» نهج البلاغه، خطبه اول.

۳- عن ابی عبدالله علیه السلام قال: «لَمَّا أَفَاضَ آدَمُ مِنْ مَنَى تَلَقَّتْهُ الْمَلَائِكَةُ فَقَالَتْ: يَا آدَمُ بُرِّحْكَ أَمَا إِنَّا قَدْ حَجَجْنَا هَذَا الْبَيْتَ قَبْلَ أَنْ تَحْجَّجَهُ بِالْفَنَى عَامًا.» وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵؛ کافی، ج ۴، ص ۱۹۴

۴- آل عمران: ۹۷

ص: ۶

است که هر صبح و شام به سوی آن نماز می‌گزارند و در حیات و ممات رو به سوی آن دارند
وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ .. (۱)

و مکه شهر نیایش و دعا و تضرع و بُکاء، بلد امن پروردگار، مهبط وحی و محل نزول فرشتگان و میعادگاه طلایه‌داران رسالت
توحید، از آدم تا ابراهیم و از ابراهیم تا محمد صلی الله علیه و آله و اوصیای آن حضرت علیهم السلام است.

و حرم، حریم امن الهی است برای انسان‌ها و همه جانداران و گیاهان

وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا (۲)

و هر کس بدان پناه برد از غضب خدا در امان است. (۳) جای جای مکه و مدینه و کوه‌ها و دشتهایش، گنجینه خاطره‌های
جاودانه‌ای است که دست زمان و حوادث زمین آن را نسوده و با حیات ایمان زنده و با تاریخ زندگانی طلایه‌داران اسلام و ختم
رسولان و امامان معصوم علیهم السلام و رجال فضیلت و تقوا آمیخته است و از اینرو است که مکه، مدینه، حرم و کعبه از جغرافیا
فراتر رفته و تاریخ جاودان

۱- بقره: ۱۴۶-۱۴۴

۲- آل عمران: ۹۷

۳- قال الصادق علیه السلام: «من دخل الحرم مستجيراً به، آمن من سخط الله». کافی، ج ۴، ص ۲۲۶

ص: ۷

هدایت و نهضت رهپویان وادی نور و عدل و محبت تا قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام است. هر یک از مواقع و مشاهد و مناسک حج؛ از میقات گرفته تا حرم و کعبه و صفا و مروه و رکن و مقام و عرفات و منا و مشعر، رازهای نمادین و رمزهای عمیق و عارفانه‌ای در درون دارد، که دریغ است بدان توجه نشود. و اما مدینه، شهر پیامبر، شهر عشق و عاطفه، با شکوه و جلالش و مسجدالنبی با قبه خضرا و روضه ملکوتی و مناره‌های نور که فضای عطرآگین بهشتی‌اش، خاطرات نورانی ختم رسولان را تداعی می‌کند. و بقیع با گنجینه‌های ناشناخته و عقده‌های در گلو شکسته و زخمهای عمیقی که بر سینه دارد از تاریخ مظلومیت و شهادت اولیای خدا سخن می‌گوید. و قبا و شجره و مزار حمزه و مساجد کوچک و بزرگ و محراب‌ها و مناره‌ها، هر یک تذکار نماز و گلبانگ اذان در طول چهارده قرن تاریخ اسلام است. و حج و زیارت تذکاری است از این خاطره‌ها و رازهای بی‌شمار. *** و اینک زائر با عشقی بی‌قرار و شوقی از بند رها و

ص: ۸

کوله‌باری از آمال و آرزوها و قلبی پرتپش با لبیک گفتن به ندای ابراهیم علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله آهنگ این سفر روحانی را دارد تا جان را صفایی دیگر بخشد و معنای عرفان و عشق را لمس کند و رهتوشه معنوی و تربیتی برای همه عمر و برای حیات جاودانه خویش برگیرد و سوغات سفر بیاورد و زادگاه اسلام و آثار رسول الله صلی الله علیه و آله را بنگرد و با اهل بیت مظلوم پیامبر راز دل بگوید و تجدید میثاق کند.

حج فراگیرترین عبادتی است که جان و تن، مال و توان، رنج و راحت، زمزمه و تفکر، وقوف و حرکت، فرد و جمع، عقل و عشق، گذشته و آینده، عبادت و سیاست و دنیا و آخرت را در خود جای داده و هر یک از مراحل آن، سنگ محکی است برای زائر که عیار جوهر ایمانش را به نمایش می‌گذارد تا تسلیم‌پذیری‌اش را بیازماید و سره را از ناسره متمایز سازد.

تحول روحی و اخلاقی فرد پس از حج، نشانه قبولی اعمال او است. چه، حج سیر و سلوک است و مرز عبور از خود به خدا و فنای در محبوب و صبغه الهی گرفتن و با خدا در میان خلق بودن، و از خلق به حق سفر کردن.

این از یکسو، از سوی دیگر؛ کنگره عظیم حج نمایشی است از زیباترین روح همبستگی اهل قبله و پرشکوهترین

ص: ۹

مراسم عبادی- سیاسی با حضور امت مسلمان از همه قشرها و کشورها، که سواره و پیاده، از راه دور و نزدیک در صف واحدی چون محشر در لوای روح برادری و ایمان به سرزمین وحی می‌شتابند تا مدینه فاضله اسلامی را ببینند و برابری و مساوات را شاهد باشند. بیایند و مسائل جهان اسلام و درد و رنج‌های یکدیگر را با یکدیگر بگویند و چاره‌اندیشی کنند. و در برابر دشمنان اسلام و جبهه متحد کفر متحد شده و از جهل و جور برائت جویند.

*** با توجه به آثار معنوی و مادی، فردی و اجتماعی و عبادی و سیاسی حج است که بر این فریضه عظیم تأکید فراوان شده و قرآن کریم آن را حق مستقیم خداوند بر بندگان خوانده است:

وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا. (۱)

و روایات معصومین علیهم السلام با عبارات گوناگون نسبت به حج اهتمام ورزیده و تارک آن را مستوجب عذاب دانسته‌اند.

۱- آل عمران: ۹۷

ص: ۱۰

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«لَوْ تَرَكَ النَّاسُ الْحَجَّ لَمَا نُؤْظِرُوا، أَوْ قَالَ: أُنزِلَ عَلَيْهِمُ الْعَذَابُ» (۱)

«اگر مردم حج را ترک کنند مهلت داده نشوند و عذاب بر آنان نازل گردد.»

از این رو رهبر و دولت اسلامی موظف است در صورتی که حج تعطیل شود، مردم را به انجام آن مجبور کند و اگر توان مالی نداشتند از بیت‌المال امکان تشریف را به آنان بدهد که خانه خدا خالی از زائر نماند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«لَوْ عَطَّلَ النَّاسُ الْحَجَّ لَوَجِبَ عَلَى الْإِمَامِ أَنْ يُجْبِرَهُمْ عَلَى الْحَجِّ إِنْ شَاءُوا وَإِنْ أَبَوْا، فَإِنَّ هَذَا الْبَيْتَ إِنَّمَا وُضِعَ لِلْحَجِّ» (۲)

«اگر مردم حج را تعطیل کنند بر امام واجب است آنان را به حج مجبور کند؛ چه بخواهند و چه نخواهند، زیرا این خانه برای حج نهاده شده است.»

همچنانکه برای حج‌کنندگان پاداش عظیم اخروی و

۱- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۳

۲- همان، ص ۱۵ و ۱۶

ص: ۱۱

اجر دنیوی مقرر گردیده، که روایات آن بسیار است؛ از جمله این که: امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«الْحَاجُّ وَالْمُعْتَمِرُ وَقَدْ لَلَّهِ، إِنْ سَأَلُوهُ أَعْطَاهُمْ، وَإِنْ دَعَوْهُ أَجَابَهُمْ، وَإِنْ شَفَعُوا شَفَعَهُمْ، وَإِنْ سَكَّتُوا ابْتَدَأَهُمْ وَيُعَوِّضُونَ بِالذَّرْهِمِ أَلْفَ أَلْفٍ [دِرْهِمِ]» (۱).

«کسانی که حج یا عمره بجا می‌آورند و اردین بر خدا هستند، اگر درخواستی کنند عطا کند، اگر دعا نمایند اجابت فرماید و اگر شفاعت خواهند شفاعتشان را بپذیرد، و اگر سکوت کنند او آغاز کند و به جای هر درهم (که خرج کنند) هزار درهم (۲) عوض داده می‌شوند.»

و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«الْحِجَّةُ نَوَابُهَا الْجَنَّةُ، وَالْعُمْرَةُ كَفَّارَةٌ لِكُلِّ ذَنْبٍ»؛ (۳)

«پاداش حج، بهشت است و عمره کفاره هر گناه است.»

حال که جایگاه حج و عظمت این هجرت الهی را به نحو اجمال و گذرا دیدیم، شایسته و ضروری است که

۱- کافی، ج ۴، ص ۲۵۵

۲- در بعضی از نسخ یک میلیون درهم آمده است.

۳- همان.

ص: ۱۲

زائر با آگاهی کامل آهنگ سفر کند و دانستنی‌های لازم را از آغاز تا پایان در زمینه احکام و مناسک و اسرار حج و اخلاق و آداب و وظائف و مقررات مربوطه بداند، و «فقه این سفر» را فرا گیرد تا چشم و گوش بسته نباشد و اعمال خود را با شرایط «صحت» و «قبول» انجام دهد و از دست آوردهای معنوی و فردی و جمعی این سفر انسان‌ساز بیشتر و بهتر بهره گیرد. برای آگاهی و حسن انجام این عبادت ارزشمند، که معمولاً برای اکثر افراد یک بار در طول عمر اتفاق می‌افتد، دست‌اندرکاران حج، روحانی گروه، مدیر کاروان و تلاش و توجه خود زائر قبل از عزیمت و در حین سفر، نقش اساسی دارد. عمده این آگاهی‌ها باید قبل از عزیمت صورت پذیرد.

دانستنی‌های این سفر بسیار است و در حوصله این مقال نمی‌گنجد.

اما هدف اصلی این نوشتار مروری است بر اخلاق و آداب معاشرت و معیشت در سفر و نگرشی اجمالی بر پاره‌ای از اسرار معنوی حج و اشاراتی درباره مناسک و اماکن زیارتی مکه و مدینه و برخی تذکرات ضروری برای زائران خانه خدا که ذیل چند عنوان می‌نگریم:

* مقدمات سفر حج

ص: ۱۳

* آداب و اخلاق در حج

* خلاصه‌ای از مناسک حج و عمره

* آثار تاریخی و مذهبی مکه

* مساجد و مشاهد بین مکه و مدینه

* اسرار معنوی حج

* اعمال مدینه منوره

* مساجد و اماکن مقدسه مدینه منوره

لازم به ذکر است که عناوین «مقدمات سفر حج»، «آداب و اخلاق در حج» و «اسرار معنوی حج» در مرحله نخست بوسیله مؤلف تهیه شده بود تا تحت عنوان آداب و اخلاق سفر حج ارائه گردد، اما بمنظور تتمیم فائده مناسب دیده شد خلاصه‌ای از آداب و مناسک حج و اعمال مدینه منوره و مشاهد و اماکن مقدسه ضمیمه گردد، لذا بخشهای «خلاصه‌ای از مناسک حج و عمره» و «اعمال مدینه منوره» با اقتباس از کتابهای «مناسک مصور حج» و «ادعیه و آداب حرمین» و نیز اماکن مکه و مدینه از کتاب «عرشیان» تألیف دانشمند گرانمایه جناب آقای دکتر سید جعفر شهیدی با برخی تغییرات، بدان ضمیمه گردید. به امید آن که این مجموعه برای زائران گرامی حرمین شریفین سودمند و هدایتگر باشد.

ص: ۱۴

مقدمات سفر حج**اشاره**

- * یادگیری و تمرین احکام و مناسک
- * ادای حقوق واجب
- * تهذیب نفس و توبه
- * لوازم سفر

۱- یادگیری و تمرین احکام و مناسک

یادگیری احکام شرعی و مناسک حج مهمترین وظیفه زائر است؛ زیرا او برای انجام عبادتی ره می‌سپرد که اگر صحیح انجام نشود سعی و تلاشش بیهوده و موجب پشیمانی وی خواهد بود. حال که زائر پس از انتظار طولانی، توفیق تشریف به حج و عمره را به دست آورده، بیش از هر چیز، باید به اصل مطلب که همانا صحت و قبولی اعمال اوست بیندیشد.

ص: ۱۵

الف- نماز

در این میان فراگیری نماز و اصلاح قرائت و اذکار و صحیح انجام دادن غسل و وضو و سایر مقدمات و مقارنات نماز، از وظایف مهم است؛ زیرا نماز جزئی است از اعمال عمره و حج، بعلاوه آن که نماز یک فریضه یومیه همگانی است از اول تکلیف تا پایان عمر، برای همه کس در همه حال، در سفر و حضر، سلامت و بیماری، امن و خوف و ... و تقصیر در انجام آن و کوتاهی در یادگیری احکامش گناهی است نابخشودنی و اگر نماز بدرستی و در قالب احکام مقررہ انجام نگیرد و پذیرفته نشود، سایر اعمال نیز قبول نخواهد شد چنانکه در روایات آمده است:

«فَإِنْ قُبِلَتْ قَبْلَ مَا سِوَاهَا».

بنابراین، قبولی حج و صحت آن منوط به صحت نماز و قبولی آن است و اگر غفلت و بی‌توجهی به این وظیفه مهم بشود نه تنها حج و عمره پذیرفته نیست که در امور خانوادگی و زناشویی نیز عواقب نامطلوبی بیار خواهد آورد.

بنابر این، زائر خانه خدا، باید قبل از عزیمت، نزد علمای محل یا کسانی دیگر که نمازشان صحیح است، نماز و احکام مربوط به آن را کنترل کند و اگر اشکالی داشت بطور جدی در رفع و اصلاح آن بکوشد و قبل از عزیمت

ص: ۱۶

در جلسات آموزش احکام، نزد روحانی گروه تمرین کند و در طی سفر نیز برای رفع اشکالات بکوشد و به جای صحبت‌های غیر مفید، با همسفران از احکام و مسائل سخن بگوید و زائران یکدیگر را در اصلاح قرائت و حمد و سوره یاری دهند.

ب- مناسک حج و عمره

آشنایی با مناسک حج و عمره از دیگر وظایف شرعی و مقدماتی زائر است.

چه از طریق خواندن کتاب مناسک، طبق فتوای مرجع تقلید خود که باید از قبل مشخص کرده باشد، و چه از طریق شرکت در جلسات آموزشی که پیش از حرکت طی چند هفته تشکیل می‌شود. در این مرحله تصویر کلی حج و عمره، آداب احرام؛ یعنی «پوشیدن لباس مخصوص، نیت و تلبیه» و احکام آن و نیز محرمات بیست و چهارگانه احرام و دعاهای مربوطه شایان توجه است و نیز یادگیری «عمره تمتع» و ارکان آن: «احرام، طواف، نماز طواف، سعی و تقصیر» و «عمره مفرده» که علاوه بر اینها «طواف نساء و نماز طواف نساء» دارد و جزئیات احکام و دعاهای مربوطه دیگر، و نیز اعمال «حج تمتع» شامل: «احرام در

ص: ۱۷

مکه، وقوف به عرفات، وقوف به مشعر، رمی جمره عقبه در منا، قربانی، حلق، میت در منا در شبهای یازدهم و دوازدهم و رمی جمرات در روزهای آن، و سپس «اعمال مکه» شامل: «طواف، نماز طواف، سعی صفا و مروه، طواف نساء و نماز آن»، و احکامی که هر یک دارد.

(بعلاوه وظایف اخلاقی که خواهد آمد).

اینها اصول اولیه مناسک است که باید زائر جزئیات و فروع آن را بداند و بخواند و با حضور روحانی گروه تکرار کند و در عمل نیز با پیروی روحانی و راهنمایان خود، در حسن انجامش بکوشد. تجربه نشان داده است که کوتاهی در فراگیری مناسک و یا تکروری در انجام آنها، مشکلاتی برای زائر بوجود آورده که پس از مراجعت به وطن، متوجه آن شده و قابل جبران نبوده است.

۲- ادای حقوق واجب

حج و عمره و هیچ عبادت دیگر، با مال حرام پذیرفته نیست و اصولاً یک مسلمان بویژه زائر خانه خدا و قبر پیامبر صلی الله علیه و آله را نمی‌سزد مال و دارائیش به حرام آلوده باشد.

بنابر این اگر زائر تا کنون پایبند وجوهات شرعیه نبوده، حتماً به عالم و فقیهی رجوع کند و واجبات مالی خود را از

ص: ۱۸

آغاز اشتغال و درآمد، حساب کند و خمس یا زکات یا نذورات و صدقات واجب دیگر را که بر ذمه اوست بپردازد و اگر تعهدی در پرداخت نمود، بعداً خود را به پرداخت آن ملزم بداند که در توقیع شریف حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه - آمده است:

«لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ عَلَى مَنْ أَكَلَ مِنْ مَالِنَا دِرْهَمًا حَرَامًا» (۱)

«لعنت خدا و ملائکه و تمام مردم بر کسی باد که یک درهم از مال ما را به حرام بخورد.»

همچنین حقوق واجب خلق و حق الناس و مطالبات و دیون را بپردازد و از صاحبان حقوق حلیت بخواهد و مال خود را اگر به حرام، ربا، غصب یا رشوه و حق الناس آلوده بود، در اصلاح آن بکوشد و از خداوند معذرت خواهی کرده و توبه نماید و تکلیف مطالبات و بدهی‌های خود را روشن کند و صاحبان حق را نیز به هر گونه که ممکن است راضی نماید و بهتر آن که وصیت‌نامه‌ای بنویسد.

مسائل اخلاقی و حقوق دیگر

اگر زائر با کسی کدورتی داشته و یا کسانی از او ناراضی

ص: ۱۹

بوده‌اند و به دلایل اخلاقی و غیر آن، مدیون دیگران است باید قبل از عزیمت، در اصلاح آنها همت گمارد. حقوق اخلاقی پدر و مادر، همسر، خویشاوندان، همسایگان، شریک و سایر مسلمانان از این موارد است. اگر از کسی غیبتی کرده یا به او تهمت زده و یا کینه و عداوتی در دلش بوده، خود را از آلودگی آن پاکیزه کند و از ذمه آن بدر آورد؛ زیرا حقوق منحصر به مسائل مالی نیست و مسائل اخلاقی اگر مهمتر نباشد دست کمی ندارد.

امام صادق علیه السلام در حدیث «مصباح الشریعه» که بعداً خواهد آمد، با اشاره به ادای حقوق خلق می‌فرماید:
 «وَ أَخْرِجْ مِنْ حُقُوقٍ تَلْزِمُكَ مِنْ جِهَةِ الْمَخْلُوقِينَ».

(حال که عزم حج داری) «حقوقی را که از ناحیه خلق بر ذمه توست ادا کن و از ذمه آنها بدر آی.»

۳- تهذیب نفس و توبه

زائر گرامی! بدان که سفر مهمی را در پیش داری، می‌خواهی به مهمانی خداوند بروی. حج هجرت الی الله است و وارد شدن در محضر دوست. برای این مهمانی

ص: ۲۰

بزرگ باید خود را مهیا و روح خود را مصفا کنی و هفته‌ها پیش از عزیمت، با مراقبت‌های اخلاقی لازم و مجاهده و خودسازی، در تهذیب نفس بکوشی تا شایسته چنین ضیافت روحانی شوی، چشم و گوش و دست و زبان خود را از گناه مصون داری و از گناهان گذشته توبه و استغفار کنی و با عبادت و ریاضت و نماز بیشتر و تلاوت قرآن و دعاهای مأثوره و تفکر و تأمل خود را پیرایش نموده و آرایش معنوی بدهی و در حفظ ظاهر و چهره ایمانی اهتمام ورزی تا شایستگی تشرف به حضور حق را پیدا کنی و لایق زیارت رسول الله و ائمه طاهرین شوی و از عبادات خود لذت ببری و با عمل مقبول و سعی مشکور برگردی.

علی علیه السلام می‌فرماید:

«كَيْفَ يَجِدُ لَذَّةَ الْعِبَادَةِ مَنْ لَا يَصُومُ عَنِ الْهَوَىٰ»؛ (۱)

«کسی که از هوای نفس خودداری و امساک نوزد، چگونه لذت عبادت را دریابد؟»

عراقی گوید:

به طواف کعبه رفتم به حرم رهم ندادند که بروم در چه کردی که درون خانه آیی

در این خصوص شایسته است، روحانیون محترم کاروانها گفتار امام سجاد علیه السلام با شبلی را برای زائران بیان کنند که بسیار مفید و آموزنده است و همچنین سخنان امیر مؤمنان علیه السلام را در نهج البلاغه و بیانات امام صادق علیه السلام و امام رضا علیه السلام را در علل الشرائع و وسائل الشیعه و سایر کتب حدیث که گنجینه‌های پربهایی است.

۴- لوازم سفر

در سفر حج و عمره نمی‌توان همه امکانات را همراه داشت و لذا باید به لوازم ضروری بسنده کرد؛ بخشی از لوازم و امکانات این سفر بوسیله سازمان حج و زیارت، کاروان‌ها و هیأت پزشکی تهیه و تأمین می‌شود و بخشی دیگر را شخص زائر باید برای خود تدارک کند که موارد آن بوسیله مدیر کاروان و از طریق جزوات آموزشی به اطلاع زائران می‌رسد.

ص: ۲۲

آداب و اخلاق در سفر حج

اشاره

این بخش شامل مواردی است که در طول سفر، از آغاز تا پایان، باید مورد توجه زائر قرار گیرد. این موارد را ذیل چند عنوان می‌نگریم:

- * نماز، دعا، صدقه
- * اخلاق مسافرت
- * خودسازی در حج
- * فقه معیشت در سفر
- * مقررات و شؤونات حج

۱- نماز، دعا، صدقه

الف- نماز

محافظت بر نماز و انجام آن در اوقات فضیلت و بدون تأخیر، مهمترین وظیفه‌ای است که در آداب سفر مورد تأکید قرار گرفته است. بویژه در سفر حج که اساس آن

ص: ۲۳

عبودیت و هدف آن تقرب به خداوند است. در نماز اول وقت، که بهترین نیایش و زیباترین تصویر بندگی است، نباید اندک تسامحی روا داشت.

در روایات بدین نکته مهم توجه داده شده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«اخْتَبِرُوا إِخْوَانَكُمْ بِخَصْلَتَيْنِ، فَإِنْ كَانَتْ فِيهِمْ وَإِلَّا فَاغْزُبْ ثُمَّ اغْزُبْ ثُمَّ اغْزُبْ: الْمَحَافِظَةُ عَلَى الصَّلَوَاتِ فِي مَوَاقِيتِهَا، وَالْبِرُّ بِالْإِخْوَانِ فِي الْعُسْرِ وَالْيُسْرِ». (۱)

«برادرانتان را با دو خصلت بیازمایید اگر دارای این دو خصلت نبودند از آنان فاصله بگیرید و فاصله بگیرید، و باز هم فاصله بگیرید!

یکی از این دو، محافظت بر اوقات نماز است و دیگری نیکی با برادران در رنج و راحت.»

به همین دلیل از مسافرتی که به نماز لطمه زند منع و نهی شده است. علی علیه السلام فرمود:

«لَا يَخْرُجُ الرَّجُلُ فِي سَفَرٍ يَخَافُ مِنْهُ عَلَى دِينِهِ وَصَلَاتِهِ». (۲)

۱- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۰۳

۲- همان، ص ۲۴۹

ص: ۲۴

«نباید کسی به سفری برود که خوف آن داشته باشد که به دین یا نماز او لطمه‌ای وارد شود.»

بدیهی است که سفر حج ویژگی خاصی دارد و زائر گرامی باید نماز را در صدر وظائف خود قرار دهد و از اول وقت تأخیر نیندازد و حتی الامکان با جماعت و در مسجد بخواند. به مجرد ورود به فرودگاه جده، اگر وقت نماز است زائران نماز را به جماعت بخوانند و چون به مکه یا مدینه رسیدند نماز خود را در مسجدالحرام و مسجدالنبی به جماعت بخوانند و اگر از این دو مسجد دور بودند در یکی از مساجد نزدیک، به نماز حاضر شوند که دور از انصاف است شخص در مکه یا مدینه باشد اما نماز را در مسجدالحرام و مسجدالنبی بجا نیاورد و یا فردی نماز بخواند و در نماز جماعت که با آن شکوه و عظمت با حضور نمازگزاران بی‌شمار از کشورهای مختلف جهان برگزار می‌شود، شرکت نداشته باشد. با این که در روایات ما به حضور در این گونه جماعات توصیه شده است و اجر و پاداش معنوی دارد، البته رعایت وظائف نمازگزار در شرایط تقیه نیز نباید از نظر دور بماند. در مسجدالحرام و مسجدالنبی، و سایر مساجد و اماکنی که غیر شیعه حضور دارند از همراه داشتن مهر، سنگ، حصیر، و یا قطعات

ص: ۲۵

کاغذ برای سجده جداً خودداری کند و به همان نحو که دیگران نماز می‌خوانند و سجده می‌کنند عمل شود که در آن زمان و موقعیت تکلیف جز این نیست.

در روایات آمده است که ثواب نماز در مسجدالنبی معادل هزار نماز است از این رو زائر مدینه باید سعی کند نماز خود را در مسجد رسول خدا بخواند و از خواندن نماز در کنار بقیع یا حاشیه خیابانها خودداری کند و نماز زیارت ائمه بقیع علیهم السلام را که هر یک دو رکعت است و نیز نماز زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت زهرا علیها السلام را در مسجدالنبی صلی الله علیه و آله بخواند؛ زیرا علاوه بر آن که از ثواب نماز در مسجد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بهره‌مند می‌شود، رعایت شؤونات شیعه را نموده است. چه، آنها نماز در قبرستان را حرام می‌دانند، هرچند این نظر در فقه ما نیست اما در هر حال افضل اماکن برای نماز مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله است.

ب- دعا

دعا ایجاد ارتباط قلبی با خدا و استمداد از امدادهای غیبی اوست. بخش عظیمی از فرهنگ پر بار شیعه را دعا تشکیل می‌دهد، ادعیه و زیارات وارده از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم- علیهم صلوة الله و سلامه- گنجینه معارف الهی است که بر زبان اولیای خدا جاری شده و به تعبیر

ص: ۲۶

حضرت امام خمینی - قدس سره - : «دعا قرآن صاعد است» مداومت بر ادعیه و توجه به مفاهیم آنها غنای روحی می‌بخشد و باعث اطمینان قلب و عمیق‌تر شدن ایمان و حفظ و حراست در سفر می‌گردد.

برای سفر به ویژه سفر حج و عمره نیز از آغاز تا پایان و طی مسیر، ادعیه‌ای است که به لحاظ اختصار، مواردی را ذکر می‌کنیم و بیش از آن را به کتب ادعیه موکول می‌نمائیم.

غسل و دعای آن قبل از سفر

مستحب است پیش از سفر غسل کرده، این دعا را بخواند:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَلَمَّا حَيُّوْا وَلَمَّا قُوَّةَ الْأَ بِاللَّهِ وَعَلَىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ وَالصَّادِقِينَ عَنِ اللَّهِ - صَيَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ - اللَّهُمَّ طَهِّرْ بِهِ قَلْبِي، وَاشْرَحْ بِهِ صَدْرِي، وَتَوَزَّرْ بِهِ قَبْرِي، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي نُورًا وَطَهُورًا وَحِرْزًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَآفَةٍ وَعَاهَةٍ وَسُوءٍ مِمَّا اخَافُ وَاخْذَرُ، وَطَهِّرْ قَلْبِي وَجَوَارِحِي وَعِظَامِي وَدَمِي وَشَعْرِي وَبَشْرِي وَمُخِّي وَعَصْبِي وَمَا أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنِّي، اللَّهُمَّ

ص: ۲۷

اجْعَلْهُ لِي شَاهِدًا يَوْمَ حَاجَتِي وَفَقْرِي وَفَاقَتِي إِلَيْكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

دعا هنگام خروج از خانه

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «بهترین چیزی که مسافر برای خانواده‌اش می گذارد، این است که هنگام خارج شدن از خانه دو رکعت نماز بخواند و سپس این دعا را تلاوت کند:

«اللَّهُمَّ أَنْتَ اسْتَوْدِعُكَ نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَذُرِّيَّتِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي وَأَمَانَتِي وَخَاتِمَةَ عَمَلِي». (۱)

«بار خدایا! خود و خاندانم، مال و فرزندانم، دنیا و آخرتم و امانت و پایان کارم را به تو می سپارم.»

پس هرگاه چنین کند و نماز و دعا را بخواند خداوند خواسته‌اش را اجابت فرماید.

نقل شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام سفر این دعا

ص: ۲۸

را می‌خواندند:

«اللَّهُمَّ بِكَ أَسْتَعِينُ وَعَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ، اللَّهُمَّ ذَلِّ لِي صِعُوبَهُ أَمْرِي وَسَهِّلْ عَلَيَّ مَشَقَّةَ سَفَرِي، وَارْزُقْنِي الْخَيْرَ أَكْثَرَ مِمَّا أَطْلُبُ، وَاصْرِفْ عَنِّي كُلَّ شَرٍّ، رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي، وَنَوِّرْ قَلْبِي، وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي، اللَّهُمَّ إِنِّي اسْتَخْفُظُكَ وَاسْتَوْدِعُكَ نَفْسِي وَدِينِي وَأَهْلِي وَأَقَارِبِي وَكُلَّ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ وَعَلَيْهِمْ مِنْ آخِرَةٍ وَدُنْيَا، فَاحْفَظْنَا أَجْمَعِينَ مِنْ كُلِّ سُوءٍ يَا كَرِيمَ». (۱)

در روایات دیگر آمده که هنگام ترک خانه، بر در خانه توقف کند و سوره «حمد، اخلاص، معوذتین، قدر و آیه‌الکرسی» را تلاوت کند و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ احْفَظْنِي وَاحْفَظْ مَا مَعِيَ، وَسَلِّمْنِي وَسَلِّمْ مَا مَعِيَ، وَبَلِّغْنِي وَبَلِّغْ مَا مَعِيَ، بِبِلَاغِكَ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ». (۲)

«بار خدایا! مرا و همراهان مرا حفظ کن و

۱- هدایه السالک، ج ۱، ص ۳۴

۲- همان، ص ۲۷۷

ص: ۲۹

بسلامت بدار و به نیکوترین وجه به مقصد برسان.»

این دعا نیز از امام صادق علیه السلام است که هنگام ترک وطن و خارج شدن از خانه خوانده می‌شود:

«اللَّهُمَّ اِنِّي اسْتَيْئَلُكَ خَيْرَ مَا خَرَجْتُ لَهٗ، وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا خَرَجْتُ لَهٗ، اللَّهُمَّ اَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ، وَاثْمِمْ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ، وَاَسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ، وَاَجْعَلْ رَغْبَتِي فِيْمَا عِنْدَكَ، وَتَوَفَّنِي عَلَي مِلَّتِكَ وَمَلَّةِ رَسُوْلِكَ» (۱)

«بار خدایا! بهترین چیزی که برای آن خارج شدم، از تو می‌خواهم و از شر آنچه بدان جهت بیرون شدم به تو پناه می‌برم. خدایا! فضل خویش بر من بگستران و نعمت را بر من تمام کن و مرا در اطاعت خود بکار گمار و میل و گرایش مرا متوجه چیزی که نزد تو یافت می‌شود بگردان و بر آیین خود و آیین پیامبرت بمیران.»

و نیز امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که به قصد حج یا عمره از منزل بیرون می‌روی، دعای فرج را بخوان و آن

ص: ۳۰

دعا این است:

«لا-اله الا الله الحليم الكريم، لا-اله الا الله العلي العظيم، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

و در توصیه حضرت رضا علیه السلام است که هرگاه قصد حج کنی خانواده‌ات را جمع کن و دو رکعت نماز بجای آور و خداوند را حمد و ثنا بگو و بر پیامبرش درود فرست و دستهایت را به دعا بردار و بگو:

«اللَّهُمَّ أَنْتَ اسْتَوْدِعُكَ الْيَوْمَ دِينِي وَنَفْسِي وَمَالِي وَأَهْلِي وَوُلْدِي وَجَمِيعَ حَيْرَانِي وَأَخْوَانِنَا الْمُؤْمِنِينَ الشَّاهِدَ مِنْهُمْ وَالْغَائِبَ عَنَّا». (۱)

«بار خدایا! امروز دینم را و خود را و مال و خاندان و فرزندان و همه همسایگان و برادران مؤمن، چه حاضر و چه غایب، را به تو می سپارم.»

«اللَّهُمَّ أَنْتَ اعُوذُ بِكَ مِنْ وَعَثَاءِ السَّفَرِ»

ص: ۳۱

وَكَايَةُ الْحُزْنِ». (۱)

«بار خدایا! از رنج سفر و ناراحتی اندوه به تو پناه می‌برم.»

و نیز فرمود: بخواند:

«بِسْمِ اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ». (۲)

دعا هنگام سوار شدن

علی علیه السلام فرمود: هنگام سوار شدن بر وسیله نقلیه، این دعا را بخواند:

«بِسْمِ اللَّهِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنَا، وَحَمَلَنَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ، وَرَزَقَنَا مِنَ الطَّيِّبَاتِ، وَفَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقَ تَفْضِيلًا، سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ

لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ، رَبِّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي أَنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ». (۳)

«بنام خدا، سپاس خدای را که ما را گرامی داشت و در خشکی و دریا حمل فرمود و از غذاها

۱- مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۱۲۲-۱۲۱

۲- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۲۷۹

۳- مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۱۳۹

ص: ۳۲

پاکیزه روزی داد و بر بسیاری از مخلوقاتش برتری بخشید. منزّه است آنکس که این مرکب را مسخر ما ساخت و ما هم‌اورد آن نبودیم (و تسخیر آن در توان ما نبود) خدایا! گناهانم را بیامرز که جز تو آمرزنده گناهان نیست.» (۱)

این دعا نیز از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ أَنْتَ الْحَامِلُ عَلَى الظَّهْرِ وَالْمُسْتَعَانُ عَلَى الْأَمْرِ، اللَّهُمَّ بَلِّغْنَا بِلَاغًا يَبْلُغُ إِلَى خَيْرِ بِلَاغٍ، يَبْلُغُ إِلَى مَغْفِرَتِكَ وَرِضْوَانِكَ، اللَّهُمَّ لَا طَيْرَ إِلَّا طَيْرُكَ وَلَا خَيْرَ إِلَّا خَيْرُكَ وَلَا حَافِظَ غَيْرِكَ.» (۲)

امام سجاد علیه السلام فرمود: هرگاه کسی پیاده حج کند و سوره «قدر» را بخواند رنج پیاده رفتن را احساس نخواهد کرد و

۱- وسائل، ج ۸، ص ۲۸۹

۲- تهذیب، ج ۴، کتاب الحج.

ص: ۳۳

نیز فرمود: کسی هنگام سوار شدن «أنا انزلنا» را نمی‌خواند مگر آن که سالم و آمرزیده پیاده شود.

و نیز حضرت رضا علیه السلام توصیه می‌فرماید:

«عَلَيْكَ بِكَثْرَةِ الاسْتِغْفَارِ وَ التَّشْيِيعِ وَ التَّهْلِيلِ وَ التَّكْبِيرِ وَ الصَّلَاةِ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ». (۱)

«مسافر در حال سفر و طی مسیر، بسیار استغفار کند و بسیار تسییح، تهلیل و تکبیر بگوید و بر محمد و خاندانش صلوات فرستد.»
بنابر این راهیان خانه خدا باید از هر لحظه این سفر روحانی بهره گیرند و در طول سفر با اذکار و اوراد و ادعیه و صلوات و سلام، روح خود را جلا و صفا دهند که دلها بیاد خدا آرام گیرد،

الَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ.

این‌ها بخشی از ادعیه سفر است. اما ادعیه خاص حج و عمره، چون دعای احرام، دعای ورود به مسجدالحرام، ادعیه طواف، اذکار و ادعیه سعی و ... تا دعاهاى روز عرفه و سایر مشاهد مکرمه در مناسک و کتب ادعیه آمده که از خواندن آنها غفلت نخواهند کرد.
همچنین تلاوت قرآن

۱- مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۱۳۹

ص: ۳۴

بویژه در حرمین شریفین و محل نزول قرآن و حتی الامکان ختم قرآن در ایام حج، از اهم عبادات و اذکار و آداب شمرده شده است.

ج- صدقه

کمک به مستمندان و صدقات مستحبی در همه حال؛ بویژه سفر که در روایات بدان توصیه شده و آن را عامل دفع بلاها و خطرهای دانسته‌اند. بنابر این زائر هنگام عزیمت چیزی را بعنوان صدقه اختصاص دهد و اگر نیازمندی در سفر دید از دادن صدقه کوتاهی نکند.

در روایت است که از امام صادق علیه السلام سؤال شد آیا در روزهایی مانند چهارشنبه مسافرت کراهت دارد؟ (۱) حضرت در پاسخ فرمود:

«أَفْتَحْ سَفْرَكَ بِالصَّدَقَةِ، وَأَقْرَأْ آيَةَ الْكُرْسِيِّ إِذَا بَدَأَ لَكَ»

؛ «سفرت را با صدقه آغاز کن و برای رفع نگرانی خود «آیه‌الکرسی» را بخوان». (۲) در روایت دیگر از آن حضرت است که:

۱- در روایات به روزهایی از هفته و ماه بعنوان بهترین روزهای سفر اشاره شده؛ مانند: شنبه، پنجشنبه و جمعه پس از نماز جمعه. نک: وسائل، ج ۸، ص ۲۵۳ به بعد.

۲- همان، ص ۲۷۳

ص: ۳۵

«تَصَدَّقْ وَاخْرُجْ أَيْ يَوْمَ شِئْتِ»، (۱)
 «صدقه بده و هر روزی که خواستی سفر کن.»

۲- اخلاق مسافرت

یکی از مسائل مهم سفر انتخاب همسفر خوب و رعایت اخلاق و آداب معاشرت با همسفران است. زائر قبل از سفر باید همسفر صالح، امین، پرهیزکار، دانا، دلسوز و خوش خلق انتخاب کند و یا در بین همسفران چنین فردی را برگزیند که مددکار او در امور معنوی و همکار او در سفر باشد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«الرَّفِيقُ ثُمَّ السَّفَرُ» (۲)

و

«الرَّفِيقُ ثُمَّ الطَّرِيقُ» (۳)

و خود نیز اخلاق و آداب سفر و حسن معاشرت با همسفران را بداند و عمل کند. بخشی از آداب و اخلاق سفر عبارتست از:
 الف- حسن خلق

از مصادیق حسن خلق عبارت است از داشتن صبر، حوصله، گذشت، تواضع، پاکدامنی، مهربانی، سازش،

۱- مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۱۲۵

۲- وسائل، ج ۸، ص ۲۹۹

۳- مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۲۰۹

ص: ۳۶

گشاده‌رویی، و امثال آن. و پرهیز از بیهوده‌گویی، لغو، غیبت و ...

مردی خدمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمد و گفت: مرا توصیه‌ای فرمایید که از آن بهره گیرم. حضرت توصیه‌هایی فرمودند که از جمله این بود:

«الْقَ أَخَاكَ بِوَجْهِ مُنْبَسِطٍ»؛ (۱)

«با چهره گشاده با برادرانت برخورد کن.»

و نیز در احوالات آن حضرت آورده‌اند که در یکی از سفرهایشان چنین فرمودند:

«مَنْ كَانَ يُسَىءُ الْجَوَارِ فَلَا يُصَاحِبْنَا»؛ (۲)

«کسی که در مصاحبت و مجاورت، بد عمل می‌کند با ما همراه و همسفر نشود.»

زائران گرامی باید در معاشرت با همسفران خود تا پایان سفر بردباری، رفق، مدارا و سازش را پیشه سازند و از ناسازگاری و عصبانیت پرهیزند و به همسفران در امور معنوی یاری رسانند. از موارد حسن خلق؛ تحمل کردن ناسازگاری همسفر است که رسول خدا بدان توصیه فرموده‌اند:

«مَا اضْطَحَبَ اثْنَانِ إِلَّا كَانَ أَعْظَمُهُمَا أَجْرًا وَ

۱- وسائل، ج ۸، ص ۵۱۲

۲- مستدرک سفینه البحار، ماده سفر، ص ۵۸

ص: ۳۷

أَحْبَبُهُمَا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَرْفَقَهُمَا بِصَاحِبِهِ». (۱)

«هر گاه دو نفر با یکدیگر همسفر شدند آن کس که با دیگری رفق و مدارا را پیش گیرد نزد خدا محبوب‌تر و پاداشش عظیم‌تر است.»

ب- احترام متقابل

همسفران در هر پایه و جایگاهی که هستند باید بدور از امتیازات و عناوین خاص خود، احترام یکدیگر را نگهدارند و صمیمیت و رفاقت را پیشه کنند و در نشستن و برخاستن و سوار و پیاده شدن به اتومبیل و غذا خوردن و انتخاب جا و مکان استراحت در اتاق، خیمه‌های منا و عرفات و سایر موارد، دیگران را بر خود مقدم دارند و با چشم برتری به خود ننگرند.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید:

«لَا تَصْحَبَنَّ فِي سَفَرِكَ مَنْ لَا يَرَى لَكَ مِنَ الْفَضْلِ عَلَيْهِ كَمَا تَرَى لَهُ عَلَيْكَ». (۲)

«با کسی که برای تو احترام قائل نیست، آنگونه که تو بدو احترام می‌گذاری، درسفر مصاحبت نکن.»

۱- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۰۲

۲- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۰۲

ص: ۳۸

ج- صبر و تحمل

حجاج گرامی باید بدانند که امکانات رفاهی سفر مانند وطن نیست، گرمی هوا، خستگی راه، پیاده‌روی، بخصوص در منا و مشعر و بی‌خوابی در ایام حج، کمبود جا و ازدحام جمعیت و مشکل رساندن تدارکات و ترافیک و سائل نقلیه و کاستی‌هایی که طبیعی این سفر است و سایر عوامل، گاه می‌شود زائر را از حال عادی خارج ساخته و صبر و حوصله او را محدود می‌کند. گاه با مدیر گروه، گاه با خدمه، گاه با همسفران و هم‌اتاقی‌ها به مشاجره و درشت‌گویی می‌پردازد. احياناً برخوردهایی نامناسب رخ می‌دهد و نگارنده خاطره بسیار تلخی از آنها را بیاد دارد.

هنگام بازگشت از حج، که زائر یک ماه تمرین عبادت و ریاضت و صبر کرده و می‌بایست الگوی اخلاقی و انسانیت شده باشد! در فرودگاه جده هنگام تحویل اثاثیه، نزاع احتمالی زائران بخاطر تقدم و تأخر در صف و نوبت، و فحش و ناسزاگویی به یکدیگر در برابر پلیس سعودی و خدمه فرودگاه و دیگر ناظران داخلی و خارجی، چیزی جز شرمندگی در پی نخواهد داشت.

حال مؤکداً خاطر نشان می‌سازد که اخلاق و حلم و بردباری، معیار عمل و قبولی حج و درجه ایمان

ص: ۳۹

است، بخصوص در حج ناسزاگویی و جدال و بی‌ادبی جای ندارد

فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ. (۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«أَكْمَلُكُمْ إِيمَانًا أَحْسَنُكُمْ أَخْلَاقًا»؛

«کامل‌ترین شما از نظر ایمان کسی است که اخلاقش نیکوتر باشد.» بنابراین زائر وقتی از خانه خدا برمی‌گردد، اگر ضعف‌هایی هم داشته، باید در رفع و اصلاح آن کوشیده باشد، نه این که بر سر مسائل جزئی مانند سوار شدن یا تحویل اثاثیه، و نشستن در اتوبوس و غیره نوبت دیگری را بگیرد یا اگر کسی که به عمد یا سهو و بی‌توجهی نوبت او را گرفت، آن گونه عکس‌العمل نشان دهد و آبروریزی کند که به نمونه آن اشاره کردیم. متأسفانه شیطان همه جا می‌کوشد صفای معنویت را تیره کند و دام خود را بر سر راه بندگان بگستراند، لذا باید مراقب بود که تحریک ابلیس مؤثر نیفتد و نفس اماره طغیان نکند و چهره اخلاق و ایمان لکه‌دار نشود. بدانیم که رنج و مشقت در سفر حج، موجب اجر بیشتر است. در روایات آمده که امام حسن مجتبی علیه السلام بیست بار پیاده به حج رفتند در حالی که

ص: ۴۰

مرکب‌هایی همراه داشتند و این را عامل افزایش اجر می‌دانستند. (۱) د- مروت و جوانمردی در روایات ما از حسن معاشرت و حفظ الغیب همسفران و رفق و مدارا، به عنوان مروت در سفر یادشده که روایت ذیل نمونه آن است:

قال الصادق عليه السلام: «المُرُوَّةُ مُرُوَّةٌ تَانِ: مُرُوَّةٌ فِي السَّفَرِ وَ مُرُوَّةٌ فِي الْحَضَرِ، فَأَمَّا مُرُوَّةُ الْحَضَرِ فِتِلَاوَةُ الْقُرْآنِ، وَ حُضُورُ الْمَسَاجِدِ، وَ صُحْبَةُ أَهْلِ الْخَيْرِ، وَ النَّظَرُ فِي الْفِقْهِ، وَ أَمَّا مُرُوَّةُ السَّفَرِ فَيَذَلُّ الزَّادَ وَ الْمَرَاحَ فِي غَيْرِ مَا يُسِيخُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ قَلَّةُ الْخِلَافِ عَلَى مَنْ صَحِبَكَ وَ تَرْكُ الرِّوَايَةِ عَلَيْهِمْ إِذَا أَنْتَ فَارَقْتَهُمْ». (۲)

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مروت دو گونه است:

مروت در حضر و مروت در سفر. مروت در حضر؛ عبارت است از: تلاوت قرآن، حضور در

۱- علل الشرائع، ص ۴۴۷

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۳۶

ص: ۴۱

مساجد، همنشینی با اهل خیر و نظر در فقه و مسائل فقهی. اما مروت در سفر؛ عبارت است از: بذل و بخشش، مزاح کردن در صورتی که خدا را به خشم نیاورد، مخالفت نکردن با همسفران، و بعد از جدایی پشت سر آنها سخن نگفتن.»

و نیز آن حضرت می‌فرماید:

«لَيْسَ مِنَ الْمُرُوَّةِ أَنْ يُحَدِّثَ الرَّجُلُ بِمَا يَلْقَى فِي السَّفَرِ مِنْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ»؛ (۱)

«دور از مروّت است که مرد (پس از جدا شدن از همسفر خود) آنچه را از نیک و بد در سفر دیده باز گو کند.»

ابن اعسم، یکی از شعرای شیعه، در شعر زیبایی ضمن بیان اخلاق سفر گوید:

وَلْيُحْسِنِ الْإِنْسَانُ فِي حَالِ السَّفَرِ أَخْلَاقَهُ زِيَادَةً عَلَى الْحَضَرِ

وَلْيَكْثِرِ الْمَزْحَ مَعَ الصَّحْبِ إِذَا لَمْ يَسْخِطِ اللَّهُ وَلَمْ يَجْلِبْ أَدَى (۲)

۱- همان، ص ۴۳۷

۲- سفینه البحار، ج ۲، ص ۶۲۹ ماده «سفر».

ص: ۴۲

انسان باید در سفر اخلاق خود را بیش از وطن نیکو گرداند و با همسفران بسیار مزاح کند به گونه‌ای که خدا را خشمگین نسازد و کسی را آزار ندهد.

گروه همسفر، همانند اعضای یک خانواده‌اند و باید در همه احوال از راحت و رنج و رفاه و شدت، به یاری یکدیگر بشتابند؛ بخصوص سالخورده‌گان و افتادگان و بیماران و ضعفا را مراعات کنند که این کار علاوه بر این که یک فضیلت اخلاقی است، اجر و ثواب دارد و ارزش حج را بالا می‌برد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«مَنْ أَعْيَانَ مُؤْمِنًا مُسَافِرًا فَوَجَّحَ اللَّهُ عَنْهُ ثَلَاثًا وَسَبْعِينَ كُرِّيَةً، وَأَجَارَهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مِنَ الْعَمِّ وَالْهَمِّ، وَنَفَّسَ كَرْبَهُ الْعَظِيمَ يَوْمَ يَغْصُ النَّاسُ بِأَنْفُسِهِمْ» (۱)

«کسی که مؤمن مسافری را یاری رساند خداوند گرفتاریش را برطرف کند و در دنیا و آخرت او را در پناه خود گیرد و از غم و اندوه گرانبار روز قیامت، که مردم رابه‌هراس می‌افکنند، رهایی بخشد.»

ص: ۴۳

و در خصوص بیماران می‌فرماید:

«إِذَا كُنْتُمْ فِي سَفَرٍ فَمَرِضَ أَحَدُكُمْ فَأَقِيمُوا عَلَيْهِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ»؛ (۱)

«هرگاه در سفر بودید و یکی از شما بیمار شد سه روز بخاطر او توقف کنید.»

هر چند بهداشت و درمان زائر به عهده هیأت پزشکی است، با این حال بیمار به تفقد و دلجویی و تقویت روحی نیاز دارد و دوستان و همسفران نباید او را تنها بگذارند، بخصوص در انجام اعمال حج که به همکاری بیشتر نیاز است و همراهان باید توجه داشته باشند و از هر گونه مساعدت دریغ نکنند.

ه- کار کردن در سفر

تدارکات سفر حج سنگین است، هر چند در هر گروه خدمه ویژه عهده‌دار این مسؤلیت‌اند اما در عین حال اگر زائر بتواند در کارها تشریک مساعی کند، بسیار پسندیده است، بخصوص آن که برادران خدمه گاهی از تراکم کار و بی‌خوابی خیلی خسته می‌شوند، که کمک به آنها در کارها؛ نظیر جمع و حمل اثاث و تمیز کردن اتاق استراحت خود یا

ص: ۴۴

همکاری در منا و عرفات، می‌تواند کمک روحی به این برادران باشد.

در روایات به کار کردن در سفر تأکید فراوان شده است.

در عصر نبی اکرم صلی الله علیه و آله گروهی همسفر شدند، پس از بازگشت از سفر، خدمت آن حضرت عرض کردند: ای رسول خدا، در این سفر مردی بهتر از فلان شخص ندیدیم، او روزها روزه می‌گرفت و هرگاه در منزلی فرود می‌آمدیم به نماز می‌ایستاد و همچنان مشغول نماز بود تا وقتی که کوچ کنیم. پیامبر فرمودند: پس چه کسی کارهای او را انجام می‌داد و اسباب آرامش و آسایش او را فراهم می‌ساخت؟ پاسخ دادند: ما حوائج او را تأمین می‌کردیم.

در این حال پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«كُلُّكُمْ أَفْضَلُ مِنْهُ»؛ (۱)

«همه شما بر او برتری دارید.»

هرچند در عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شیوه خدمات به صورت فعلی نبود و همه باید کار می‌کردند تا امور سفر سامان گیرد و آب و غذا و دیگر لوازم فراهم شود و امروز با گذشته فرق دارد، اما در عین حال با توجه به این حدیث و امثال آن، که از فضیلت کار در سفر سخن می‌گوید، به مورد است زائران

ص: ۴۵

در صورت لزوم در کارها تشریک مساعی کنند.

در احوالات امام چهارم، حضرت علی بن الحسین علیه السلام نوشته‌اند: آن حضرت مسافرت نمی‌کرد مگر با همسفرانی که او را شناسند و با آنان شرط می‌فرمود که از خدمتگزاران آنها باشد و در حوائجشان بکوشد. یکبار با گروهی همسفر شدند که یکی از آن گروه در خلال سفر، آن حضرت را شناخت و سراسیمه به همراهان گفت:

می‌دانید این آقا کیست؟! گفتند: نه، گفت: او علی بن الحسین علیه السلام است. همین که آنان چنین سخنی را شنیدند، از جای برخاسته و بردست و پای آن حضرت بوسه زدند و گفتند: ای پسر رسول خدا، می‌خواستید ما را به دوزخ افکنید؟! اگر از دست و زبان ما خطایی سر می‌زد برای همیشه هلاک می‌شدیم، چرا چنین کردید و خود را معرفی نمودید؟! امام در پاسخ فرمود: یکبار با کاروانی همسفر شدم، آنها مرا شناختند و بدلیل بستگی من با پیامبر، آنقدر به من نیکی کردند که مستحق آن نبودم، حال ترسیدم شما نیز مانند آنها عمل کنید، لذا بهتر آن دیدم که خود را معرفی نکنم. (۱)

۱- بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۶۹

ص: ۴۶

این سیره مبارک اهل بیت علیهم السلام است که باید زائر آن را مدّ نظر داشته باشد.

و- همراهی با همسفر

همسفر را نباید تنها گذاشت، بویژه در سفر حج که نیاز به انس و همکاری و همگامی دارد. بنابر این افراد جوان و آگاه که این سفر را قبلاً طی کرده و به راه و چاه آگاهند، در رفت و آمدها و مسیرهای پیاده، بویژه منا و عرفات و مشعر که احتمال گم شدن زائر یا بیمار شدن و سرگردانی او بسیار است و برای شخص ناوارد از نظر جسمی و روحی و انجام اعمال، مشکلاتی همراه دارد، مراقب حال همسفر بودن بسیار اهمیت دارد و از پاداش و اجر اخروی برخوردار است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«مَنْ صَحِبَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ فِي طَرِيقٍ فَتَقَدَّمَ بِقَدْرِ مَا يَغِيبُ عَنْهُ بَصَرُهُ فَقَدْ أَشَاطَ بِدَمِهِ وَأَعَانَ عَلَيْهِ» (۱)

«کسی که در راهی با برادر خود مصاحبت کند و

ص: ۴۷

او را رها ساخته و بر او سبقت گیرد تا از نظرش ناپدید شود، به ریختن خون او اقدام کرده و به نابودی‌اش کمک نموده است.»
حق همسفر و اهمیت همراهی با او، تا بدانجاست که آن را یکی از حقوق ویژه انسانی برشمرده که حتی اگر همسفر غیر مسلمان باشد، این حق برقرار است.

علی علیه السلام با مرد ذمی همسفر شدند، ذمی پرسید: قصد کجادارید؟ فرمود: قصد کوفه دارم. بر سر دوراهی رسیدند. امیرالمؤمنین علیه السلام به جای این که طریق کوفه را بپیماید، وی را همراهی نمود. ذمی گفت: مگر شما قصد کوفه نداشتید؟ فرمود: چرا. عرض کرد: پس چرا به مقصد خود رهسپار نشدید و راه کوفه را نپیمودید؟ فرمود: می‌دانم، ولی تکمیل حق مصاحبت به اینست که همسفر، همسفر خود را با میل و رغبت مشایعت کند و پیامبر ما، ما را به این امر فرمان داده است. ذمی گفت: پیامبر شما چنین فرموده؟

فرمود: آری. ذمی گفت: پیروان این پیامبر بخاطر همین صفات خجسته‌اش وی را پیروی کرده‌اند. گواه باشید که من آیین او را پذیرفتم. (۱)

ص: ۴۸

و بدین ترتیب یک فرد غیر مسلمان به برکت حسن معاشرت امیر مؤمنان علیه السلام به اسلام رو آورد. بنا به فرموده امام صادق علیه السلام در وصایای لقمان حکیم به فرزندش در اخلاق و آداب سفر آمده است: «هرگاه با جمعی سفر کردی با آنان در کار خود و کار آنان به مشورت پرداز و در چهره آنان بسیار تبسم کن و بر توشه راه خود کریم و بخشنده باش و چون تو را دعوت کنند اجابت نما و اگر از تو کمک خواستند یاری ده و در سه چیز بر آنان سبقت گیر: «سکوت بسیار»، «نماز بسیار» و «سخاوت در زاد و مرکب سواری» خود. و چون از تو گواهی حقی خواستند، گواهی ده و چون مشورت کردند تمام توان فکری خود را برای ارائه راه صحیح بکار گیر، و چون راه پیمایند با آنان همگام شو و چون به کاری پردازند با آنان در کار مشارکت کن و چون به صدقه یا قرض دادن اقدام کردند تو نیز بذل کن و به آنان که از تو سالخورده‌ترند گوش فرا ده و هرگاه به کاری فرا خوانند و یا چیزی خواهند همکاری کن و از مخالفت بپرهیز.» (۱)

۳- خودسازی در سفر حج

فلسفه شرایع الهی، تربیت انسان کامل است و حج کلاس تهذیب نفس است. هر یک از مناسک و مشاعر و طی نشیب و فرازهای این سفر، گامی است در جهت غنای روحی، سعه صدر و کسب فضائل اخلاقی. حج نور است که از ظلمت‌ها به سوی آن باید گریخت.

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه مبارکه

«فَقِرُّوا إِلَى اللَّهِ»

. می‌فرماید:

«مِنَ الظُّلْمَةِ إِلَى الْحَجِّ»؛ (۱)

«به سوی خدا بگریزید، یعنی: از ظلمت به حج رو آورید.»

در وصایای امیر مؤمنان علیه السلام است:

«وَأَذْنِي مَا يَرْجِعُ بِهِ مَنْ أَمَّهُ أَنْ يُغْفَرَ لَهُ مَا سَلَفَ»؛ (۲)

«کمترین دستاوردی که زائر از حج می‌آورد این است که گناهایش آمرزیده شود.» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در «خطبه غدیر» که پس از بازگشت از حجة الوداع ایراد فرمودند، به مردم چنین خطاب کردند:

۱- مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۱۱

۲- همان، ص ۱۵

ص: ۵۰

«مَعَاشِرَ النَّاسِ حُجُّوا النَّبِيَّ بِكَمَالِ الدِّينِ وَ التَّقْوَى، وَ لَا تَنْصَرِفُوا عَنِ الْمَشَاهِدِ إِلَّا بِتَوْبَةٍ وَ إِقْلَاعٍ». (۱)

«ای مردم، با دین و فقه کامل حج کنید و از مشاهد این سفر برنگردید مگر با توبه و بازایستادن از گناه.»

سفر حج فرصت بسیار مناسبی است که اگر زائر ضعف‌های اخلاقی داشت، در این سفر به رفع آن بکوشد و در حین سفر نیز مراقب دست و زبان و چشم خود باشد و از گناه خودداری کند. غیبت کسی را ننماید، بیهوده نگوید، مخصوصاً چشم خود را از نظر به نامحرمان از هر ملیت و رنگی که باشند بپوشد. باز بودن صورت زنان در حال احرام آزمایشی است برای مردان که چقدر تسلط بر نفس دارند.

بنابر این در آن سرزمین پاک، برادران و خواهران جهات اخلاقی را به دقت رعایت کنند. خواهران در حفظ حجاب مسامحه نکنند.

بی توجهی به حجاب و حریم اخلاق اعمال را بی ارزش کرده و سعی و تلاش را بر باد می‌دهد.

در اینجا مناسب است به گفتگویی که امام چهارم علیه السلام با شبلی داشتند اشاره کنیم:

امام سجاد، زین العابدین علیه السلام در سفر حج شبلی را دیدند

ص: ۵۱

و با وی در چگونگی حج و بهره‌های تربیتی آن سخن گفتند. از این حدیث مفصل مجملی را برای این مقال برگزیدیم؛ که زائر گرامی جداً توجه کند.

امام فرمود: «آیا وقتی به میقات رسیدی و لباس دوخته از تن درآوردی و احرام پوشیدی، جامه گناه را کندی و جامه طاعت در بر کردی؟

آیا از ریا و نفاق و بی‌باکی در شبهات بدرآمدی؟

آنگاه که محرم شدی، آیا محرمات الهی را بر خود حرام کردی؟

آیا با نیت حج، قید و بندهای غیر خدا را از گردن برداشتی؟

آیا با نماز احرام و لبیک گفتن، قصد زیارت کردی و تقرب به خدا جستی؟

آیا با لبیک گفتن نیت کردی که سخن از طاعت حق گویی و از گناه روزه بگیری؟

با داخل شدن به حرم، نیت کردی که غیبت مسلمانان را بر خود حرام کنی؟

آنگاه که به مکه رسیدی با قلب خود نیت خدا را داشتی؟

آیا وقتی طواف کردی و ارکان کعبه را لمس نمودی و به سعی پرداختی، بر آن بودی که به سوی خدا بگریزی؟

ص: ۵۲

آیا با بوسیدن حجر و توقف در مقام ابراهیم و نماز طواف، قصد آن کردی که بر اطاعت حق، پا برجا باشی و از معصیت او پرهیزی؟

آیا با نماز در مقام، بینی شیطان را به خاک مالیدی؟ آیا با نوشیدن آب زمزم تصمیم گرفتی مطیع حق باشی و چشم از گناه فرو بندی؟

آیا با سعی صفا و مروه خود را در حال خوف و رجا دیدی؟

آیا وقتی به منا رهسپار شدی، قصد کردی که مردم از دست و زبان و قلب تو در امان باشند؟

آیا با وقوف به عرفات با علم و عرفان حق را شناختی و دانستی که خدا از نامه اعمال و اسرار درون تو آگاه است؟ با ورود به مشعرالحرام شعار اهل تقوا را پوشش قلب خود ساختی؟

با رمی جمره ابلیس را رمی کردی؟

با تراشیدن سر پلیدی را از خود طرد کردی؟

آیا با ذبح قربانی، گلوی طمع را بریدی و راه ابراهیم را پیمودی؟» (۱)

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۰، صص ۱۷۲-۱۶۶ با تلخیص.

ص: ۵۳

چنانکه ملاحظه می‌کنیم تمام آنچه در سخن امام سجاد علیه السلام آمده، اخلاق و تربیت و انسان‌سازی است و زائر باید این تذکرات را از پیش بخاطر بسپارد و در طول حج آن را تمرین کند و با قلبی مصفا که آن قلب حرم خدا شده باشد و عملی صالح و اندوخته‌ای برای آخرت خود آهنگ وطن کند.

۴- فقه معیشت در سفر

یکی از آداب سفر مسائل مربوط به هزینه و توشه راه و نوع خرج کردن و غذا خوردن است. در این خصوص بویژه مسائل مربوط به معیشت سفر حج، رهنمودهای جالب و ارزنده‌ای است، که مواردی را در ذیل می‌نگریم:

الف- حفظ هزینه سفر

دقت در حفظ و نگهداری پول و هزینه راه، یکی از مسائل مهم فقه معیشت در سفر است. چه، امکانات سفر محدود است و تهی‌دست شدن بویژه در کشور خارجی، برای خود و همراهان که امکانات آنان نیز محدود است، مشکلاتی را بیار می‌آورد. لذا در روایات ما بدان تأکید و توصیه شده و از حفظ هزینه سفر بعنوان پشتوانه نیرومند

ص: ۵۴

مسافر یاد شده است.

صفوان جمال گوید: خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم: من به همراه خانواده‌ام قصد حج دارم، پول خود را به کمر می‌بندم، چه صورت دارد؟ امام در پاسخ فرمودند: بلی، پدرم می‌فرمود:

«مِنْ قُوَّةِ الْمُسَافِرِ حِفْظُ نَفَقَتِهِ» (۱)

«از توانمندی مسافر این است که پول خود را حفظ کند.»

و در روایت دیگر است:

«مِنْ فِئَةِ الْمُسَافِرِ حِفْظُ نَفَقَتِهِ» (۲)

به همین دلیل است که بستن کمر بند هر چند دوخته باشد بعنوان همیان برای نگهداری هزینه راه در حال احرام استثناء شده و اشکال ندارد. در عین حال باید توجه داشت که امروزه کمر بند هم چندان وسیله مطمئنی نیست و گاه شده در حال ازدحام طواف یا رمی جمره با تیغ آن را پاره کرده و پول زائر را به سرقت برده‌اند. لذا نباید تمام پول را همراه داشت و تنها به مقدار ضروری باید اکتفا کرد و بقیه را در جایی مطمئن‌تر نگهداری کرد یا به مدیر کاروان سپرد.

۱- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۰۷؛ بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۷۰

۲- بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۳۰۷ از امام باقر و امام صادق علیهما السلام.

ص: ۵۵

ب- سخاوت در سفر

یکی از توصیه‌های مربوط به معیشت سفر حج و عمره سخاوت‌مندی در خرج کردن است. هرچند در سایر موارد زندگی از ریخت و پاش و اسراف نهی شده اما در سفر حج و عمره به خرج کردن زیاد (البته در حد معقول و مشروع و امکان) ترغیب شده است؛ یعنی در سفر حج و عمره باید طبع بلند داشت و از امساک و گدامنشی پرهیز کرد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«مَا مِنْ نَفَقَةٍ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ نَفَقَةٍ قَصِدٍ وَيُبْعِضُ الْإِسْرَافَ إِلَّا فِي الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ» (۱)

«پسندیده‌ترین نوع خرج کردن نزد خدا اقتصاد و میانه‌روی است و خدا اسرافکاران را دوست نمی‌دارد، مگر در حج و عمره.»

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«إِنَّ مِنَ الْمَرْوَةِ فِي السَّفَرِ كَثْرَةَ الزَّادِ وَطَيِّبُهُ وَبَدَلُهُ لِمَنْ كَانَ مَعَكَ» (۲)

«یکی از نشانه‌های جوانمردی در سفر، توشه فراوان و مطبوع

۱- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۰۵

۲- همان، ص ۳۱۰

ص: ۵۶

برداشتن و بذل و بخشش آن به همسفران است.»

ابن اعسم در منظومه خود گوید:

مَنْ شَرَفِ الْإِنْسَانِ فِي الْأَسْفَارِ تَطْيِيبُهُ الزَّادَ مَعَ الْإِكْثَارِ

«از شرف آدمی در سفر این است که توشه مطبوع فراوان بردارد.»

وَيُدْعُ عِنْدَ الْوَضْعِ لِلْخَوَانِ مَنْ كَانَ حَاضِرًا مِنَ الْإِخْوَانِ (۱)

«و چون آنرا بر سفره نهاد برادرانی را که حضور دارند دعوت کند.»

بدیهی است که سخاوت در سفر، در شرایط کنونی که تهیه ارز برای زائر ایرانی گران تمام می‌شود بدین معنا نیست که با زحمت پولی تهیه کند و نابجا خرج کند و وقت خود را صرف بازار و خیابان نماید بلکه اگر توشه راهی همراه دارد از قبیل شربتی و پسته و اشیای دیگر، از بذل و بخشش دریغ نکند و در خرج پول در موارد ضروری مانند کرایه اتومبیل و صرف نوشابه در هوای گرم حجاز بخل

۱- سفینه البحار، ماده سفر.

ص: ۵۷

نورزد و برای رفاه و سلامت خود بیش از ریال سعودی ارزش قائل شود! گاه دیده شده که زائر برای اینکه یک ریال یا دو ریال کرایه اتوبوس ندهد راه درازی را پیاده پیموده و بیمار شده که این بخل و امساک بسیار ناپسند است.

ج- همگون بودن معیشت

یکی از آداب معیشت سفر این است که مسافر با کسانی هم خرج و هم غذا شود که در سطح او باشند. چه، در غیر این صورت برای او و همسفرانش مشکلات اخلاقی بوجود می‌آید و به عزت و کرامت وی لطمه می‌خورد و صفای جمع به تیرگی می‌گراید.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«يَكْرَهُ لِلرَّجُلِ أَنْ يَصْحَبَ مَنْ يَتَفَضَّلُ عَلَيْهِ»؛

«برای آدمی ناپسند است با کسانی همسفر شود که بر او برتری دارند.» و نیز فرمود:

«اصْحَبْ مِثْلَكَ»؛ (۱)

«تو با مانند خود همسفر شو.»

ابوبصیر گوید: خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم: گاه

ص: ۵۸

می‌شود که شخصی با گروهی مرفّه همسفر می‌شود در حالی که توان مالی او به پایه آنها نمی‌رسد، آنگاه آنها توشه و خوراک خود را می‌آورند و او مانند آن را ندارد که بر سر سفره بگذارد. حضرت فرمود:

«مَا أَحَبُّ أَنْ يُذَلَّ نَفْسَهُ، لِيُخْرَجَ مَعَ مَنْ هُوَ مِثْلُهُ»؛ (۱)

«من دوست ندارم که او خود را خوار کند، او باید با هم‌تراز خود همسفر شود.»

یکی از ویژگی‌های حج در حال حاضر برای ایرانیان همگون بودن معیشت است. مسکن، پذیرایی، وسیله نقلیه و سایر تدارکات با یک نظام هماهنگ و مساوی و برای کلیه زائران فراهم است و خوشبختانه هیچگونه تبعیضی در تقسیم امکانات وجود ندارد. همه بر سر یک سفره می‌نشینند و یک‌نوع غذا می‌خورند و در همه موارد یکسانند.

د- غذا خوردن گروهی

از آداب و سنن سفر، غذا خوردن گروهی است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

ص: ۵۹

«مِنَ السُّنَّةِ إِذَا خَرَجَ الْقَوْمُ فِي سَفَرٍ أَنْ يُخْرِجُوا نَفَقَتَهُمْ فَإِنَّ ذَلِكَ أَطْيَبُ لِنَفْسِهِمْ وَأَحْسَنُ لِأَخْلَاقِهِمْ»؛ (۱)

«یکی از سنت‌های سفر این است که هرگاه گروهی به سفر می‌روند، توشه خود را بیاورند که این بیشتر بر دل‌هایشان می‌نشیند و در حسن اخلاقشان تأثیر بیشتری دارد.»

در روایت دیگر آمده: از سنت سفر این است که هرگاه گروهی با یکدیگر همسفر شدند همگی خوردنی‌های خود را بیاورند و از آن به یکدیگر بدهند که لذت و لطف بیشتری دارد. (۲) ه- سوغات سفر

از آداب سفر هدیه آوردن برای نزدیکان است. هرچند سفر حج و عمره یک سفر معنوی است و بهترین سوغات این سفر طهارت روح برای خود و دعا و زیارت نیابت برای مسلمین است، اما در عین حال پسندیده است که مسافر حج نیز به قدر ممکن و معقول، برای خانواده خود

۱- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۰۲

۲- مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۲۱۸

ص: ۶۰

سوغات بیاورد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«إِذَا سَافَرَ أَحَدُكُمْ فَقَدِمَ مِنْ سَفَرِهِ فَلْيَأْتِ أَهْلَهُ بِمَا تَيْسَّرَ وَلَوْ بِحَجْرٍ»؛ (۱)

«هرگاه یکی از شما به سفر رفت در بازگشت به وطن به اندازه‌ای که ممکن است هدیه‌ای بیاورد هرچند قطعه سنگی باشد.»
البته توجه به این نکته ضروری است که نباید خرید سوغات بشکلی باشد که زائر از بهره‌های معنوی حج محروم شود و بجای عبادت در بازارها پرت شود.

و- بازگشت مسافر

از جمله آداب حج، مربوط به بازگشت مسافر است.

هم‌چنان که پسندیده است زائر قبل از عزیمت به دیگران اعلام کند و خداحافظی نماید، در بازگشت او نیز حق زائر است که دیگران به دیدار او بیایند. پیامبر اکرم می‌فرماید:

«حَقُّ عَلَيَّ الْمُسْلِمِ إِذَا أَرَادَ سَفْرًا أَنْ يُعْلِمَ إِخْوَانَهُ، وَحَقُّ عَلَيَّ إِخْوَانِهِ إِذَا قَدِمَ أَنْ يَأْتُوهُ»؛ (۲)

۱- وسائل، ج ۸، ص ۳۳۷

۲- وسائل، ج ۸، ص ۳۳۷

ص: ۶۱

«هرگاه مسلمانی قصد سفر دارد شایسته است برادرانش را مطلع سازد و برادران مسلمان اوست که چون از سفر بازگردد به دیدنش بیایند.»

بدیهی است که در سفر حج و عمره، این دیدار پاداش و ارزش معنوی دارد و از فضیلت بسیار برخوردار است. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«وَقَرُّوا الْحَاجَّ وَالْمُعْتَمِرَ فَإِنَّ ذَلِكَ وَاجِبٌ عَلَيْكُمْ»؛ (۱)

«زائران حج و عمره را احترام کنید که این بر شما واجب است.»

و امام صادق علیه السلام به دیدار و مصافحه و معانقه با حجاج بیت الله توصیه فرموده‌اند:

«مَنْ عَاتَقَ حَاجًّا بِعُنَابِهِ كَانَ كَأَنَّمَا اسْتَلَمَ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ»؛ (۲)

«هر کس با حج کننده‌ای که از گرد راه می‌رسد معانقه کند گویی حجرالاسود را استلام

۱- همان، ص ۳۲۷

۲- وسائل، ج ۸، ص ۳۲۸

ص: ۶۲

نموده است.»

و نیز امام صادق علیه السلام از جد بزرگوار خود حضرت سید الساجدین علیه السلام نقل فرموده که:

«بَادِرُوا بِالسَّلَامِ عَلَى الْحَاجِّ وَالْمُعْتَمِرِينَ وَ مَصَافِحَتِهِمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُخَالِطَهُمُ الذُّنُوبُ» (۱)

«بر زائر حج و عمره در سلام سبقت گیرید و مصافحه کنید پیش از آن که به گناه آلوده شوند.»

از این روایات چنین استفاده می‌شود که زائر حرمین شریفین در پیشگاه خداوند مقام و منزلتی دارد؛ چرا که مهمان خدا بوده و یک سفر معنوی پیموده و با بذل مال و رنج تن و بی‌خوابی، ره‌توشه معنوی تحصیل کرده است و لذا زیارت و مصافحه و دیدار و سلام بر او حقی است بر گردن دیگران. و او نیز این قدر و منزلت را باید بشناسد.

دیدار زائر خانه خدا با همان گرد و غبار به مثابه زیارت و استلام حجرالاسود و مشارکت در ثواب حج اوست. (۲) و زائر نباید این حالت معنوی را از دست بدهد و همچنین در بازگشت از سفر، صورتی را که به خانه کعبه

۱- همان، ص ۳۲۷

۲- نک: کافی، ج ۴، ص ۲۶۴

ص: ۶۳

تبرک شده و گرد منا و عرفات و بقیع را با خود دارد و دیگران می‌خواهند بدان تبرک جویند بتراشد و از سیمای زائر بیت الله خارج سازد. چه، ره آورد واقعی این سفر، همانا منور شدن به نور ایمان و اتصاف به سیرت و صورت صالحین است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«الْحَاجُّ لَا يَزَالُ عَلَيْهِ نُورُ الْحَجِّ مَا لَمْ يُلَمَّ بِذَنْبٍ». (۱)

«حج کننده همواره نور حج را با خود دارد، مادامی که به گناه آلوده نشده باشد.»

۵- مقررات و شؤون حج

فریضه حج عبادتی نیست که به صورت فردی و دور از چشم دیگران انجام گیرد بلکه به صورت جمعی انجام می‌پذیرد و از محدوده «فرد» فراتر رفته، به «جمع» ره می‌سپرد و مرزها را پشت سر گذاشته به جهان خارج سرایت می‌کند و از اینرو آثار آن در صحنه بین‌المللی بازتاب گسترده دارد. و عملکرد زائران مورد تجزیه و تحلیل دوستان و دشمنان قرار می‌گیرد، از یک سو ضوابط

۱- فروع کافی، ج ۴، ص ۲۵۵

ص: ۶۴

خاص و مقررات مربوط به این سفر گروهی، دقت و توجه به نظم و انضباط و حسن همکاری زائر را با مسئولین امور حج و هماهنگی با کاروان و همسفران را می‌طلبد تا در سایه این همکاری امر حج سامان گیرد و مشکلی بوجود نیاید. و از سوی دیگر در شرایط حساس کنونی، زائران ایرانی به عنوان نمایندگان و سفیران جمهوری اسلامی، مسئولیت خطیری بر عهده دارند که اگر در حسن انجام آن بکوشند، نقش مؤثری در ارائه چهره زیبا از اسلام و فرهنگ شیعه و انقلاب اسلامی و نظام و کشور و ملت ما خواهد داشت و اگر خدای نخواستہ بی‌توجهی شود و کاری نامناسب و حرکتی دور از شئونات صورت پذیرد، اثرات نامطلوب آن در افکار عمومی جهانی نامطلوب خواهد بود. با توجه به نکات فوق، آشنایی زائر ایرانی به وظایف خود در حضور ملیت‌ها و مذاهب مختلف بصورت جدی‌تر مطرح می‌شود و باید به مقررات و شئونات این سفر توجه داشته و در حسن انجامش بکوشد. علاوه بر این، سفر حج با همه جاذبه‌هایی که دارد از پاره‌ای مشکلات نیز خالی نیست. ازدحام جمعیت، عدم آشنایی به زبان، نامأنوس بودن محیط و ... اهمیت اعمال حج، برای افراد ناآگاه و تازه‌وارد بویژه سالخوردگان و

ص: ۶۵

افراد بی‌سواد، احتمال پیش‌آمدهایی چون: گم شدن پول یا اثاثیه و یا مدارک، جدا افتادن از گروه و سرگردانی و بیماری و اختلال در انجام بموقع اعمال را دارد. با توجه به نکات فوق لازم دیدیم در اینجا به پاره‌ای از تذکرات ضروری پردازیم که زائران گرامی بخوانند و یا دیگران برای آنان توضیح دهند و بکار بندند:

۱- قبل از سفر حتماً در جلسات آموزشی و توجیهی شرکت کنید و علاوه بر فراگیری احکام و مسائل، به آنچه توسط مدیر گروه و روحانی در رابطه با شئونات و مقررات تذکر داده می‌شود توجه کنید. همکاری شما در طول سفر و پرهیز از تکروی، می‌تواند مسؤولان سازمان حج و زیارت و هیأت پزشکی و مدیر و روحانی گروه را در حسن انجام وظائف یاری رساند.

۲- به تاریخ حرکت و ساعت پرواز هواپیما و حرکت و توقف اتوبوس‌ها در طی سفر، مقررات گمرک داخل و خارج، توصیه‌های پزشکی، تزریق واکسن، ساعات غذا، نگهداری پول و سایر موارد توجه کنید و از آنچه به شما اعلام می‌شود تخلف ننمایید.

۳- سه ساعت قبل از حرکت جهت انجام تشریفات گمرکی در فرودگاه حضور بهم رسانید.

ص: ۶۶

- ۴- از همراه آوردن اشیای قاچاق و ارز غیر مجاز و حمل زعفران و پسته و انگشتر و تسبیح و امثال آن جهت فروش در کشور سعودی بطور جدی خودداری کنید.
- ۵- به فرودگاه جده که می‌رسید، با مأمورین سعودی مؤدب برخورد کنید و تا انجام تشریفات گمرکی و روادید، نظم، نوبت و آرامش را حفظ کنید، و برادران و خواهران جدا از یکدیگر بدون عجله و هیاهو و هجوم، منتظر باشند تا سالن فرودگاه را ترک کنند.
- ۶- در محوطه فرودگاه جده، محلی برای استراحت چند ساعته شما آماده شده که تا آماده شدن وسیله حرکت در آنجا خواهید بود، با رعایت شرایط، نماز اول وقت را به جماعت بخوانید و مراقب پول و بلیط و گذرنامه و اشیای دیگر خود باشید و اگر عازم جحفه بودید احرام و لوازم ضروری را در یک ساک کوچک همراه داشته باشید.
- ۷- در تمام مراحل سفر از درگیری با مأموران سعودی تحت هر عنوان پرهیز کنید.
- ۸- در طول سفر، به تذکر راهنمایان توجه کنید.
- اتومبیل خود را با شماره‌ای که اعلام شده است در نظر داشته باشید. احترام همسفران خود را نگهدارید، بخصوص مراقب حال سالخوردگان، ضعیفا و بیماران

ص: ۶۷

باشید و در طول مسیر به ذکر خدا و تمرین اعمال مشغول شوید و از سخنان بیهوده پرهیزید.

۹- کارت شناسایی، آدرس منزل مکه و مدینه و محل توقف در منا و عرفات، دفترچه پزشکی، واکسیناسیون، را همراه داشته باشید و در نگهداری بلیط و گذرنامه دقت کنید.

۱۰- اگر عازم مکه باشید، از جحفه محرم خواهید شد.

در اینجا به نکاتی توجه کنید:

به دستور و راهنمایی روحانی محرم شوید، برای غسل مستحبی احرام، نوبت، سرعت و صرفه‌جویی در آب را رعایت کنید. مراقب ساک و لباس و پول و مدارک خود باشید، از گروه جدا نشوید، مواظب همسفرانتان بویژه ضعفا و سالخورده‌گان باشید؛ چنانکه از کاروان ماندید از امدادگران ایرانی کمک بگیرید، و با یکی از کاروان‌های ایرانی پس از محرم شدن به راهنمایی روحانی گروه، رهسپار مکه شوید تا شما را به گروهتان برسانند. و هیچگونه نگرانی و اضطراب به خود راه ندهید.

۱۱- با حجاج سایر کشورها به گرمی برخورد کنید. با گفتن «السلام علیکم» سلام و احترام کنید و انس بگیرید.

همچنین در برخورد با سعودی‌ها و کسبه و مأمورین ادب و

ص: ۶۸

احترام را نگهدارید.

۱۲- پیش از ورود شما به مکه یا مدینه، اتاقها شماره‌بندی شده که زائران را اسکان خواهند داد. با ورود به ساختمان، از سر و صدا و اعتراض و عجله و توقعات بی‌مورد برحذر باشید و متانت را در همه حال حفظ کنید و توجه داشته باشید که کجا آمده‌اید و بر سر مسائل جزئی یا موهوم از جرّ و بحث پرهیزید.

۱۳- در مکه و مدینه همه روزه جلسات ارشاد و توجیه و احکام و موعظه تشکیل می‌شود. در این جلسات حتماً حضور بهم رسانید و در این ساعات به استراحت نپردازید و به هیچوجه رهسپار بازار و خیابان نشوید و ضمن یادگیری مسائل و اسرار حج، قرائت نمازتان را نیز بخوانید و اشکالات آن را برطرف کنید. همچنین خواهران مسائل ویژه خود را از روحانی سؤال کنند تا به اعمالشان خلل وارد نیاید.

۱۴- خواهران از بوسیدن حجرالاسود که مستلزم اختلاط با نامحرم است پرهیزند و برای یک عمل مستحب مرتکب گناه نشوند. همچنین در مسجدالحرام از مردان جدا بنشینند و به دعا و قرآن و نمازهای نافله و نیابت و نماز شب و ذکر بپردازند و به صحبت‌های متفرقه و گرانی

ص: ۶۹

و ارزانی جنس سرگرم نشوند.

۱۵- خواهران از محل اقامت خود تنها بیرون نروند، بخصوص شبها که مصلحت نیست و برای خرید همراه مردانشان به بازار بروند و از گفتگوهای غیر ضروری با کسبه و خندیدن پیش نامحرم و آشکار کردن زیورآلات خود در انظار بیگانه و خارج شدن از محل اقامت با مانتو و روسری و چادرهای نازک و لباسهای زننده پرهیزند و در صحبت کردن متانت و وقار و حجاب را دقیقاً رعایت کنند.

۱۶- زائران گرامی از فریاد زدن و بلند صحبت کردن و خندیدن در مسجدالنبی و مسجدالحرام و ایجاد سر و صدا پرهیزند و قرآن و زیارت و دعا را بگونه‌ای که مزاحم دیگران نباشد بخوانند و صلوات را نیز با صدای بلند دسته جمعی نفرستند.

۱۷- در مساجد مکه و مدینه در میان صفوف نمازگزاران و جلو کسانی که نماز می‌خوانند تردد نکنید که آنان این را مُخَلِّ به نماز و اهانت می‌دانند و گاه موجب برخورد نامطلوب می‌شود.

۱۸- از نماز خواندن کنار قبرستان بقیع و استفاده از مهر در کلیه اماکن مدینه و مکه جداً پرهیزید و بر سنگ‌فرش‌های زمین مساجد سجده کنید و در هر نقطه

ص: ۷۰

بودید روی فرش‌های معمولی همانند دیگران و افراد غیر شیعه سجده کنید و مهر و سنگ و امثال آن همراه نداشته باشید.
 ۱۹- از دخیل بستن به ضریح یا بوسیدن در و دیوارهای حرمین و کندن نخ و بریدن ریسمان کعبه و برداشتن سنگ از صفا و مروه که حرام است و گرفتن خاک از قبور ائمه بقیع علیهم السلام که با حساسیت‌های موجود موجب بدبینی و اهانت می‌گردد خودداری کنید و به جای آن به قرآن، دعا، و زیارت و نیایش و طلب حاجت از خداوند بپردازید و برای مصائب خاندان پیامبر آرام اشک بریزید و زیارت بخوانید و سخنی حساسیت برانگیز نگویید.

چنانچه زائران گرامی نذوراتی برای حرمین و قبور ائمه علیه السلام دارند نظر به اینکه مصرف مشخصی ندارد آنرا به دفتر نمایندگی ولی فقیه مستقر در مکه و مدینه تحویل دهند تا به مصرف مناسب برسد.

۲۰- از سیگار کشیدن در حرمین و اطراف آنها جداً خودداری کنید که آن را حرام می‌دانند. (و اگر ممکن بود تصمیم بگیرید که هرگز دخانیات استعمال نکنید)

۲۱- در نماز حرمین شریفین شرکت کنید و موقع نماز و ساعات قبل از نماز به بازار بروید و در بازگشت از بازار با

ص: ۷۱

اثاثیه‌ای که همراه دارید راهی مسجد نشوید زیرا علاوه بر این که اجازه دخول نمی‌دهند، چهره زننده‌ای نیز دارد و توفیق حضور در نماز حرمین شریفین را از شما سلب می‌کند.

۲۲- در مسجدالنبی و مسجدالحرام و هر مکان دیگر که قرآن می‌خوانید، قرآن را بر زمین نگذارید که دیگران آن را توهین به قرآن می‌دانند، و کار شایسته‌ای نیست، بلکه با احترام قرآن را در دست داشته باشید و یا بر زانوهای خود نهاده بخوانید و هنگام نماز، قرآن را در جایگاه‌های مخصوص که برای قرآن‌ها تهیه شده بگذارید که در معبر افراد نباشد. و از همراه بردن قرآن از مسجدالحرام و مسجد مدینه به محل اقامت خود اجتناب کنید.

۲۳- گاهی دیده شده برادران ایرانی با پیژامه و پیراهن کوتاه به زیارت می‌روند که این بسیار زننده و تحقیر آمیز است و موجب بی‌احترامی می‌شود. بنابر این پیراهن و شلوار مناسب و سنگین و آبرومند تهیه کنید و در اماکن عمومی و حرمین بپوشید و حتی‌الامکان از لباس ملی ایرانی استفاده کنید.

۲۴- موقعیت مکه و مدینه را مغتنم شمارید که چنین فرصتی معلوم نیست دوباره دست دهد بنابر این اوقات

ص: ۷۲

خود را به بازار و خیابان و گشت و گذار بیهوده و یا خوابیدن زیاد سپری نکنید.

۲۵- از طواف مستحبی در صورت ازدحام پرهیز کنید تا دیگران بتوانند طواف واجب خود را به راحتی انجام دهند و نماز طواف مستحبی را در نقطه دیگر مسجدالحرام در غیر مقام ابراهیم بخوانید. و برای نماز طواف واجب نیز بگونه‌ای عمل کنید که برای طواف کنندگان ایجاد مزاحمت ننموده و منجر به اعاده نماز نگردد.

۲۶- هنگام زیارت یا طواف پول اضافی همراه نبرید که خطر مفقود شدن یا سرقت رفتن آن زیاد است.

۲۷- برای پیشگیری از گرم‌زدگی توصیه می‌شود در ساعات گرم و وسط روز در آفتاب تردد و توقف نداشته باشید.

۲۸- از اماکن متبرک عکس‌برداری نکنید که دوربین شما توسط پلیس سعودی ضبط می‌شود و کار به مشاجره و نزاع می‌کشد که بسیار زنده است.

۲۹- در محل سکونت، مراقب اشیاء و لوازم خود را بوده، از سرپایی و کفش دیگران استفاده نکنید.

۳۰- در داخل ساختمان از پوشیدن لباس زیر و کوتاه و نامناسب خودداری کنید و آقایان برای صدا زدن

ص: ۷۳

خانمهایشان وارد بخش خواهران نشوند.

۳۱- در محل اقامت خود مزاحم خواب و استراحت دوستانتان نشوید و به آرامی صحبت کنید و در استفاه از کولر و پنکه، حال بیماران را رعایت کنید.

۳۲- در معاشرت و داد و ستد با سعودی‌ها یا حجاج دیگر کشورها، صدق و امانت را کاملاً مراعات کنید و در حفظ سلامت ساختمان و اشیای متعلق به آن بکوشید که مال مسلمانان محترم است و اضرار به غیر و یا خلاف گویی جایز نیست و موجب ضمان و مسؤولیت است.

۳۳- در استفاده از حمام و دستشویی و سایر موارد در مصرف آب صرفه‌جویی کنید که با مشکل کم‌آبی روبرو نشوید و حق دیگران را ضایع نسازید. هم‌چنین رعایت نظافت اتاق، راهروها، حمام، دستشویی را نموده و مسائل بهداشت عمومی را همواره مدّ نظر داشته باشید.

۳۴- چنانکه ایام اقامت در مکه، خواسته باشید عمره مفرده انجام دهید، حتماً مسائل آن را از روحانی سؤال کنید که دچار مشکل نشوید.

ص: ۷۴

خلاصه‌ای از مناسک حج و عمره

اشاره

و آداب و ادعیه آن

هر چند حاجیان گرامی احکام و مسائل مربوط به حج و عمره را در کتب مناسک خواهند خواند، اما در اینجا برای اطلاع اجمالی زائر، و تکمیل این مجموعه به کلیات این احکام و مسائل اشاره‌ای می‌شود و پاره‌ای ادعیه و مستحبات و آداب هر یک از مواقیت درج می‌گردد.

و ضمن آن درباره مشاهده مشرفه و اماکن و مساجد متبرکه که مکه توضیحاتی کوتاه داده می‌شود:

الف- اعمال عمره تمتع (۱) و آداب آن

زائرانی که از خارج حرم و بیرون مکه (فاصله ۱۶

۱- تمتع؛ لذت بردن، بهره‌مند شدن. نام نوعی از عمره و حج است، و بدان جهت این نوع از عمره و حج را «تمتع» نامیده‌اند که در مدتی که انسان از احرام عمره تمتع خارج می‌شود تا زمانی که برای حج محرم می‌شود، بهره‌مند شدن زن و شوهر از یکدیگر، جایز می‌باشد. این نوع از عمره و حج، وظیفه کسانی است که از فاصله بیش از ۱۶ فرسخی مکه برای انجام اعمال به آنجا می‌روند.

ص: ۷۵

فرسخ) برای انجام حج می‌آیند، باید قبل از اعمال حج «عمره تَمَتُّع» بجا آورند.
اعمال عمره تمتع عبارت است از:

احرام

طواف

نماز طواف

سعی

تقصیر (۱)

احرام

آن دسته از زائرانی که قبل از اعمال حج، برای زیارت قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مدینه می‌روند، آنگاه که روانه مکه می‌شوند، باید در «مسجد شجره» که در شش کیلومتری مدینه و بر سر راه مکه واقع شده است، مُحَرَّم شده و برای انجام اعمال به سوی مکه حرکت کنند و آنان که از جدّه به مکه می‌روند باید در «جُحْفَه» محرم شوند.

کیفیت احرام

مردان، باید تمام لباسهای دوخته را از تن درآورند

۱- تقصیر؛ کوتاه کردن و در اصطلاح فقه، به معنای کوتاه کردن بخشی از مو یا ناخن است که یکی از اعمال عمره می‌باشد.

ص: ۷۶

(حتی لباسهای زیرین و نیز جوراب را) و دو تکه لباس غیر دوخته بر تن کنند که یکی را مانند لنگ بر کمر می‌بندند و دوّمی را بر شانه می‌اندازند و با نیت احرام عمره تمتع بگویند:

«لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لِشَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ».

و احتیاط مستحب است پس از آن بگوید:

«إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لِشَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ».

بانوان می‌توانند لباس دوخته بپوشند و بیرون آوردن آنها و پوشیدن دو تکه پارچه غیر دوخته بر آنان واجب نیست ولی در حال احرام باید لباسی که بر تن دارند، دارای شرایط لباس نمازگزار باشد و بنابر احتیاط، حریر هم نباشد. پس، بانوان هم نیت کرده و لبیک‌ها را می‌گویند.

محرّمات احرام

زائر پس از پوشیدن لباس احرام و نیت و گفتن لبیک، مُحرم است و باید تا پایان اعمال عمره، از کارهایی که بر

ص: ۷۷

مُحَرَّم حرام است پرهیز کند. مجموع کارهای حرام بیست و چهارتاست که چهارتای آن فقط بر مردان حرام است و دوتای آن بر بانوان و بقیه آنها، هم بر مرد محرم حرام است و هم بر زن مُحَرَّم. اکنون جهت آشنایی اجمالی، آنها را فهرست‌وار در اینجا می‌آوریم:

محرّمات مشترک بین زن و مرد:

- ۱- شکار حیوان صحرائی.
- ۲- آمیزش یا هرگونه استفاده شهوانی دیگر.
- ۳- عقد کردن یا شاهد عقد شدن.
- ۴- استمناء.
- ۵- استعمال عطریات.
- ۶- سرمه کشیدن.
- ۷- نگاه کردن در آینه.
- ۸- فُسُوق (دروغ گفتن و فحش دادن و فخر فروشی).
- ۹- جِدال (گفتن «لَا وَاللَّهِ» و «بلی وَاللَّهِ»).
- ۱۰- کشتن جانورانی که در بدن ساکن می‌شوند.
- ۱۱- انگشتر به دست کردن برای زینت.
- ۱۲- روغن مالیدن به بدن.
- ۱۳- زدودن مو از بدن.

ص: ۷۸

۱۴- بیرون آوردن خون از بدن.

۱۵- ناخن گرفتن.

۱۶- کندن دندان.

۱۷- کندن درخت یا گیاهی که در محدوده حرم روییده باشد.

۱۸- سلاح همراه داشتن.

آنچه فقط بر مردان محرم حرام است:

۱۹- پوشیدن جامه دوخته.

۲۰- پوشیدن چیزی که تمام روی پا را بگیرد.

۲۱- پوشاندن سر.

۲۲- سایه قرار دادن بالای سر.

آنچه بر زنان محرم حرام است:

۲۳- پوشیدن زیور برای زینت.

۲۴- پوشاندن روی خود با نقاب و روبند.

اینهاست محرمات احرام که اگر مرتکب شود، گناه و معصیت کرده، گرچه حج و عمره را باطل نمی‌کند. و برخی از اینها کفاراتی دارد که در کتب مناسک آمده است.

آداب ورود به شهر مکه و مسجدالحرام

- ۱- برای ورود به شهر مکه مستحب است غسل کند و با حالت تواضع وارد شهر شود. مستحب است هنگام ورود به مکه این دعا را، که امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوار خود و آنها از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل فرموده‌اند، بخواند:

«اللَّهُمَّ الْبَلَدُ بَلَدُكَ، وَالْبَيْتُ بَيْتُكَ، جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ، وَأُؤَمُّ طَاعَتَكَ، مُتَّبِعًا لِأَمْرِكَ، رَاضِيًا بِقَدْرِكَ، مُسَلِّمًا لِأَمْرِكَ، أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّ إِلَيْكَ، الْمُسْتَفِيقِ مِنْ عَذَابِكَ، أَنْ تَسْتَقْبِلَنِي بِعَفْوِكَ، وَأَنْ تَتَجَاوَزَ عَنِّي بِرَحْمَتِكَ، وَأَنْ تُدْخِلَنِي جَنَّتِكَ».

 (۱)
- ۲- برای ورود به مسجدالحرام مستحب است غسل کند.
- ۳- مستحب است با پای برهنه و با حالت سکینه و وقار وارد شود.
- ۴- هنگام ورود از درب «بَنِي شَيْبَةَ» (۲) وارد شود، و

۱- هدایة السالک، ج ۲، ص ۷۴۶-۷۴۵

۲- در روایت است که پس از شکستن بت‌های موجود در کعبه و اطراف آن، بت بزرگ «هُبَل» را در آن مکان دفن کرده‌اند و مستحب است از آن در وارد شود تا آن بت را که مظهر بت‌پرستی و شرک می‌باشد، زیر پای خود بگذارد.

ص: ۸۰

گفته‌اند که آن در، مقابل «باب‌السلام» کنونی بوده است.

۵- مستحب است بر درب مسجدالحرام ایستاده بگوید:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

پس سه مرتبه بگوید:

«اللَّهُمَّ فَكِّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ».

پس بگوید:

«وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ وَأَدْرَأْ عَنِّي شَرَّ شَيَاطِينِ الْجِنِّ وَالنَّاسِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ».

پس داخل مسجدالحرام شود و رو به کعبه دستها را بلند کرده و بگوید:

ص: ۸۱

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هَذَا وَفِي أَوَّلِ مَنَاسِكَي أَنْ تَقْبَلَ تَوْبَتِي، وَأَنْ تَجَاوَزَ عَنِّ خَطِيئَتِي، وَأَنْ تَضَعَ عَنِّي وَزْرِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَلَّغَنِي بَيْتَهُ الْحَرَامَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا بَيْتُكَ الْحَرَامَ الَّذِي جَعَلْتَهُ مَثَابَةً لِلنَّاسِ، وَأَمْنًا مُبَارَكًا، وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَالْبَلَدُ بِلَدِّكَ وَالْبَيْتُ بِبَيْتِكَ جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ، وَأَوْثَمُ طَاعَتِكَ، مُطِيعًا لِأَمْرِكَ، رَاضِيًا بِقَدْرِكَ، أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْفَقِيرِ إِلَيْكَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ، اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ».

سپس رو به سوی کعبه کرده و می گوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَظَّمَكَ وَشَرَّفَكَ وَكَرَّمَكَ وَجَعَلَكَ مَثَابَةً لِلنَّاسِ، وَأَمْنًا مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ».

طواف

* کسی که برای انجام عمره تمتع محرم شده و وارد مکه می شود، باید به نیت طواف، هفت مرتبه به دور خانه

ص: ۸۲

- کعبه طواف کند و مقام ابراهیم را خارج طواف و حجر اسماعیل را داخل طواف قرار دهد.
- * طواف را باید از رکنی که حجرالاسود در آن قرار دارد، آغاز کند و در همانجا نیز به پایان ببرد.
- * بدن و لباس طواف کننده باید مانند نماز گزار پاک باشد و با طهارت طواف کند. تفصیل احکام طواف را در مناسک بخوانید.

آداب و مستحبات طواف

در حال طواف مستحب است بگوید:

«اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِیْ یَمْشِیْ بِهٖ عَلٰی طَلَلِ الْمَآءِ کَمَا یَمْشِیْ بِهٖ عَلٰی جَدِّ الْاَرْضِ، وَ اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِیْ یَهْتَرُ لَهٗ عَرْشُكَ، وَ اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِیْ تَهْتَرُ اَقْدَامُ مَلَائِکَتِکَ، وَ اَسْأَلُكَ بِاسْمِکَ الَّذِیْ دَعَاکَ بِهٖ مُوسٰی مِنْ جَانِبِ الطُّورِ فَاسْتَجَبْتَ لَهٗ وَ اَلْقَيْتَ عَلَیْهِ مَحَبَّةً مِنْکَ، وَ اَسْأَلُكَ بِاسْمِکَ الَّذِیْ غَفَرْتَ بِهٖ لِ مُحَمَّدٍ صَلٰی اللهُ عَلَیْهِ وَ اٰلِهٖ وَ سَلَّمَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهٖ وَ مَا تَاَخَّرَ وَ اَتَمَّمْتَ عَلَیْهِ نِعْمَتَکَ».

سپس حاجت خود را طلب کند.

ص: ۸۳

و نیز مستحب است در حال طواف بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَاقِرٌ وَإِنِّي خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ فَلَا تُغَيِّرْ جِسْمِي وَلَا تُبَدِّلْ اسْمِي.»

و در نقل دیگر است که در حال طواف این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ حَجًّا مَبْرُورًا، وَذَنْبًا مَغْفُورًا، وَسَعْيًا مَشْكُورًا.»

و در چهار شوط آخر بگوید:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ وَارْحَمْ، وَاعْفُ عَمَّا تَعْلَمُ، وَأَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ، اللَّهُمَّ رَبَّنَا إِنَّا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةٌ، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةٌ وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ.» (۱)

و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد؛ بخصوص وقتی که به در خانه کعبه می‌رسد، و بخواند این دعا را:

«سَأَلْتُكَ فَاقِرٌ فَاقِرٌ مِسْكِينٌ مِسْكِينٌ بِبَابِكَ، فَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِالْجَنَّةِ، اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَالْحَرَمُ حَرَمُكَ وَالْعَبْدُ

ص: ۸۴

عَبْدُكَ وَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ الْمُسْتَجِيرِ بِكَ مِنَ النَّارِ، فَأَعْتَقْنِي وَوَالِدَيَّ وَأَهْلِي وَوُلْدِي وَإِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ مِنَ النَّارِ يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ».

و وقتی که به حجر اسماعیل رسید، رو به ناودان، سر را بلند کند و بگوید:

«اللَّهُمَّ أَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ، وَأَجِرْنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ، وَعَافِنِي مِنَ السُّقْمِ، وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ، وَأَدْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَيْقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَشَرَّ فَسَيْقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ».

و چون از حجر بگذرد و به پشت کعبه برسد بگوید:

«يَاذَا الْمَنُّ وَالطُّوْلُ، يَاذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ، إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي، وَتَقَبَّلُهُ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ».

و چون به رکن یمانی برسد دست بردارد و بگوید:

«يَا اللَّهُ يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ وَخَالِقَ الْعَافِيَةِ وَرَازِقَ الْعَافِيَةِ وَالْمُنْعِمَ بِالْعَافِيَةِ وَالْمَنَّانُ بِالْعَافِيَةِ وَالْمُتَفَضِّلُ بِالْعَافِيَةِ عَلَيَّ وَعَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ، يَا

ص: ۸۵

رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَرْزُقْنَا الْعَافِيَةَ وَتَمَامَ الْعَافِيَةِ وَشُكْرَ الْعَافِيَةِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

یا بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ وَالذُّلِّ، وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ، وَمَوَاقِفِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

پس سر به جانب کعبه بالا کند و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَّفَكَ وَعَظَمَكَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا نَبِيًّا وَجَعَلَ عَلِيًّا إِمَامًا، اللَّهُمَّ اهْدِ لِي خِيَارَ خَلْقِكَ وَجَنِّبْهُ شِرَارَ خَلْقِكَ».

و چون میان رکن یمانی و حجرالأسود برسد بگوید:

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

ص: ۸۶

و نقل است که زیر ناودان کعبه، این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اِظْلِنِي فِي ظِلِّكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ اِلَّا ظِلُّكَ، وَاشْرِقْنِي بِكَاسِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ شَرَاباً هَنِئاً لَا ظَمَأَ بَعْدَهُ اِيْداً يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ، اللَّهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَالْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَابِ». (۱)

نماز طواف

* پس از انجام طواف، باید دو رکعت نماز به نیت «نماز طواف» بخواند.

* نماز طواف مانند نماز صبح دو رکعت است؛ و باید پشت مقام ابراهیم یا محدوده نزدیک مقام، خوانده شود.

مستحبات نماز طواف

در نماز طواف مستحب است بعد از حمد در رکعت اول سوره توحید و در رکعت دوم سوره جحد

قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ

را بخواند (۲) و پس از نماز، حمد و ثنای الهی را به

۱- پاورقی، ایضاح، ص ۲۰۹

۲- چون نماز طواف باید بطور صحیح خوانده شود، بنابراین توصیه می‌شود افرادی که قرائت صحیح این سوره را نمی‌دانند در رکعت دوم نیز، همان سوره توحید قل هو الله احد را بخوانند.

ص: ۸۷

جا آورده و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و از خداوند عالم طلب قبول نماید و بگوید:

«اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي، الْحَمْدُ لِلَّهِ بِمَحَامِدِهِ كُلِّهَا عَلَى نِعْمَائِهِ كُلِّهَا حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلَى مَا يُحِبُّ وَيَرْضَى، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْمُحَمَّدِ وَتَقَبَّلْ مِنِّي وَطَهِّرْ قَلْبِي وَزَكِّ عَمَلِي».

و در نقل دیگر است که پس از نماز طواف این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ هَذَا بَلَدُكَ وَالْمَسْجِدُ الْحَرَامُ وَبَيْتُكَ الْحَرَامُ، وَأَنَا عَبْدُكَ وَأَبْنُ عَبْدِكَ وَأَبْنُ أُمَّتِكَ، وَقَدْ جِئْتُكَ طَالِبًا رَحْمَتِكَ مُبْتَغِيًا مَرْضَاتِكَ، وَأَنْتَ مَنَّتَ عَلَيَّ بِدَلِيكَ، فَاعْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (۱).

۱- هدایة السالک، ج ۲، ص ۸۶۲؛ پاورقی ایضاح، ص ۲۴۷؛ کنز العمال، ج ۵، ص ۱۷۲-۱۷۳ با اندکی تفاوت.

ص: ۸۸

پس از طواف و نماز طواف عمره تمتع، زائر به سعی صفا و مروه می‌پردازد و با نیت سعی در عمره تمتع هفت شوط سعی می‌کند.

مستحبات قبل از سعی

مستحب است پس از نماز طواف، و پیش از سعی، قدری از آب زمزم بیاشامد و بر سر و پشت و شکم خود بریزد و بگوید:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَرِزْقًا وَاسِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ».

سپس با آرامی دل و بدن، بالای کوه صفا رفته و به خانه کعبه نظر کند و به رکنی که حجرالأسود در آن است رو نماید و حمد و

ثنای الهی را بجا آورد و نعمتهای الهی را به خاطر بیاورد، آنگاه این اذکار را بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ»

هفت مرتبه.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ»

هفت مرتبه.

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»

هفت مرتبه.

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ

ص: ۸۹

الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»

سه مرتبه.

پس صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد.

آنکاه بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ»

صد مرتبه.

«سُبْحَانَ اللَّهِ»

صد مرتبه.

سپس بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، وَلِلَّهِ الْحَمْدُ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَوْلَانَا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ أَنْجَزَ وَعْدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَهَرَمَ الْأَخْزَابَ وَخَدَهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَلَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ». (۱)

سعی بین صفا و مروه

* پس از انجام نماز طواف، باید هفت مرتبه، فاصله بین

۱- ایضاح، ص ۲۵۳؛ هدایه السالک، ج ۲، ص ۸۷۷ با اندکی تفاوت.

ص: ۹۰

«صفا» و «مروه» را ببینید.

* سعی باید از صفا آغاز و به مروه ختم شود.

مُستحباتِ سعی

مستحب است سعی را پیاده بجا آورد و از صفا تا به جایی که در سابق مناره میانه (۱) بوده و هم اکنون با علامت و چراغ سبز مشخص شده، راه رود و از آنجا تا جایی که با خط سبز دیگری بر دیوار مشخص شده و در سابق محل بازار عطاران بوده است «هَرَوَلَه» کند؛ یعنی مانند شتر تند رود و از آنجا تا به مروه نیز بطور معمولی سعی کند و در وقت برگشتن نیز به همان ترتیب برگردد و از برای زنها هروله نیست.

آنگاه که از صفا می‌آید وقتی به محل هروله رسید بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ وَاذْحَمَّ وَتَجَاوَزْ»

۱- هم اکنون مناره میانه و بازار عطاران وجود ندارد ولی آن فاصله باخط و چراغ سبز رنگ مشخص شده است.

ص: ۹۱

عَمَّا تَعْلَمُ أَنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَجَلُّ الْأَكْرَمُ، وَاهْدِنِي لِتَنِي هِيَ أَقْوَمُ، اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِمُهُ لِي وَتَقَبَّلُهُ مِنِّي، اللَّهُمَّ لَكَ سِعْيِي، وَبِكَ حَوْلِي وَقُوَّتِي، تَقَبَّلْ مِنِّي عَمَلِي يَا مَنْ يَقْبَلُ عَمَلَ الْمُتَّقِينَ».

و همین که از محل هروله گذشت بگوید:

«يَا ذَا الْمَنِّ وَالْفَضْلِ وَالْكَرَمِ وَالنِّعْمَاءِ وَالْجُودِ، اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ».

و مستحب است در حال سعی ذکر بگوید و بخواند این دعا را:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ حُسْنَ الظَّنِّ بِكَ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَصِدْقَ النَّيِّ فِي التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ».

و نیز گفتن

«اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ»

هر یک را صد مرتبه مستحب است.

تقصیر (آخرین عمل عمره تمتع)

پس از سعی باید «تقصیر» کند؛ یعنی با نیت تقصیر در عمره تمتع قدری از ناخن یا موی خود را گرفته یا کوتاه

ص: ۹۲

نماید (۱) با این عمل، اعمال عمره تمتع به پایان می‌رسد و زائر از احرام خارج می‌شود.
ب- اعمال حج و آداب آن

احرام

اعمال حج نیز، مانند اعمال عمره با احرام آغاز می‌شود.
محل احرام حج شهر مکه است چگونگی آن با احرام عمره تفاوتی جز در نیت ندارد و آنچه در احرام عمره واجب یا مستحب است در احرام حج نیز واجب یا مستحب خواهد بود.
مستحب است در مسجدالحرام و در حجر اسماعیل محرم شود.

وقوف در عرفات

حاجی، پس از احرام در مکه برای وقوف در عرفات، که از ظهر روز نهم ذی حجه آغاز می‌شود و تا غروب ادامه دارد، روانه سرزمین عرفات می‌شود. این سرزمین به طول دوازده کیلومتر و عرض شش کیلومتر و نیم در فاصله تقریباً

۱- به فتوای برخی مراجع به گرفتن ناخن تنها اکتفا نکند.

ص: ۹۳

بیست کیلومتری شهر مکه قرار دارد.

برخی گفته‌اند عرفات، از عرفان گرفته شده و به معنای شناسایی است، زیرا که در آنجا آدم و حوّا پس از هبوط باهم آشنا شده‌اند. و به خطای خود اعتراف و مشمول عفو قرار گرفتند. و نیز حضرت ابراهیم با تعلیم جبرئیل مناسک حج را آموخت. و نیز این سرزمین، مکان مقدسی است که عرفان بندگان افزون شود. و قوف به عرفات یکی از ارکان حج است که حاجی ظهر روز عرفه نیت می‌کند که «به قصد تقرب به خدا تا غروب توقف می‌کنم» برای وقوف به عرفات که لحظات بسیار حساسی است آداب و ادعیه بسیاری است.

برخی مستحبات و قوف به عرفات

- ۱- با طهارت بودن در حال وقوف.
 - ۲- غسل کردن و بهتر آن است که نزدیک ظهر باشد.
- نظر به این که دعا در روز عرفه بویژه در سرزمین عرفات و در حال وقوف از اهم مسائل این روز عزیز است، لذا بی‌تناسب نیست، مقدمتاً به فلسفه دعا و چگونگی و شرایط آن اشاره‌ای بشود:

معنای دعا و اقسام آن

دعا در لغت به معنای خواندن و در اصطلاح، درخواست حاجت از خداوند است.

دعا بر دو قسم است:

۱- گاه دعا کننده مطالب و نیازهای خود را به زبان خود و به هر بیانی که قدرت بر آن دارد، در پیشگاه خداوند اظهار می‌کند، این قسم را دعاهای غیر وارده می‌نامند.

۲- قسم دوم آن که دعا کننده، مطالب و خواست‌های خود را با الفاظ مخصوصی که از پیشوایان دین رسیده، اظهار می‌نماید. این قسم ادعیه را دعاهای وارده یا «ادعیه مأثوره» می‌نامند. ادعیه مأثوره نیز بر دو قسم است:

الف- ادعیه‌ای که باید در شرایط خاصی خوانده شود؛ مثلاً در وقت مخصوص یا محل معلوم، و بالاخره آداب و شرایط ویژه‌ای برای آن ذکر شده باشد.

ب- دعاهایی که از پیشوایان دین رسیده ولی برای آنها هیچ گونه شرطی ذکر نشده است.

البته هر نوع دعا و درخواست از پروردگار یکتا، مطلوب شارع است و در روایت وارد شده:

«الدُّعَاءُ مُخُّ»

ص: ۹۵

العِبَادَةُ» (۱)؛ «مغز و روح عبادت همان دعا است.»

همچنین در قرآن کریم در مناسبت‌های مختلف از زبان پیامبران و اولیا دعاهایی نقل شده است، لیکن ثواب و فضیلت دعاهای مأثوره از زبان معصوم علیه السلام برای کسی که آشنا به معانی آنها باشد، به مراتب بیش از دعاهای معمولی است، زیرا معصومین علیهم السلام به امراض روحی فرد و جامعه آشنا تر و به کیفیت راز و نیاز با حق تعالی آگاهتر هستند، و سایر انسان‌ها، گاهی به جای خیر خویش شرّ، و گاهی به جای سود و سعادت، زیان و شقاوت می‌طلبند:

وَيَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا. (۲)

بنابراین سزاوار است دعاکننده، چگونگی درخواست مطالب و حاجات خود، از خداوند را، از رسول خدا صلی الله علیه و آله و پیشوایان الهی فراگیرد.

شرایط استجابات و قبولی دعا

در احادیث و روایات برای اجابت دعا شرایط متعددی بیان شده که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- بحارالانوار، ج ۹۰، ص ۳۰۰ طبع بیروت.

۲- اسراء، ۱۳

ص: ۹۶

شرط اول: معرفت پروردگار

حضرت جعفر بن محمد علیه السلام در جواب قومی که پرسیدند، ما دعا می‌کنیم ولی مستجاب نمی‌شود؟ فرمودند:

چون کسی را می‌خوانید که نمی‌شناسید:

«لَا تَنْكُم تَدْعُونَ مَنْ لَا تَعْرِفُونَهُ» (۱)

از حضرت علی علیه السلام سؤال شد:

«فَمَا بَالُنَا نَدْعُوا فَلَا نُجَابُ؟»

چرا دعای ما مستجاب نمی‌شود؟ حضرت فرمود:

«إِنَّ قُلُوبَكُمْ خَائِتٌ بِثَمَانٍ خِصَالٍ: أَوْلَاهَا أَنْتُمْ عَرَفْتُمْ اللَّهَ فَلَمْ تُؤَدُّوا حَقَّهُ كَمَا أَوْجَبَ عَلَيْكُمْ ..» (۲)

«زیرا دل‌های شما به هشت چیز خیانت کرده، نخست این که شما نسبت به خداوند معرفت و شناخت پیدا کردید، ولی حق معرفت را

عملاً ادا نکردید.»

شرط دوم: پرهیز از حرام

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس می‌خواهد دعایش مستجاب شود باید لقمه و شغلش حلال باشد. (۳) حضرت باقر

علیه السلام فرمود: خداوند دعای بنده‌ای را که بر

۱- بحار، ج ۹، ص ۳۶۸

۲- بحار، ج ۹۰، ص ۳۷۶

۳- بحار، ج ۹۰، ص ۳۲۱

ص: ۹۷

عهده‌اش، مظالم و حقوق مردم باشد یا غذای حرام بخورد، قبول نمی‌کند. (۱) شرط سوّم: حضور قلب رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند دعای کسی را که حضور قلب ندارد، قبول نمی‌کند. (۲) شرط چهارم: به کسی ظلم نکرده باشد

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند به عزّت و جلال خود قسم یاد کرده که من دعای مظلومی را که خود در حقّ دیگری چنین ظلمی نموده است، مستجاب نمی‌کنم. (۳) شرط پنجم: دعا را به نام خدا آغاز کند و اگر با صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله همراه باشد به اجابت مقرون است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دعایی که اوّلش

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

باشد، رد نمی‌شود. (۴)

۱- بحار، ج ۹۰، ص ۳۲۱

۲- بحار، ج ۹۰، ص ۳۲۱

۳- بحار، ج ۹۰، ص ۳۲۰

۴- بحار، ج ۹۰، ص ۳۱۳

ص: ۹۸

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: صلوات شما بر من مایه اجابت دعای شما خواهد بود. (۱) و همچنین برای استجاب دعا در روایات توصیه‌هایی است از جمله:

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس پیش از خود به چهل مؤمن دعا کند، دعایش مستجاب می‌شود. (۲) در حدیث قدسی وارد شده است: خداوند به حضرت عیسی علیه السلام فرمود: ای عیسی! مرا بخوان همانند خواندن شخص اندوهناک و غرق شده‌ای که هیچ فریادرسی ندارد. (۳) ملاحظه می‌کنید که برای اجابت دعا شرایطی بیان شده است و از همه بیشتر بر روی معرفت و شناخت و خودسازی و آمادگی برای ضیافت پروردگار و شناخت میزبان حقیقی تکیه شده است.

و مهمترین مطالب در این روز پاک شدن از گناه است.

چه، تا قلب از آلودگی معاصی مصفا نگردد شایستگی تابش انوار الهی و توجهات حق را نخواهد داشت. بنابر این

۱- بحار، ج ۹۱، ص ۵۴

۲- بحار، ج ۹۰، ص ۳۱۷

۳- بحار، ج ۹۰، ص ۳۱۴

ص: ۹۹

قبل از دعا برای آمرزش گناهان باید تضرع و خضوع کرد و آنگاه مطالب و خواسته‌ها را با التماس و الحاح با خداوند در میان نهاد.

دعاهای روز عرفه

۱- خواندن دعای حضرت امام حسین علیه السلام در روز عرفه، و دعای امام سجاده علیه السلام که در صحیفه سجاده مندرج است.

۲- خواندن این دعاها:

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشَاعِرِ كُلِّهَا، فَكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ، وَأَدْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنَّ وَالْأَنْسِ، اللَّهُمَّ لَا تَمَكُرْ بِي، وَلَا تَخْدَعْنِي، وَلَا تَسِدْ تَدْرِجِي، يَا أَسْمَعَ السَّمْعِينَ، وَيَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي». (۱)

سپس حاجتهای خود را از خداوند درخواست کند.

۱- به جای جمله «أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي» می‌تواند حاجت دیگری را از خدا بخواهد.

ص: ۱۰۰

پس دست به آسمان بردارد و بگوید:

«اللَّهُمَّ حَاجَتِي إِلَيْكَ الَّتِي إِنْ أُعْطِيتَنيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي، وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أُعْطِيتَنِي، أَسْأَلُكَ خَلَاصَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، وَمَلِكُكَ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ، وَأَجَلِي بِعِلْمِكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُؤَفِّقَنِي لِمَا يُرِضُكَ عَنِّي، وَأَنْ تُسَلِّمَ مِنِّي مَنَاسِكَ الَّتِي أَرَيْتَهَا خَلِيلِكَ إِبْرَاهِيمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ، وَدَلَّكَ عَلَيْهَا نَبِيِّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ رَضِيَتَ عَمَلَهُ وَأَطَلْتَ عُمُرَهُ وَأَحْيَيْتَهُ بَعْدَ الْمَوْتِ».

و نیز از علی علیه السلام نقل شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله در موقف این دعا را مکرر می خواندند:

«اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَالَّذِي تَقُولُ، وَخَيْرًا مِمَّا نَقُولُ، اللَّهُمَّ لَكَ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي، وَالْيَكَّ مَأْبِي، وَلَكَ رَبِّي تُرَانِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَوَسْوَاسِ الصُّدْرِ، وَشَتَاتِ الْأَمْرِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا تَجِيءُ بِهِ الرِّيَّاحُ».

ص: ۱۰۱

و از جمله دعاهای وقوف، این است:

«اللَّهُمَّ إِنَّا فِي الدُّنْيَا حَسِينَةٌ، وَفِي الْآخِرَةِ حَسِينَةٌ وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ، اللَّهُمَّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي ظُلْمًا كَثِيرًا، وَأَنْتَ لَا تَعْفُرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ، فَاعْفِرْ لِي مَغْفِرَةً مِّنْ عِنْدِكَ، وَارْحَمْنِي إِنَّكَ أَنْتَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَغْفِرَةً مِنْ عِنْدِكَ تُصَلِّحْ بِهَا شَأْنِي فِي الدَّارَيْنِ، وَارْحَمْنِي رَحْمَةً مِنْكَ اسْتَعْدُ بِهَا فِي الدَّارَيْنِ، وَتُبْ عَلَيَّ تَوْبَةً نَّصُوحًا لَا أَنْكُثُهَا أَبَدًا، وَالزَّمْنِي سَبِيلَ الْإِسْتِقَامَةِ لَا أَزِيغُ عَنْهَا أَبَدًا، اللَّهُمَّ انْقُلْنِي مِنْ ذُلِّ الْمُعْصِيَةِ إِلَى عِزِّ الطَّاعَةِ، وَأَعِنِّي بِحِلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ، وَبِطَاعَتِكَ عَنْ مَعْصِيَتِكَ، وَبِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ، وَنَوِّرْ قَلْبِي وَقَبْرِي، وَاعْزِزْنِي مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ، وَاجْمَعْ لِي الْخَيْرَ كُلَّهُ، اسْتَوْدِعْكَ دِينِي وَأَمَانَتِي وَقَلْبِي وَيَدَيَّ وَخَوَاتِيمَ عَمَلِي، وَجَمِيعَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ وَعَلَى جَمِيعِ اجِبَائِي وَالْمُسْلِمِينَ أَجْمَعِينَ».

مستحب است این دعا را نیز بخواند:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ

ص: ۱۰۲

الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَالَّذِي تَقُولُ، وَخَيْرًا مِمَّا نَقُولُ، وَفَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ، اللَّهُمَّ لَكَ صِلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي، وَلَكَ تُرَاثِي وَبِكَ حَوْلِي وَمِنْكَ قُوَّتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ، وَمَنْ وَسَاوِسِ الصُّدُورِ وَمِنْ شَتَاتِ الْهَامِ وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الرِّيَاحِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا يَجِيءُ بِهِ الرِّيَاحُ، وَأَسْأَلُكَ خَيْرَ اللَّيْلِ وَخَيْرَ النَّهَارِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا، وَفِي سَمْعِي وَبَصِيرَتِي نُورًا، وَفِي لَحْمِي وَدَمِي وَعِظَامِي وَعُرُوقِي وَمَقْعَدِي وَمَقَامِي وَمَدْخَلِي وَمَخْرَجِي نُورًا، وَأَعْظِمْ لِي نُورًا يَا رَبُّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

آنگاه رو به جانب کعبه کرده و این ذکرها را بگویند:

«سُبْحَانَ اللَّهِ»

صد مرتبه

«اللَّهُ أَكْبَرُ»

صد مرتبه

«مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»

صد مرتبه

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ

ص: ۱۰۳

الْمَلِكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَيُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُحْيِي، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»

صد مرتبه.

و بسیار بگوید:

«اللَّهُمَّ اعْتَقِنِي مِنَ النَّارِ».

و نزدیک غروب آفتاب بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ، وَمِنْ تَشْتُّتِ الْأُمُورِ، وَمِنْ شَرِّ مَا يَجِدُتْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، أَمْسَى ظَلَمِي مُسِيئاً تَجِيراً بِعَفْوِكَ، وَأَمْسَى خَوْفِي مُسِيئاً تَجِيراً بِأَمَانِكَ، وَأَمْسَى ذُنُوبِي مُسِيئاً تَجِيراً بِمَغْفِرَتِكَ، وَأَمْسَى ذُلِّي مُسِيئاً تَجِيراً بِعِزِّكَ، وَأَمْسَى وَجْهِي الْفَانِي الْبَالِي مُسِيئاً تَجِيراً بِوَجْهِكَ الْبَاقِي، يَا خَيْرَ مَنْ سُنِلَ وَيَا أَجْوَدَ مَنْ أُعْطِيَ، جَلَّلَنِي بِرَحْمَتِكَ، وَأَلْبَسَنِي عَافِيَتِكَ، وَاصْرِفْ عَنِّي شَرَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ».

و بعد از غروب آفتاب بگوید:

«اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ هَذَا الْمَوْقِفِ، وَارْزُقْنِيهِ مِنْ قَابِلِ أَيْدِي مَا أَبْقَيْتَنِي، وَأَقْلِبْنِي الْيَوْمَ مُفْلِحاً مُنْجِحاً مُسْتَجَاباً لِي، مَرْحُوماً

ص: ۱۰۴

مَغْفُوراً لِي، بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ الْيَوْمَ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ، وَحُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، وَاجْعَلْنِي الْيَوْمَ مِنْ أَكْرَمِ وَفْدِكَ عَلَيْكَ، وَأَعْطِنِي أَفْضَلَ مَا أَعْطَيْتَ أَحَدًا مِنْهُمْ، مِنَ الْخَيْرِ وَالْبَرَكَاتِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْمَغْفِرَةِ، وَبَارِكْ لِي فِيمَا أَرْجِعُ إِلَيْهِ، مِنْ أَهْلِ أَوْ مَالٍ أَوْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ وَبَارِكْ لَهُمْ فِيَّ».

و هنگام خروج از عرفات بخواند:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ أَفْضْتُ وَإِلَيْكَ رَغَبْتُ وَمِنْكَ رَهْبْتُ، فَاقْبَلْ نُسُكِي، وَأَعْظِمْ اجْرِي، وَتَقَبَّلْ تَوْبَتِي، وَارْحَمْ تَضَرُّعِي، وَاسْتَجِبْ دُعَائِي، وَأَعْطِنِي سُؤْلِي». (۱)

وقوف در مشعرالحرام

پس از غروب آفتاب روز نهم ذی حجه، حاجیان از عرفات خارج می‌شوند و برای انجام عملی دیگر از اعمال حج به طرف مشعرالحرام حرکت می‌کنند.

ص: ۱۰۵

مشعر یا مُزدلفه (۱) میان دو تنگه عرفه از یک سو و وادی مُحَسَّر از سوی دیگر قرار گرفته است. وقوف به مشعر یکی از ارکان حج است که مقدار واجب آن از طلوع فجر تا طلوع آفتاب است. البته اگر قبل از آن نیز به مشعر برسد باید نیت وقوف کند.

مستحبات و قوف به مشعرالحرام

مستحب است که آن شب را به هر مقدار که می‌تواند به عبادت و اطاعت مشغول باشد و این دعا را نیز بخواند:

«اللَّهُمَّ هَذِهِ جَمْعٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْمَعَ لِي فِيهَا جَوَامِعَ الْخَيْرِ، اللَّهُمَّ لَا تُؤَيِّسْنِي مِنَ الْخَيْرِ الَّذِي سَأَلْتُكَ أَنْ تَجْمَعَهُ لِي فِي قَلْبِي، وَأَطْلُبُ إِلَيْكَ أَنْ تُعَرِّفَنِي مَا عَرَفْتَ أَوْلِيَاءَكَ فِي مَنَزِلِي هَذَا، وَأَنْ تَقْبَلَنِي جَوَامِعَ الشَّرِّ».

و پس از نماز صبح این دعا را بخواند:

۱- مزدلفه از ماده «زلف» به معنای نزدیک شدن است و مشعر را از آنرو «مزدلفه» می‌گویند که حاجیان بدان هجوم برده و در آن مکان گرد می‌آیند و جوه دیگری نیز در این خصوص گفته‌اند.

ص: ۱۰۶

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ فُكِّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ، وَأَدْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسِيقَةِ الْجِنَّ وَالْبَأْسِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ، وَخَيْرُ مَدْعُوٍّ، وَخَيْرُ مَسْئُولٍ، وَلِكُلِّ جَائِزَةٍ، فَاجْعَلْ جَائِزَتِي فِي مَوْطِنِي هَذَا أَنْ تُقِيلَنِي عَثْرَتِي، وَتَقْبَلَ مَعِيدَتِي، وَأَنْ تَجَاوَزَ عَنِّي خَطِيئَتِي، ثُمَّ اجْعَلِ التَّقْوَى مِنَ الدُّنْيَا زَادِي».

و در نقل دیگر، برای مشعر این دعا آمده است:

«اللَّهُمَّ أَنْكَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ: «فَإِذَا أَفْضَيْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَادْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَادْكُرُوهُ كَمَا هَدَيْتُمْ» اللَّهُمَّ كَمَا أَوْفَقْتَنَا فِيهِ وَارْبِتْنَا آيَاهُ، فَوَفَّقْنَا لِتَدْكُرِكَ وَشُكْرِكَ كَمَا هَدَيْتَنَا، وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا كَمَا وَعَدْتَنَا، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كُلُّهُ، وَالشُّكْرُ كُلُّهُ، وَالْجَلالُ كُلُّهُ، وَلَكَ الْخَلْقُ كُلُّهُ، وَلَكَ الْأَمْرُ كُلُّهُ، اللَّهُمَّ أَنَا نَسَأُكَ أَنْ تَغْفِرَ لَنَا مَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِنَا، وَأَنْ تَعْصِمَنَا فِيمَا بَقِيَ مِنْ أَعْمَارِنَا، وَأَنْ تَرْزُقَنَا أَعْمَالًا صَالِحَةً تَرْضَاهَا وَتَرْضَى بِهَا عَنَّا، فَإِنَّ الْخَيْرَ كُلَّهُ بِيَدِكَ وَأَنْتَ

ص: ۱۰۷

ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ وَأَنْتَ بِنَا رَوْوْفٌ رَحِيمٌ، أَللَّهُمَّ ابْلِغْ عَنَّا سَيِّدَنَا مُحَمَّدًا التَّحِيَّةَ وَالسَّلَامَ، وَادْخُلْنَا دَارَ السَّلَامِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ». (۱)

و مستحب است سنگریزه‌هایی را که در منا رمی می‌کند از مشعر بردارد.

اعمالِ مِنا

اعمال روز عید در منا عبارت است از:

- ۱- رمی؛ سنگ زدن به جمره عقبه.
 - ۲- قربانی کردن.
 - ۳- حلق؛ تراشیدن سر
- اولین کاری که در منا باید انجام داد، زدن هفت عدد سنگ به ستونی است که آن را «جمره عقبه» می‌نامند.

مستحبات رمی

- ۱- با طهارت بودن، هنگام رمی.
- ۲- هر سنگی که می‌اندازد، تکبیر بگوید.
- ۳- جمره «عقبه» را پشت به قبله رمی کند و جمره «اولی»

۱- پاورقی، ایضاح، ص ۳۰۱

ص: ۱۰۸

و «وسطی» را رو به قبله رمی کند.

۴- هنگامی که سنگها را در دست گرفته و آماده رمی است، این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ هَذِهِ حَصِيَّاتِي فَأَحْصِهِنَّ لِي، وَارْفَعْهُنَّ فِي عَمَلِي».

پس از سنگ زدن به جمره عقبه، حجاج باید برای انجام یکی دیگر از واجبات حج یعنی قربانی کردن، به قربانگاه رفته و قربانی کنند.

پس از قربانی حاجی باید سر را بتراشد، یا مقداری از ناخن یا موی خود را جدا کند، کسانی که سال اول حج آنهاست حتماً باید سر بتراشند ولی افرادی که قبلاً به حج مشرف شده‌اند مخیرند تقصیر کنند یا سر بتراشند.

با تراشیدن سر تمام محرمات احرام بر محرم حلال می‌شود، بجز حرام بودن زن و مرد بر یکدیگر و استفاده از بوی خوش که آنها با انجام کلیه اعمال حج و پس از طواف نساء و نماز آن حلال خواهد شد.

مستحبات قربانی

۱- قربانی فربه باشد.

۲- اگر قربانی، گاو یا شتر است، ماده باشد و اگر گوسفند

ص: ۱۰۹

است نر باشد.

۳- خود قربانی را ذبح کند، و اگر نتواند، دست خود را بالای دست کسی که ذبح می کند بگذارد.

۴- در هنگام ذبح یا نحر این دعا را بخواند:

«وَجْهَيْتُ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ خَيْفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ، إِنَّ صِيْلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أَمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ، اللَّهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ، بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي.»

بقیه اعمال منا

۱- از اعمال واجب منا بیتوته در شب یازدهم و دوازدهم است که باید با نیت و قصد قربت انجام شود و ترک آن کفاره دارد.

۲- رمی جمرات سه گانه در روزهای یازدهم و دوازدهم که از جمره عقبه آغاز به ترتیب هر سه رمی می شود.

ص: ۱۱۰

مستحبات منا

مستحب است حاجی، روز یازدهم و دوازدهم را در منا بماند و حتی به جهت طواف مستحب، از منا بیرون نرود.

مستحب است بعد از نمازها تکبیر بگوید و بهتر در کیفیت تکبیر، آن است که بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمِهِ الْأَنْعَامِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أْبَلَانَا».

مسجد خیف

از جمله اماکنی که در منا قرار دارد مسجد خیف می‌باشد.

«خیف» در لغت سرایشی در کوه است تا بستر رودخانه را گویند و چون این مسجد در سرایشی قرار گرفته بنام خیف نامیده شده است. قدمت تاریخی این مسجد به زمان نبی اکرم صلی الله علیه و آله می‌رسد.

گویند رسول خدا در حجه‌الوداع خیمه خود را در این مکان زد و در جایی که محراب مسجد است پنج نماز را از

ص: ۱۱۱

نماز ظهر تا نماز صبح ادا فرمود، و نیز خطبه‌ای در این مسجد خواند که مشهور است. خواندن نماز تحیت و اگر ممکن بود نمازهای شبانه روزی در این مسجد مستحب است.

اعمال بعد از منا

پس از انجام اعمال منا در روز عید قربان حاجی می‌تواند برای انجام پنج عمل از اعمال حج به مکه بازگردد، گرچه وقت این اعمال تا پایان ماه ذی‌حجه است و می‌تواند در منا بماند برای بقیه اعمالی که در منا شبهای یازدهم و دوازدهم و روزهای یازدهم و دوازدهم انجام می‌شود و بعد از ظهر روز دوازدهم از منا خارج شده و برای بقیه اعمال به مکه بیاید. اما پنج عملی که در مکه باید انجام شود، عبارت است از:

۱- طواف حج

۲- نماز طواف حج

۳- سعی بین صفا و مروه

۴- طواف نساء

۵- نماز طواف نساء

ص: ۱۱۲

چند مسأله:

- ۱- کیفیت طواف و نماز حج تمتع و سعی همانگونه است که در اعمال عمره تمتع گذشت، و تنها در نیت با هم تفاوت دارند.
- ۲- کیفیت طواف نساء و نماز آن هم، مانند طواف عمره و نماز آن است، ولی باید به نیت طواف نساء و نماز طواف نساء انجام شود.
- ۳- پس از انجام طواف حج و نماز آن و سعی، بوی خوش هم بر محرم حلال می‌شود و بعد از انجام طواف نساء و نماز آن، زن بر مرد و مرد بر زن که به واسطه احرام، حرام شده بودند، حلال می‌شوند.

ص: ۱۱۳

آثار تاریخی و مذهبی مکه

مسجد الحرام

نام مسجدِ گرداگرد خانه کعبه، مسجد الحرام است. این مسجد مقدس‌ترین و معروف‌ترین مسجد در اسلام بشمار می‌رود. نماز گزاردن در این مسجد ثواب بسیار دارد و دارای آداب و اعمال خاصی نیز هست.

خانه کعبه

کعبه، بیت الله الحرام، بیت العتیق، خانه خدا، قبله مسلمانان، ساختمان چهار گوشه مسقفی است در داخل مسجد الحرام، نمای ظاهری خانه از سنگ سبز مایل به خاکستری است که از کوه‌های مکه آورده‌اند.

پرده کعبه

گفته شده برای نخستین بار حضرت اسماعیل پرده‌ای بر

ص: ۱۱۴

روی کعبه کشیده است.

بعدها قریش نیز چنین می کردند و پرده‌داری کعبه برای آنان منصبی ویژه به حساب می آمد.

در روایات اهل بیت، گرفتن پرده کعبه و تضرع و دعا در آن حال آمده است و نقل شده که حضرت علی بن الحسین علیه السلام فراوان چنین می کردند.

ارکان کعبه

چهار زاویه کعبه را ارکان کعبه گویند که هر یک نام خاصی دارد.

رکن شمالی را «عراقی» رکن غربی را «شامی» رکن جنوبی را «یمانی» و رکن شرقی را رکن «اسود» می نامند، چون حجرالاسود در این رکن است.

حجرالاسود

حجرالاسود یا سنگ سیاه، از اجزای بسیار مقدس خانه کعبه است. حجرالاسود در گوشه شرقی، به ارتفاع یک متر و نیم از زمین قرار گرفته است.

در روایات شیعه و سنی نقل شده که حجرالاسود از سنگهای بهشتی است که همراه آدم علیه السلام به زمین آمده است،

ص: ۱۱۵

همچنین در روایتی از رسول الله صلی الله علیه و آله حجرالاسود به منزله دست راست خداوند خوانده شده که در روی زمین قرار گرفته است و مردم با دست کشیدن بر آن و بوسیدنش، گویی با خدا بیعت و اطاعت خدا را تثبیت می‌کنند. در روایت آمده است که این سنگ در آغاز سفید بوده، اما گناهایی که فرزندان آدم انجام داده‌اند آن را سیاه کرده است. استلام و بوسیدن حجرالاسود، مورد سفارش روایات قرار گرفته و در نقلها آمده که رسول خدا صلی الله علیه و آله مقتید به استلام و بوسیدن آن بوده‌اند. (۱)

ملتزم

قسمتی از دیوار کعبه را که در یک سوی آن حجرالاسود و در سوی دیگرش باب کعبه قرار دارد «ملتزم» می‌نامند. این محل از آن روی ملتزم نامیده شده

۱- در ازدحام کنونی، استلام حجرالاسود بسیار مشکل است و موجب آزار دیگران می‌شود و بخصوص برای خواهران که با نامحرمان برخورد خواهند کرد خالی از اشکال نیست. با توجه به این نکات، چنانکه استلام حجر برای حاجی به راحتی مقدور نبود بدان اصرار نورزد و خانمها از آن خودداری کنند.

ص: ۱۱۶

است که مردم در آن قسمت به دیوار ملتزم می‌شوند و دعا می‌خوانند. از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: ملتزم محلی است که دعا در آنجا مستجاب می‌شود و هیچ بنده‌ای نیست که در آنجا خدا را بخواند و خداوند دعایش را مستجاب نکند.

حطیم

یکی از نقاط مقدس، که میان درب خانه کعبه و حجرالاسود قرار دارد نقطه‌ای است که آن را «حطیم» می‌نامند و گفته‌اند حطیم ما بین حجرالاسود و مقام ابراهیم و زمزم و حجراسماعیل است.

حجر اسماعیل

در قسمت شمالی کعبه، دیواری به ارتفاع ۱/۳۰ متر وجود دارد که قوسی شکل است و حجر اسماعیل نامیده می‌شود. حجر اسماعیل نیز یادگاری است از زمان ابراهیم و اسماعیل که خانه کعبه را بنا کرده‌اند. نقلهای تاریخی حکایت از آن دارد که اسماعیل در

ص: ۱۱۷

همین قسمت کنار بیت‌الله الحرام زندگی می‌کرده و خیمه‌گاه او در همین جا بوده است. مادرش هاجر نیز با وی در این مکان می‌زیسته و پس از رحلت در آنجا دفن شده‌اند.

مقام ابراهیم

یکی از نقاط بسیار مقدس مسجدالحرام، محلی است که مقام ابراهیم نامیده می‌شود. این مقام یکی از شعائر الهی خوانده شده و آن سنگی است که حضرت ابراهیم علیه السلام بر آن ایستاد و بنای خانه کعبه را بالا برده است. بر روی این سنگ اثری از پای ابراهیم علیه السلام دیده می‌شود، و اکنون در مسجد الحرام در فاصله ۱۳ متری کعبه، در یک ضریح کوچک و محفظه بلورین نگهداری می‌شود. حاجیان باید نماز طواف واجب را نزد مقام ابراهیم بجای آورند.

زمزم

چاه زمزم از دیگر آثار قدیمی مسجدالحرام است. این چاه در قسمت شرقی مسجدالحرام و کمی فاصله با حجرالاسود قرار دارد، و همانند دیگر مشاهد حج، از آثار ابراهیم و اسماعیل و هاجر است. اکنون در کنار صحن

ص: ۱۱۸

مسجدالحرام سردابی است که به چاه زمزم راه دارد و زائران در آنجا از آب زمزم می‌نوشند. در روایات اهل بیت علیه السلام نوشیدن از آب زمزم مورد سفارش قرار گرفته است.

مسعی

مسعی محلی است که حجاج باید در آنجا میان کوه صفا و مروه به سعی پردازند. خداوند در قرآن از صفا و مروه به عنوان «شعائرالله» یاد کرده است، صفا و مروه دو کوه کوچکی است که صفا در دامن کوه ابوقییس و مروه در دامن کوه قیقعان قرار دارد. فاصله این دو کوه امروزه به صورت سالنی دو طبقه ساخته شده است که محل سعی است و البته زائران شیعه در طبقه فوقانی سعی نمی‌کنند زیرا سعی باید بین دو کوه باشد.

مسجد جن

یکی دیگر از مساجد معروف مکه، مسجد جن است. گویند سبب نام یافتن این مسجد به مسجد جن، از آنجاست که سوره مبارکه «جن» در این مکان بر پیغمبر صلی الله علیه و آله نازل شده است.

ص: ۱۱۹

مسجد جن در ناحیه شمالی مسجد الحرام، در کنار خیابان مسجدالحرام، نزدیک قبرستان حجون (کمی بعد از پل حجون) قرار دارد، خواندن نماز در این مسجد و دو رکعت نماز تحیت مستحب است.

مسجدالاجابه

مسجدالاجابه نیز یادگار جریانهایی است که به فتح مکه مربوط می‌شود. روایت شده است که رسول الله صلی الله علیه و آله در این محل نماز گزارده و اصحاب در آنجا مسجدی بنا کرده‌اند، مسجدی نیز با همین نام در مدینه وجود دارد. مسجدالاجابه در سمت چپ خیابانی که به منا می‌رود (کمی بعد از میدان معابده) واقع شده است.

مسجد حمزه

این مسجد منسوب به حمزه سیدالشهدا است و در منطقه مسفله، در نزدیکی تلاقی خیابان ابراهیم خلیل و خیابان حمزه بن عبدالمطلب واقع است.

مسجد تنعیم

در راه مکه به مدینه، ابتدای شهر مکه (شهر فعلی)

ص: ۱۲۰

مسجدی است به نام مسجد تنعیم، از مکانهایی است که به عنوان میقات عمره مفرده ذکر شده است. مسجد تنعیم ابتدای حدّ حرم نیز می‌باشد.

مولد النبی صلی الله علیه و آله

خانه‌ای را که رسول الله صلی الله علیه و آله در آن متولد شده است به نام «مولدالنبی» می‌شناسند، این خانه در محله سوق اللیل بوده است.

مسلمانان این خانه را گرامی می‌داشتند و بویژه در شب تولد رسول الله صلی الله علیه و آله مراسمی در آنجا برگزار می‌کردند، دولت سعودی این محل را تخریب کرد، بعدها شهردار مکه با اصرار توانست در آنجا کتابخانه‌ای بنا کند که به نام «مکتبه مکه المکرمه» نامگذاری شده است و اکنون نزدیک مسجدالحرام در کنار ایستگاه اتوبوسها قرار دارد.

غار حرا

جبل النور یکی از مکانهای مقدس مکه و از آثار مذهبی باقیمانده از عصر رسالت به شمار می‌رود که در شمال شرقی مکه قرار دارد و غار حرا بر فراز این کوه می‌باشد.

ص: ۱۲۱

درب این غار، به سمت شمال است و فضای آن گنجایش چند نفر نشسته را دارد ارتفاع غار نیز به اندازه قامت یک انسان است. غار حرا محل عبادت پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و آن حضرت چندی از ایام سال، بویژه ماه مبارک رمضان را در آن بسر می‌بردند، در همین غار بود که نخستین بار بر رسول الله صلی الله علیه و آله وحی نازل گردید و آیات آغازین سوره علق بر آن حضرت خوانده شد. از این رو این غار از جمله بهترین و متبرک‌ترین نقاط مکه بشمار می‌رود.

غار ثور

کوه ثور، کوهی است بزرگتر از کوه حرا که در جنوب شرقی مسجدالحرام و در فاصله‌ای دورتر از کوه حرا نسبت به مکه، در طریق طائف واقع شده است.

غار ثور در همین کوه قرار دارد، زمانی که مشرکان مکه به قصد کشتن رسول الله صلی الله علیه و آله بسیج شدند، آن حضرت از خانه خود خارج شد و به سمت جنوب مکه حرکت کرد، و برای مخفی نگاه داشتن مسیر خود، مدت سه روز در همین غار بماند، مشرکان تا نزدیکی غار ثور آمدند، اما به اعجاز الهی، عنکبوتان تارهایی را بر در غار تنیدند تا مشرکان را از

ص: ۱۲۲

رفتن به درون آن منصرف کنند، چرا که با دیدن تارهای عنکبوت تصور کردند که کسی وارد غار نشده است.

شعب ابی طالب

شعب، حد فاصل دو کوه را گویند که ممکن است وسعت آن به اندازه‌های مختلف باشد.

یکی از شعب‌های مکه، شعب ابی طالب است. این شعب به نام شعب بنی هاشم نیز مشهور بود و اکنون به نام شعب علی علیه السلام شناخته می‌شود.

شعب مزبور بین دو کوه ابوقییس و خندمه واقع شده و تا نزدیکی سوق اللیل امتداد داشته است.

در سال هفتم بعثت، قریش علیه بنی هاشم پیمانی امضا کردند و رابطه اقتصادی و خانوادگی خود را با آنان قطع نمودند، به دنبال آن بنی هاشم در شعب باقی ماندند. سه سال بنی هاشم در برابر محاصره اقتصادی دشمن مقاومت کردند، و آن مدت را با مرارت فراوان پشت سر گذاشتند.

قبرستان ابوطالب

قبرستان ابوطالب یکی از زیارتگاه‌های مسلمانان در مکه به شمار می‌آید.

ص: ۱۲۳

این مکان به نام مقبره مُعَلّی و مقبره بنی هاشم نیز شناخته می‌شود. قبرستان ابوطالب محلّ دفن بسیاری از افراد خاندان بنی هاشم و برخی از نزدیکترین یاران رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله است.

یکی از چهره‌های بزرگ بنی هاشم، عبدالمطلب است که او نیز در این قبرستان مدفون است. خدیجه علیها السلام همسر گرامی پیامبر، یکی دیگر از مدفونین آنجاست.

چهره شاخص دیگر که در این قبرستان مدفون است، حضرت ابوطالب علیه السلام پدر گرامی امیرالمؤمنین علی علیه السلام است. در این قبرستان تعدادی از صحابه رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله و علما و دانشمندانی که در مکه وفات یافته‌اند، بخاک سپرده شده‌اند.

گاهی به غلط قبرستان ابوطالب به عنوان شعب ابی طالب شناخته می‌شود. همانگونه که گفته شده محل شعب ابی طالب جایی است کنار کوه ابوقبیس که تا فضای باز خارج مسعی نزدیک مسجدالحرام امتداد داشته است.

ص: ۱۲۴

مساجد و مشاهد بین مکه و مدینه

جحفه

یکی از میقاتهای پنجگانه که حاجیان هنگام عزیمت به مکه مکرمه از آنجا محرم می‌شوند، جحفه است، جحفه در شمال شهر جدّه و نزدیک دریای سرخ قرار دارد. غدیر غم نیز در نزدیکی جحفه است. گرچه جحفه نام منطقه‌ای است ولی در آنجا مسجدی ساخته‌اند به همین نام که تعدادی از حجاج از این میقات محرم می‌شوند.

بدر

یکی از جاهایی که در تاریخ اسلام اهمیتی خاص دارد بدر است. در این سرزمین پایه فتوحات اسلام نهاده شد. بدر در سابق سر راه مدینه به مکه بود، لیکن امروز، از جاده عمومی به کنار است.

ص: ۱۲۵

نبرد بدر در سال دوم از هجرت رسول خدا صلی الله علیه و آله رخ داد. خبر به مدینه رسید که ابوسفیان با کاروانی بزرگ و مال بسیار از شام به مکه باز می‌گردد. پیغمبر سپاهی فراهم آورد که شمار آن را سیصد و سیزده تن نوشته‌اند. یک چهارم آن از مهاجران و سه چهارم از انصار بودند. اینان بر سر چاه‌های بدر در کمین نشستند. ابوسفیان خبر یافت و راه خود را تغییر داد، در ضمن از مکه یاری خواست. چون خبر به مکه رسید ابوجهل در خشم شد و گروهی که شمار آنان را نهصد تن نوشته‌اند فراهم آورد و گفت باید درس فراموش ناشدنی به مردم مدینه بدهم. مسلمانان، چنان که گذشت بر سر چاه‌ها بودند و سپاه مکه چون در پی آب آمدند با مسلمانان درگیر شدند. در این جنگ هفتاد تن که بیشتر از مهتران مکه بودند، کشته شدند. در جنگ بدر علی علیه السلام پشت و پناه سپاه پیغمبر بود و چند تن از دلاوران مکه بدست حضرتش به هلاکت رسیدند.

مسجد شجره

در فاصله یک فرسنگ و نیم از مدینه مسجد شجره

ص: ۱۲۶

قرار داشته است که اکنون با گسترش شهر این مسافت کمتر شده، چون درخت کُناری در کنار مسجد بوده است، این مسجد به نام «شجره» معروف گردیده است، اهمیت این مسجد بیشتر در آن است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در حجة الوداع از آنجا محرم شد، هم اکنون حاجیان ایرانی که پیش از اعمال عمره به مدینه می‌روند در مسجد شجره محرم می‌شوند.

ص: ۱۲۷

نگرشی بر اسرار معنوی حج

نگرشی بر اسرار معنوی حج**اشاره**

حج تنها مناسک نیست، بلکه سیر و سلوک باطنی و طی منازل روحانی است. هر یک از منازل و مشاهد، رازهای عرفانی، اخلاقی، تربیتی و ارشادی در بر دارد و همین‌هاست که به حج معنا و روح می‌بخشد و دگرگونی اخلاقی و معنوی در زائر پدید می‌آورد. شایسته است این اسرار و رموز، مورد توجه زائران قرار گیرد هر چند این وادی بسیار گسترده است اما در این مختصر، تنها به ترجمه روایتی که مصباح الشریعه از امام صادق علیه السلام نقل کرده است با توضیحی کوتاه می‌پردازیم و تفصیل بحث را به مجال دیگری موکول می‌کنیم:

قبل از عزیمت - آمادگی و انقطاع

امام صادق علیه السلام با اشاره به این مرحله؛ یعنی آمادگی و انقطاع، می‌فرماید:

ص: ۱۲۸

«إِذَا أَرَدْتَ الْحَجَّ فَجَرِّدْ قَلْبَكَ لِلَّهِ تَعَالَى مِنْ كُلِّ شَاغِلٍ وَحِجَابٍ، وَفَوِّضْ أُمُورَكَ إِلَى خَالِقِهَا، وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ فِي جَمِيعِ حَرَكَاتِكَ وَ سَكِّنَاتِكَ، وَسَلِّمْ لِقَضَائِهِ وَحُكْمِهِ وَقَدْرِهِ، وَدَعْ الدُّنْيَا وَالرَّاحِيَةَ وَالْخَلْقَ، وَاخْرُجْ مِنْ حُقُوقِ تَلَزُّمِكَ مِنْ جِهَةِ الْمَخْلُوقِينَ، وَلَا تَعْتَمِدْ عَلَى زَادِكَ وَرَاحِلَتِكَ وَأَصْحَابِكَ وَقُوَّتِكَ وَشَبَابِكَ وَمَالِكَ، مَخَافَةَ أَنْ يَصِيرَ ذَلِكَ عَدُوًّا وَوَبَالًا، فَإِنَّ مَنْ ادَّعَى رِضَى اللَّهِ وَاعْتَمَدَ عَلَى مَا سِوَاهُ، صَيَّرَهُ عَلَيْهِ وَوَبَالًا وَعَدُوًّا، لِيَعْلَمَ أَنَّهُ لَيْسَ لَهُ قُوَّةٌ وَلَا حِيلَةٌ وَلَا لِأَحَدٍ إِلَّا بِعِزِّهِ مِنَ اللَّهِ وَتَوْفِيقِهِ، فَاسْتَعِدَّ اسْتِعْدَادَ مَنْ لَا يَرْجُو الرُّجُوعَ».

«هرگاه اراده حج کردی، قبل از عزیمت، قلب خویش را از مشاغل و موانع تهی ساز و برای خدای بزرگ خالص گردان. همه امور را به آفریدگارت واگذار و در تمام حرکات و سکنتات به او توکل نما و تسلیم حکم و قضا و قدر الهی باش. دنیا و راحت و خلق را رها ساز و در ادای حقوق واجب مردم بکوش.

بر زاد و راحلهات و یاران و همسفران و قدرت و ثروت و جوانی ات تکیه مکن. چه، بیم آن است که

ص: ۱۲۹

اینها دشمن و وبال تو گردند تا معلوم شود که برای او و برای هیچ کس توان و چاره‌ای جز در پناه خداوند متعال و توفیق او نیست و بدانگونه آمادگی پیدا کن که گویی امید بازگشت نداری.»

نکته اساسی سخن امام علیه السلام توجه به روح حج است. حج یعنی قصد. زائر قصد خدا می‌کند نه چیز دیگر که هر چه جز او قصد کند شرک است.

آن که با ما سر سودا سپرد نیست لایق که دگر جا نگرد

هست آیین دو بینی ز هوس قبله عشق یکی باشد و بس

قرب خدا مکانی و زمانی نیست، قرب معنوی، شأنی و عرفانی است و این مستلزم فنای در حق و رهایی از قید خودی است.

قرب نی بالا و پستی جستن است قرب حق از قید هستی رستن است

هر چند میان بنده و خدا حائلی وجود ندارد اما تقرب به او عقبه‌ها دارد و طی منازل را می‌طلبد:

ص: ۱۳۰

بعد مسافت اگر چه در ره او نیست تا سر کوشش هزار مرحله باشد

نی ز ملک جو نشان و نی ز فلک پوی راه بسویش نفوس کامله باشد

شرط تقرب به خدا، بیداری، تفکر، تذکر، مراقبه، محاسبه و مجاهده است تا نفس کامل شود و با کمال مطلق سنخیت پیدا کند. حج سفر از «خلق الی الحق» است یعنی خلق را پشت سرافکندن. خانه، خانواده، تجارت و مال، عنوان و مقام و همه تعلقات را رها کردن و حتی از خود و جوانی و توان جسمانی و روحی قطع نظر کردن و عجب و کبر و شهوت و غضب را زیر پا نهادن. چون قصد خدا کرده‌ای، باید ابراهیم‌وار از زن و فرزند و مال و جان بگذری تا ابراهیمی شوی و چون اسماعیل در کویر انقطاع، پای بر زمین بسایی تا از زمزم فیض و عرفان سیراب گردی و چون هاجر آسیمه سر و برهنه پای در سنگلاخ حیرت و انقطاع از این سو بدان سوی، اشگبار و بی‌قرار، دوان دوان راه پویی و به خدا التجا کنی تا فیض رحمانی چاره‌سازت شود و در دامن مهرش جای گیری. باری این سفر شبیه سفر آخرت است و احرام بر گرفتن

ص: ۱۳۱

رمز لباس آخرت پوشیدن. و بدینسان باید از عهده حقوق خلق و خالق بدر آیی که شاید مجالی دیگر نباشد. حج وفود و ورود به محضر خداست- هر چند همه عالم محضر خداست- اما حج میعاد است برای عاشقان کویش و شیفتگان وصلش.

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام می‌فرماید:

«عِلَّةُ الْحَجِّ الْوَفَادَةُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ» (۱)

ای زائر گرامی! توجه داشته باش به کجا می‌روی، و عظمت صاحبخانه را بیاد آور و این افتخاری را که به تو داده است شاکر باش و ادب را در حضور رب‌العالمین نگهدار.

احرام

نخستین واجب از مناسک حج و عمره محرم شدن در میقات است که بطور معمول با غسل مستحبی انجام می‌شود و بیرون شدن از لباس معمولی یعنی لباس تشخص و تعیین ملی و نشان‌دار، و پوشیدن دو قطعه پارچه ساده بی‌نام و نشان با نیت و تلبیه، مانند همه زائران. این صورت احرام است، اما راز معنوی و باطن آن را از امام

ص: ۱۳۲

صادق علیه السلام بشنویم:

«تُمْ اغْتَسِلُ بِمَاءِ التَّوْبَةِ الْخَالِصَةِ مِنَ الذُّنُوبِ، وَالْبَسِ كَسْوَةَ الصِّدْقِ وَالصَّفَاءِ وَالْخُضُوعِ وَالْخُشُوعِ، وَأَحْرِمِ عَنْ كُلِّ شَيْءٍ يَمْنَعُكَ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَيَحْجُبُكَ عَنْ طَاعَتِهِ».

«آنگاه با آب توبه خالصانه از گناهان غسل کن و جامه صدق و صفا بپوش و از آنچه مانع ذکر خداوند بزرگ است و تو را از طاعت او محجوب می‌گرداند، احرام بند.»

امام در این سخن اشاره می‌فرماید که غسل تنها شستشوی تن و احرام فقط پوشیدن جامه مخصوص نیست که این آسان است، بلکه راز معنوی غسل، پیرایش درون و تصفیه قلب و روان از گناهی است که نفس را تیره می‌سازد و حجاب چهره جان می‌شود و این به توبه خالص و انابه به خدا و پشیمانی از معاصی و تصمیم بر ترک گناه در آینده محقق می‌شود و ریاضت و مجاهده می‌خواهد. ز منجلا ب هوس گر برون نهی قدمی نزول در حرم کبریا توانی کرد

ص: ۱۳۳

اگر به آب ریاضت برآوری غسلی همه کدورت دل را صفا توانی کرد
اگر ز هستی خود بگذری یقین می‌دان که عرش و فرش و فلک زیر پا توانی کرد
و زائر در این لحظه‌ها باید صدق و صفا و خضوع و خشوع را در درون تمرین کند. و چون احرام به مثابه تکبیرة الا-احرام در نماز
است، مانند نمازگزار باید از همه چیز رخ برتابد و تنها متوجه خدا شود و آنچه بر او حرام است را مرتکب نشود و خانه دل را که
حریم خلوت اوست، از اغیار تهی گرداند.

تلبیه

احرام با تلبیه محقق می‌شود:

«لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ».

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«وَلَبَّ، بِمَعْنَى إِجَابَةِ صَادِقِهِ صَافِيَةٍ خَالِصَةٍ زَاكِيَةٍ لِلَّهِ سُبْحَانَهُ فِي دَعْوَتِكَ مُتَمَسِّكًا بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى».

ص: ۱۳۴

«لیک بگو، بدین معنا که خداوند بزرگ را در دعوتی که فرموده است اجابت نموده و با صفا و اخلاص و بدون غل و غش پاسخ دهی و به رشته استوار او چنگ زنی.»

کسی که خدا را نه تنها به زبان بل با تمام وجود و درون و برون پاسخ داده، در همه چیز و همه حال تسلیم حق تعالی خواهد بود و حلال و حرام خدا را تسلیم خواهد گشت و رشته استوار ایمان را از دست نخواهد داد و هرگاه محرم این خانه و همراز با صاحبخانه شد سروش حق را به گوش جان خواهد شنید و به گفته حافظ:

تا نگردي آشنا زين پرده رازی نشنوی گوش نامحرم نباشد جای پیغام و سروش

زائر گرامی! می‌دانی که امامان و اولیای خدا در این لحظه‌ها چه حالت معنوی و جذبه عرفانی داشتند؟ سعید بن مسیب گوید: ندیدم حال کسی را همانند حالت زین العابدین علیه السلام آنگاه که می‌خواست تلبیه بگوید؛ هنگام لبیک گفتن بدنش می‌لرزید و زبانش می‌گرفت و اشک می‌ریخت. پرسیدند: این چه حالتی است؟ فرمود: می‌ترسم خداوند بگوید:

«لا لبیک»

یعنی: نه، واقعاً تو پاسخ

ص: ۱۳۵

نداده‌ای. از این نکته‌ها درس بگیریم و حالت یک زائر واقعی را پیدا کنیم.

طواف

کعبه آن سنگ نشانی است که ره گم نشود حاجی احرام دگر بند بین یار کجاست
هفت شوط طواف بر گرد کعبه، دومین واجب از مناسک عمره و یکی از مناسک حج است اما حقیقت طواف همسویی است با
جهان هستی از ملک تا ملکوت و بر محور توحید همچون پرگار گردیدن و حیات و ممات و مناسک و عبادات را برای خدا خالص
کردن و هماهنگ شدن با فرشتگان خدا که لحظه‌ای از اطاعت حق غافل و فارغ نیستند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«وَطُفَّ بِقَلْبِكَ مَعَ الْمَلَائِكَةِ حَوْلَ الْعَرْشِ كَطَوَافِكَ مَعَ الْمُسْلِمِينَ بِنَفْسِكَ حَوْلَ الْبَيْتِ».

«همانگونه که با دیگر زائران در طواف کعبه‌ای با قلب خود همپای فرشتگان که پیرامون عرش در طوافند، طواف کن.»

ص: ۱۳۶

و زائر با الهام از این راز معنوی از فرش به عرش و از ملک به سوی ملکوت روی می‌نهد و همراه با فرشتگان دایره‌ای را که نقطه آغاز و پایانش خداست می‌پیماید تا فرشته‌خوی شود و صفات حیوانی از وجودش رخت بربندد. این طواف به قلب است که قبله گاهش جز در دل نیست. چنانکه در حدیث قدسی آمده است:

«لَا يَسْعَنِي أَرْضِي وَلَا سَمَائِي وَلَكِنْ يَسْعَنِي قَلْبُ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ».

«آسمان و زمین گنجایش مرا ندارد اما دل بنده مؤمن من ظرفیت مرا دارد.»

و امام صادق علیه السلام در بخش دیگری از حدیث مصباح با اشاره به طواف و استلام حجر می‌فرماید:

«به نشانه تعظیم صاحبخانه و معرفت جلال و سلطنت او برهنه پای، خانه را زیارت کن و حجرالاسود را با رمز رضا و تسلیم و خضوع استلام (لمس) نما.»

پس ای زائر گرامی! از این تشریف و تکریمی که خدا برای تو قائل شده، غافل مشو و خود را برای چنین لحظه‌هایی آماده ساز.

ص: ۱۳۷

به آب توبه از زمزم وضو کن به چشم دل به صاحب‌خانه رو کن
مواظب باش اینجا کوی یار است ز شوقش جان و دلها بی‌قرار است
چو پروانه به گرد شمع جانان به گاه طوف بگذر از سر و جان
بخواه از قاضی‌الحاجات حاجات برون آور ز دل دست مناجات

در اینجا مناسب است از مناجات امام سجاد علیه السلام در طواف کعبه یاد کنیم.

طاؤس یمانی گوید شبی بر گرد خانه کعبه طواف می‌کردم، حضرت زین‌العابدین علیه السلام را در حال طواف دیدم و آنگاه که
پرده خانه را گرفته بود و این اشعار را می‌خواند:

يَا مَنْ يُجِيبُ دُعَا الْمُضْطَرِّ فِي الظُّلْمِ يَا كَاشِفَ الضُّرِّ وَالبُلُوِي مَعَ السَّقَمِ
قَدْ نَامَ وَفَدَكَ حَوْلَ البَيْتِ قَاطِبَةً وَأَنْتَ وَحَدَكَ يَا قَيُّوْمَ لَمْ تَنَمْ
أَدْعُوكَ رَبِّ دُعَاءَ قَدِ أَمَرْتَ بِهِ فَارْحَمْ بُكَائِي بِحَقِّ البَيْتِ وَالحَرَمِ

ص: ۱۳۸

إِنْ كَانَ عَفْوُكَ لَا يَرْجُوهُ دُو سَرْفٍ فَمَنْ يَجُودُ عَلَى الْعَاصِينَ بِالنِّعَمِ (۱)

«ای کسی که دعای بیچارگان را در تاریکی شب اجابت می‌کنی. ای آن که پریشانی و مصیبت و درمندی را درمان می‌کنی.»
 «مهمان‌هایت پیرامون خانه‌ات خفته‌اند و تنها توئی، ای خداوند قیوم که به خواب نمی‌روی.»
 «ای پروردگار تو را می‌خوانم چنان که فرمان داده‌ای، پس بحق خانه و حرم بر گریه‌هایم ترحم کن.»
 «اگر به عفو تو گنهکار امید گذشت نداشته باشد، پس چه کسی است که به گنه‌کاران، نعمت ارزانی می‌دارد.»

صفا و مروه

زائر پس از طواف و نماز طواف، به کوه صفا می‌رود و از آنجا تا مروه را سعی می‌کند و باز به صفا برمی‌گردد تا هفت شوط و سعی را به مروه به پایان برد.
 پیمودن صفا و مروه تأسی به هاجر است آنگاه که تنها و سرگردان و تشنه‌کام در طلب آب بود تا جرعه آبی بیابد و

۱- مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۳۵۳.

ص: ۱۳۹

کودک تشنه‌اش را از مرگ برهاند و چون در مانده و بیچاره شد با نومی‌دی برگشت و جوشیدن آب زمزم را مشاهده کرد. توقف بر صفا و خواندن دعا مستحب است. امام صادق علیه السلام با توجه به واژه «صفا»، به تصفیه روح اشاره فرموده که در کلام حضرتش می‌خوانیم:

«وَصَفِّ رُوحَكَ وَسِتْرَكَ لِلِقَاءِ اللَّهِ تَعَالَى يَوْمَ تَلْقَاهُ بِقُوفِكَ عَلَى الصِّفَا، وَكُنْ ذَا مَرْوَةَ مِنَ اللَّهِ تَقِيًّا أَوْ صَافِكَ عِنْدَ الْمَرْوَةِ (۱) وَاسْتَقِمْ عَلَى شُرُوطِ حَجِّكَ وَوَفَاءِ عَهْدِكَ الَّذِي عَاهَدْتَ رَبَّكَ وَأَوْجِبْتَهُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

«با توقف بر صفا، روح و ضمیرت را برای دیدار خدا در قیامت تصفیه کن و با رسیدن به مروه، مروت و جوانمردی را برای خداوند پیش گیر و صفات بد خویش را اصلاح کن و بر شرایط حج خود و عهدی که با خداوند بسته‌ای و بدان گردن نهاده‌ای، تا قیامت ثابت و استوار باش.»

۱- در مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۱۷۳ این قسمت بدینگونه است: «وَ كُنْ بِمَرَأَى مِنَ اللَّهِ تَقِيًّا عِنْدَ الْمَرْوَةِ»؛ «آنگونه باش که چون به مروه رسی خدا تو را پاک و پاکیزه ببیند.»

ص: ۱۴۰

امام در این جا به زدودن آئینه جان از گرد و غبار معاصی برای لقاءالله در قیامت توصیه فرموده و به مروت و جوانمردی در پایبندی به عهد و میثاق الهی در مروه هشدار داده‌اند و این روح حاکم بر حج است که در هر یک از اعمال به چشم می‌خورد. همچنین به هروله اشاره فرموده و آن را رمزی از گریختن از معاصی دانسته‌اند و زیر پا نهادن غرور و قدرت که آدمی را از خدا غافل می‌سازد؛ «وَهَزُولٌ هَزْوَلَةٌ هَرَبًا مِنْ هَوَاكُ وَتَبْرِيًّا مِنْ جَمِيعِ حَوْلِكَ، وَقُوَّتِكَ».

منا

زائر آنگاه که عزم حج تمتع دارد، روز هشتم از مکه محرم می‌شود و آهنگ عرفات می‌کند که از ظهر روز عرفه تا غروب، قصد وقوف کند و سپس عازم مشعر شده و بین الطلوعین را در مزدلفه وقوف نماید و آنگاه برای اعمال روز دهم، یازدهم و دوازدهم سوی منا رهسپار گردد.

امام صادق علیه السلام در حدیث مصباح اشاراتی به این مواقف و فلسفه مناسک آن دارد. نخست به خروج از مکه به منا اشاره فرموده که مقصود شب نهم است و مستحب است در

ص: ۱۴۱

منا باشد و آنگاه عزم عرفات کند (۱) که بیشتر حاجیان بدلیل ازدحام جمعیت و مشکل تردد، از مکه محرم شده، مستقیماً عازم عرفات می‌شوند. در هر حال امام علیه السلام با اشاره به منا می‌فرماید:

«وَأَخْرَجَ مِنْ غَفْلَتِكَ وَزَلَّاتِكَ بِخُرُوجِكَ إِلَيَّ مِنْي، وَلَا تَتَمَنَّ مَا لَا يَحِلُّ لَكَ وَلَا تَسْتَحِقُّهُ».

«و چون رهسپار منا شدی، از غفلت‌ها و لغزش‌هایت بیرون شو و آنچه را که برای تو حلال نیست یا استحقاق آن را نداری آرزو مکن.»

«منا» به معنای آرزوست، آرزوی چه؟ در این سرزمین خشک و میان کوه‌های داغ و سوخته، زائر به تمنای چه می‌رود؟ این چه ایده و آرزویی است که برای وصل آن باید از شهر و دیار و حتی؛ مکه معظمه، آواره شوی؟ گویی خدا را رحمت‌ها و فیوضاتی است که در کویر انقطاع و بیابان لم یزرع و در سختی و تشنگی و گرمای سوزان باید جست. زائر امیدوار از خدا جز خدا نمی‌خواهد، آن گونه که ابراهیم از همه چیز و حتی اسماعیلش گذشت و در آن ابتلای عظیم به مقام خُلت رسید و «خلیل الله» شد. و فدیة

ص: ۱۴۲

آسمانیش دادند و امامت خلق را بدو سپردند. پس ای عزیز اگر خواهی حقیقت بندگی را دریابی، در این سرزمین به تمنای چیزی باش که ابراهیم تمنا کرد و آن عبارت بود از:

بریدن از همه تعلقات و رضا و تسلیم در برابر خدا و امتثال فرمان او، بدون چون و چرا.
در درون ما نمی‌گنجد بغیر از دوست کس هر دو عالم را به دشمن ده که ما را دوست بس

عرفات

عرفات دشت پهناوری است که روز نهم ذی‌حجه تمامی حاجیان را در خود جای می‌دهد. این سرزمین مقدس، در اعماق تاریخ خاطره‌ها دارد. آدم ابوالبشر در این جا به خطا و ترک اولی اعتراف می‌کند و خدایش مشمول آمرزش قرار می‌دهد و غروب آن روز مشمول رحمت الهی واقع می‌شود. (۱) ابراهیم خلیل، در عرفات به مناسک حج واقف و عارف می‌گردد و دعایش مستجاب می‌شود. (۲) خداوند این روز و

۱- بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۲۵۲

۲- بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۱۰۸؛ علل الشرائع، ص ۴۳۶

ص: ۱۴۳

این سرزمین را شرف و عزّت بخشید. به فرموده امام باقر علیه السلام:
 «مَا مِنْ بَرٍّ وَلَا فَاجِرٍ يَقِفُ بِجِبَالِ عَرَفَاتٍ فَيَدْعُو اللَّهَ إِلَّا اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُ، أَمَّا الْبُرُّ فَفِي حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَمَّا الْفَاجِرُ فَفِي أَمْرِ الدُّنْيَا».

(۱)

«کسی بر کوه‌های عرفات وقوف نمی‌کند مگر آن که دعایش مستجاب می‌گردد؛ اگر نیکوکار است، حوائج دنیا و آخرتش برآورده شود و اگر بدکار است، تنها حوائج دنیایش برآورده شود.»

امام سجاد علیه السلام گروهی را دیدند که دست سؤال پیش مردم دراز می‌کردند، به آنان فرمودند:

«وای بر شما در چنین روزی از مردم حاجت می‌خواهید؟! این روز روزی است که امید می‌رود رحمت الهی شامل کودکانی باشد

که در رحم مادرانند و آنها سعادتمند گردند.» (۲)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«خداوند را در آسمان دری است که از آن به رحمت، توبه، تفضّل، احسان، جود، کرم، عفو،

۱- بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۲۵۱

۲- همان، ص ۲۵۲

ص: ۱۴۴

طلب حاجات، و ... یاد می‌شود و روز عرفه در عرفات این در گشوده است.» (۱)

آری، عرفه و عرفات بهترین موقعیت برای دعا، استغفار و طلب حاجات است. عرفه از اعیاد بزرگ برای زائران و برای همه مؤمنان و روز آمرزش و اعتراف است.

امام صادق علیه السلام در حدیث مصباح الشریعه این مطلب را خاطر نشان ساخته‌اند:

«وَاعْتَرِفْ بِالْخَطَايَا بِعَرَفَاتٍ وَجَدُّدُ عَهْدِكَ عِنْدَ اللَّهِ بِوَحْدَانِيَّتِهِ»؛

«در عرفات به خطا اعتراف کن و به تجدید عهد خود با خدای یگانه پرداز.»

زائر گرامی! در این روز دعای عرفه امام حسین و امام سجاد علیهما السلام و سایر ادعیه و اذکار را بخوان و به هر زبان و بیان که می‌توانی با خداوند راز و نیاز نموده، در حق دیگران دعا کن تا فرشتگان در حق تو دعا کنند. عرفه یک روز است به فضیلت شب قدر، این روز را گرامی دار و لحظه‌هایش را غنیمت شمار که غروب آفتاب این روز بزودی می‌رسد و چادرها برچیده می‌شود و خاطره‌اش برای تو می‌ماند.

ص: ۱۴۵

زنهار که دست خالی بر گردی و آنجا بار گناه را زمین نهاده و عرفانت را افزون نساخته باشی.

مشعر

بخشی از شب عید قربان را زائر در مشعر است و قوف بین الطلوعین در مشعر، رکن حج است. این صبحگاه عید اضحی را مغتنم شمار و از لحظه‌هایش بهره گیر که ساعتی بیش نیست. از خدا عیدی بخواه و بهترین عیدی آمرزش گناهان و قضای حوائج است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«وَتَقَرَّبَ إِلَيْهِ وَآتَقَهُ بِمُزْدَلِفَةَ، وَأَصْعَدَ بِرُوحِكَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى بِصُؤْدِكَ إِلَى الْجَبَلِ»؛

«در مزدلفه (مشعر) بدو تقرب جوی و تقوای الهی پیش گیر و با صعود بر کوه (رحمت) روح خود را به ملاً اعلی متصل گردان.»

عید قربان

روز عید قربان زائر سه عمل دارد؛ «رمی جمره عقبه»، «قربانی» و «حلق» که هر یک احکامی دارد و اسراری. امام صادق علیه السلام نخست به قربانی اشاره فرموده‌اند که:

ص: ۱۴۶

«وَأَذْبِحْ حَنْجِرَةَ الْهَوَى وَالطَّمَعِ عِنْدَ الذَّبِيحَةِ»؛

«با قربانی کردن، حلقوم هوا و طمع را ذبح کن و از خود دور گردان.»

ای زائر بیت الله، توجه کن که ابراهیم فرزند عزیزش اسماعیل را در مسلخ عشق به خاک افکند تا به امر خدا ذبح کند اما اراده ایزدی حقیقتاً به این امر تعلق نگرفته بود با این حال خلیل خدا در کار خود مصمم بود و اندک تردیدی در انجام فرمان حق به خود راه نداد و نیز اسماعیل از پدر خواست که فرمان خدا را در ذبح او اجرا کند و این پدر و پسر که خاطره‌شان در حج روح توحید و فنا و رضا را متبلور می‌سازد، به انسان‌ها آموختند که در برابر اراده خداوندی چگونه باید تسلیم شد. و زائر به منا و قربانگاه که می‌رسد، یاد این خاطره را تجدید می‌کند و به نشانه تسلیم و رضا و اطاعت بی‌قید و شرط قربانی می‌کند، اما حقیقت قربانی کشتن هوای نفس و آز و طمع و تعلقاتی است که آدمی را از حریم دوست دور می‌سازد.

رمی جمره

رمی؛ یعنی سنگ زدن به شیطان، یک عمل رمزی است که به انسان می‌آموزد که همچون ابراهیم و اسماعیل

ص: ۱۴۷

باید شیطان‌های مرئی و نامرئی را رمی کنی و نگذاری آنها سد راه تو به سوی خدا باشند، چه، ابلیس سوگند یاد کرده که بر سر راه بنی آدم دام بگسترد و آنان را فریب دهد و زائر اینجا می‌آید که دام ابلیس را از سر راه بردارد و ابلیس صفتان را زیر پای خود لگد کوب کند.

و نیز هواهای نفسانی را که عامل اسارت انسان در برابر شیاطین جن و انس است، طرد و رمی نماید و شیطانِ درون را از خود مأیوس سازد.

امام صادق علیه السلام بدین نکته اشاره می‌فرماید:

«وَأَزِمِ الشَّهَوَاتِ وَالْحَسَّاسَةَ وَالذَّنَائَةَ وَالذَّمِيمَةَ عِنْدَ رَمِي الْجِمَارِ؛

«هنگامی که جمرات را رمی می‌کنی، شهوات انسانی و بخل و دنائت و افعال نکوهیده را رمی کن.»

سر تراشیدن

از واجبات مناست که زائر موی سر را بتراشد و تسلیم امر الهی باشد و با ستردن موی سر عیوب ظاهر و باطن را از درون بزداید.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«با تراشیدن سر عیب‌های آشکار و پنهان را

ص: ۱۴۸

برطرف کن.»

سایر اعمال منابرت است از بیتوته به منا در شب یازدهم و دوازدهم و رمی جمرات سه گانه به علامت سرکوبی نهائی شیطان‌ها. و بدین ترتیب اعمال حج در منا پایان پذیرفته و زائر برای اعمال باقی مانده به مکه می آید و طواف، نماز طواف، سعی، طواف نساء، نماز طواف نساء را انجام می دهد و اعمال عمره و حج پایان می پذیرد.

در پایان حدیث مصباح از امام صادق علیه السلام به نکته دیگری که جاری در همه مناسک حج است، اشاره شده و آن توجه به آخرت است:

«بدان، خدای متعال حج را واجب نساخته و از میان همه طاعات بخود اختصاص نداده که فرموده:

وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ ...

و پیامبر صلی الله علیه و آله هیچ سنتی را در مناسک مقرر نفرموده، مگر آن که تذکار و اشارتی باشد به مرگ و قبر و برانگیخته شدن در قیامت و مشاهده مناسک حج، از آغاز تا پایان، ترسیمی است از حال اهل بهشت و اهل دوزخ که برای خردمندان درس آموز است.»

حج نموداری است از محشر و احرام رمز بی رنگی و بی نشانی و انقطاع از مال و تعین و خانه و شهر و دیار و

ص: ۱۴۹

سرگشتگی در بیابان‌ها، تنها توجه به خدا و بازگشت به خویش و خود را در آغوش مهر او دیدن و در او فانی شدن و بدو باقی گشتن؛

«فَنَاءٌ فِي اللَّهِ وَبَقَاءٌ بِاللَّهِ».

در خاتمه این مقال به غزلی زیبا از جامی، تمثیل جسته و سخن را به پایان می‌بریم. به کعبه رفتیم و آنجا هوای کوی تو کردم جمال کعبه تماشا به یاد روی تو کردم شعار کعبه چو دیدم سیاه دست تمنا دراز جانب شعر سیاه موی تو کردم چو حلقه در کعبه بصد نیاز گرفتم دعای حلقه گیسوی مشک بوی تو کردم نهاده خلق حرم سوی کعبه روی عبادت من از میان همه، روی دل به سوی تو کردم مرا به هیچ مقامی نبود غیر تو نامی طواف و سعی که کردم به جستجوی تو کردم به موقف عرفات ایستاده خلق دعا خوان من از دعا لب خود بسته گفتگوی تو کردم فتاده اهل منا در منا و مقاصد چو جامی از همه فارغ، من آرزوی تو کردم

اعمال مدینه منوره

اشاره

بر مسلمانان بویژه بر حجاج، مشرف شدن به زیارت فخر عالمیان حضرت سید المرسلین، محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و دختر گرامی آن حضرت و ائمه طاهرین علیهم السلام مستحب مؤکد است و چنانکه در روایات آمده، ترک زیارت آن حضرت جفا در حق رسول خدا صلی الله علیه و آله است. پیامبر اکرم فرمود:

«مَنْ حَجَّ وَلَمْ يَزُرْنِي فَقَدْ جَفَانِي» (۱).

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است:

«فَمَنْ زَارَنِي بَعْدَ وَفَاتِي فَكَأَنَّمَا زَارَنِي فِي حَيَاتِي وَمَنْ زَارَ فَاطِمَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَكَأَنَّمَا زَارَنِي» (۲).

«هر که مرا زیارت کند، بعد از فوت من، چنان است که مرا در حیاتم زیارت کرده باشد و هر کس فاطمه علیها السلام را زیارت کند گویی مرا زیارت کرده است.»

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۱۸۱

۲- همان، ص ۱۸۲

ص: ۱۵۱

و در فضیلت زیارت ائمه معصومین روایات بسیاری است از جمله:

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«مَنْ زَارَ وَاحِدًا مِنَّا كَانَ كَمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ». (۱)

«کسی که یکی از ما را زیارت کند مثل این است که پیامبر را زیارت کرده باشد.»

آداب زیارت

زیارت بزرگان و اولیای الهی آدابی دارد، که مراعات آنها از معرفت افراد سرچشمه می‌گیرد.

خود را در محضر رسول الله صلی الله علیه و آله دیدن و در برابر قبور پاک اولیای خدا ایستادن، هم آدابِ ظاهری دارد، هم آدابِ باطنی.

آنچه در منابع روایی و نوشتار علما درباره آداب زیارت آمده، بسیار است، و در این جا برخی از آن را می‌نگریم:

۱- قبل از تشریف به زیارتگاه، غسل کردن و با طهارت بودن و نیز مستحب است خواندن این دعا هنگام

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۱۸۴

ص: ۱۵۲

غسل زیارت:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ نُورًا وَطَهْرًا وَحِرْزًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ وَأَفَةٍ وَعَاهَةٍ، اللَّهُمَّ طَهِّرْ بِهِ قَلْبِي، وَأَشْرِخْ بِهِ صَدْرِي، وَسَهِّلْ لِي بِهِ امْرِي».

۲- لباس‌های پاکیزه پوشیدن و عطر و بوی خوش استعمال کردن.

۳- هنگام رفتن به زیارت، قدم‌های کوتاه برداشتن، با آرامش و وقار راه رفتن، با خضوع و خشوع آمدن، سر به زیر انداختن و به این طرف و آن طرف و بالا نگاه نکردن، و ترک کلمات بیهوده و مخاصمه و مجادله، تا رسیدن به حرم.

۴- هنگام رفتن به حرم و زیارت، زبان به تسبیح و حمد خدا گشودن، و صلوات بر محمد و آل او فرستادن، و دهان را با یاد خدا و نام اهل بیت معطر ساختن.

۵- بر درگاه حرم ایستادن، و دعا خواندن، و اجازه ورود خواستن، و سعی در تحصیل رقت قلب و خشوع دل نمودن، و مقام و عظمت صاحب قبر را توجه داشتن، و این که او ما را می‌بیند، سخن ما را می‌شنود، و سلام ما را پاسخ می‌دهد.

ص: ۱۵۳

هرگاه رقت قلب حاصل شد و آمادگی روحی پدید آمد، در این حال وارد شود، و زیارت نماید.

۶- در وقت داخل شدن، پای راست را مقدم داشتن و هنگام خروج از حرم پای چپ را، آن گونه که در ورود و خروج مسجد مستحب است.

۷- پس از زیارت، بی‌درنگ بیرون آمدن، تا هم شدت شوق برای رجوع به زیارت بیشتر شود و هم نوبت و فرصت برای دیگران باشد، و پرهیز از اختلاط با زنان در مشاهده مشرفه و رعایت حرمت و دوری از هر نوع خطا و گناه. هم چنین در صورت ازدحام و کثرت زوّار، رعایت حال آنان را کردن، و مکان و فرصت زیارت به آنان دادن.

۸- حضور قلب داشتن در تمام مراحل زیارت، و نیز توبه و استغفار و صدقه به نیازمندان و انفاق به مستحقان.

۹- هنگام زیارت، باید زمینه‌ای برای کمال روحی و رشد معنوی و تصفیه قلب انسان فراهم شود، تا زائر را در اخلاق و زندگی و عفاف و تقوا به اولیاء الله نزدیک سازد و وسیله‌ای برای توبه، تطهیر و تزکیه باطنی وی گردد. این جز با توفیق الهی و جز با داشتن «معرفت» و «محبت» نسبت به این بزرگواران، فراهم نمی‌شود. اساس ارزش زیارت هم به معرفت است.

فلسفه زیارت و توسل

یکی از مسائل مهم در باب زیارت، استمداد از ارواح پاک اولیای الهی در حال «مات» آنها است، خواه به صورت درخواست دعا باشد یا به صورت کار خارق‌العاده.

با توجه به چهار مطلب ذیل بدین مسأله خواهیم رسید، که درخواست از پیامبر و امام در حال مات آنها نیز با حال حیاتشان تفاوتی ندارد.

الف: بقای روح و روان انسان پس از مرگ.

ب: واقعیت انسان همان روح و روان اوست.

ج: ارتباط با جهان ارواح امکان پذیر می‌باشد.

د: احادیث صحیحی که محدثان اسلامی نقل کرده‌اند، شاهدی گویا بر صحت و استواری چنین استمدادهایی است، و پیوسته روش مسلمانان در تمام اعصار این چنین بوده است و از زیارت و توسلات بهره‌ها گرفته و آثار عملی آن را دیده‌اند.

مسلمانان، با تمام اختلافهایی که در فروع فقهی دارند، هر صبح و شام در تشهد نماز، پیامبر عظیم الشان خدا را مورد خطاب قرار داده و می‌گویند:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

ص: ۱۵۵

گر چه برخی این سلام را واجب و برخی مستحب می‌دانند، لیکن همگی اتفاق نظر دارند که پیامبر به مسلمانان چنین تعلیم داده است و سنت پیامبر در حال حیات و ممات او باقی است.

اگر به راستی، ارتباط و پیوند با پیامبر صلی الله علیه و آله وجود نداشت، پس یک چنین سلام، آنهم به صورت خطاب، چه معنایی دارد؟

قرآن مجید در موارد زیادی بر پیامبران سلام و درود فرستاده است و هرگز این سلام‌ها و درودها بی معنا نیست، آنجا که می‌فرماید:

سَلَامٌ عَلَىٰ نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ

سَلَامٌ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ

سَلَامٌ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ (۱)

و آیات بسیاری از قرآن، به روشنی بقای ارواح را پس از جدایی از بدن گواهی می‌دهند، از جمله آیات ۱۴۵ بقره و ۱۶۹ آل عمران و ۲۷ یس.

قرآن مرگ را فنای انسانیت و پایان زندگی بشر نمی‌داند، بلکه برای «شهیدان و صالحان» و همچنین

۱- سوره صافات، آیه‌های ۷۹ و ۱۰۹ و ۱۲۰

ص: ۱۵۶

«جنایتکاران» حیاتی پیش از فرا رسیدن روز رستاخیز (در عالم برزخ) معتقد است، حیاتی همراه با فرح و شادی یا همراه با عذاب دردناک.

هرگاه واقعیت انسان همان بدن عنصری او باشد، شکی نیست که بدن پس از چند صباحی متلاشی شده و به عناصر گوناگون تبدیل می‌شود، در این صورت بقای انسان یا حیات برزخی نامفهوم خواهد بود.

حال ببینیم آیا ارتباط انسانها با ارواح گذشتگان امکان دارد یا خیر.

برای اثبات این مطلب به قرآن برمی‌گردیم، آیاتی چند از کتاب الهی گواهی می‌دهند که ارتباط بشر با گذشتگان امکان پذیر است؛ از جمله:

۱- سخن گفتن صالح با ارواح قوم خویش، آیه ۷۹ سوره اعراف.

۲- سخن گفتن شعیب با ارواح گذشتگان، آیه ۹۳ سوره اعراف، که به قولی بعد از هلاکت آنها بوده است.

۳- سخن گفتن پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با ارواح انبیا، آیه ۴۵ سوره زخرف.

وَاسْأَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا

بنابراین، اولیای الهی می‌توانند سخنان ما را دریافت کنند و به اذن الهی پاسخ بگویند.

ص: ۱۵۷

رائج در میان مسلمانان به هنگام توسل به ارواح مقدسه همان درخواست دعا و این که روح مقدس پیامبر یا امام از خداوند بخواهد که خدا گناه او را ببخشد، و حاجت دنیوی یا اخروی او را برآورده کند.

چنین درخواستهایی هرگز به معنای عبادت ارواح مقدسه و پرستش آنها نیست، زیرا درخواست کننده، نه به «الوهیت» آنها معتقد است نه به «ربوبیتشان» و نه آنها را خدا می‌داند، و نه کارگزاران جهان آفرینش و یا بخشی از آن و نه معتقد است که بخشی از افعال خداوند به آنها واگذار شده است، بلکه آنان را بندگان پاک و فرمانبر درگاه خدا می‌داند که در زندگی دنیوی کوچکترین خلافی را مرتکب نشده‌اند، و برآورنده حاجت، خود خداست و در حقیقت توجه به اسباب توجه به «مسبب الاسباب» می‌باشد. متوسلان با معرفت، برای این اسباب و وسائل، نه اصالتی قائلند و نه استقلال، بلکه آنان را وسیله‌ای می‌دانند که خدای سبب ساز، آنها را مجرای فیض و طریق وصول رحمت خود قرار داده و خود نیز مؤمنان را به تحصیل آن، امر نموده است، آنجا که می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي

ص: ۱۵۸

سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۱)

اگر نماز و روزه و کتیه فرائض الهی وسیله است، همچنین دعای پاک انبیا و اولیا نیز وسیله است و توجه به این وسایل در عین توجه به آفریننده وسیله است و عمل به دستوری است که در آیه یاد شده وارد شده است.

کسانی که با تاریخ زندگانی پیامبر گرامی آشنایی داشته باشند می‌دانند که یاران آن حضرت پیوسته در تبرک با آب وضوی پیامبر، به یکدیگر سبقت می‌جستند و در این مورد کافی است که به «صحیحین» (صحیح بخاری و صحیح مسلم) که اصح صحاح شش‌گانه در نظر عامه به شمار می‌روند مراجعه مختصری بشود. اینک مواردی را به عنوان نمونه یاد آور می‌شویم:

۱- بخاری در سرگذشت «صلح حدیبیه» آورده است:

هرگاه پیامبر وضو می‌گرفت، یاران او برای ربودن قطرات آب وضوی آن حضرت، بر یکدیگر سبقت می‌گرفتند. (۲) ۲- و نیز در «باب خاتم نبوت» از سائب بن یزید نقل می‌کند که می‌گفت: خاله‌ام مرا خدمت پیامبر برد و گفت:

فرزند خواهرم بیمار است، پیامبر وضو گرفت و از خدا

۱- مائده: ۳۵

۲- صحیح بخاری، ج ۳، ص ۲۵۵

ص: ۱۵۹

برای من برکت خواست، من از آب وضوی پیامبر نوشیدم. (۱) ۳- و در باب «صفات پیامبر» از «وهب بن عبدالله» نقل کرده است که مردم دستهای پیامبر را به صورت خویش می کشیدند و من نیز دست آن حضرت را گرفته و به صورت خود کشیدم و دست او خوشبوتر از مشک بود. (۲) ۴- همچنین در باب «صفات پیامبر» نقل می کند: پیامبر در «ابطح» میان خیمه‌ای بود، بلال از خیمه بیرون آمد و مردم را به نماز دعوت کرد باز به درون خیمه رفت و بازمانده آب وضوی پیامبر را بیرون آورد و مردم هجوم آوردند و آب را گرفته و تبرک می جستند. (۳) ۵- مسلم در «صحیح» از انس نقل می کند که: پیامبر سر خود را می تراشید و یاران او در اطراف او بودند و هر تاری از موی آن حضرت در دست یکی از آنان بود. (۴) اینها نمونه‌هایی از علاقه صحابه به پیامبر صلی الله علیه و آله، و تبرک جویی آنان به آثار رسول خدا است و گردآوری

۱- صحیح بخاری، ج ۴، ص ۲۲۷، و صحیح مسلم باب خاتم النبوة.

۲- صحیح بخاری، ج ۴، ص ۲۲۶

۳- همان، ص ۲۳۱

۴- صحیح مسلم، ج ۴، کتاب فضائل الصحابه.

ص: ۱۶۰

این جریانه‌ها تألیف کتاب مستقلی را می‌طلبد. و اگر اینها خلاف نظر پیامبر صلی الله علیه و آله بود حتماً از آنها نهی می‌فرمودند در حالی که چنین چیزی در کتابی نقل نشده است. خوانندگان می‌توانند با مراجعه به صحیح بخاری در اواخر کتاب جهاد و همچنین در باب «زره، عصا، شمشیر، ظروف، مهر، انگشتر، مو و کفن» پیامبر صلی الله علیه و آله از نمونه‌های بارزی از این تبرکها آگاه شوند.

زیارت قبور

علما و دانشمندان اسلام، به پیروی از آیات و احادیث قرآن، زیارت قبور، مخصوصاً زیارت قبور پیامبران و صالحان را تجویز کرده و برای آن فضیلت و ثواب قائل شده‌اند. رسول گرامی ضمن حدیثی به این نکته اشاره می‌کند و می‌فرماید:

«زُورُوا الْقُبُورَ فَإِنَّهَا تُدَكِّرُكُمْ الْآخِرَةَ...» (۱)

«قبرها را زیارت کنید، زیرا زیارت آنها، موجب یادآوری سرای دیگر می‌گردد.»

و چنان که در احادیث آمده و محدثین اهل سنت نیز

۱- سنن ابن ماجه، ج ۱، ب ۴۷، ۱۵۶۹ باب ماجاء فی زیارة القبور.

ص: ۱۶۱

نقل کرده‌اند پیامبر گرامی، قبر مادر خود را زیارت می‌کرد و به مردم می‌فرمود: قبور را زیارت کنید، که آخرت را به یاد شما می‌آورد.

«زَارَ النَّبِيُّ قَبْرَ امِّهِ فَبَكَى وَابْكَى مِنْ حَوْلِهِ ...

إِسْتَأْذَنَتْهُ فِى أَنْ أَزُورَ قَبْرَهَا، فَأَذِنَ لِى، فَزُورُوا الْقُبُورَ فَإِنَّهَا تُدَكِّرُكُمْ الْمَوْتَ». (۱)

«پیامبر قبر مادر خود را زیارت کرد و در کنار قبر او گریست و کسانی را که دور او بودند گریاند، و فرمود: از خدایم اجازه گرفته‌ام که قبر مادرم را زیارت کنم، اجازه داد، شما نیز قبرها را زیارت کنید؛ زیرا زیارت آنها مرگ را به یاد شما می‌آورد.»
عایشه می‌گفت که رسول خدا زیارت قبور را رخصت دادند.

«إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ رَخَّصَ فِى زِيَارَةِ الْقُبُورِ». (۲)

و نیز می‌گوید: پیامبر کیفیت زیارت اهل قبور را به من

۱- صحیح مسلم، ج ۲، ب ۳۶ ح ۱۰۸ باب استئذان النبی ربّه عزّوجلّ فی زیارة قبر امّه؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ب ۴۸، ح ۱۵۷۲ نکته اینکه پیامبر از خدا اجازه گرفته است که قبر مادر خود را زیارت کند.

۲- صحیح ابن ماجه، ج ۱، ب ۴۷، ص ۱۵۷۰

ص: ۱۶۲

تعلیم فرمود. متن حدیث چنین است:

«فَأَمَرَنِي أَنْ آتِيَ الْبُقْعَةَ فَأَسْتَعْفِرَ لَهُمْ قُلْتُ: كَيْفَ أَقُولُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: قُولِي: السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ، يَرْحَمُ اللَّهُ الْمُسْتَفْدِينَ مِنَّا وَالْمُسْتَأْخِرِينَ وَإِنَّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ». (۱)

«پروردگارم دستور داد که به بقیع بیایم و برای آنها طلب آمرزش کنم، (عایشه) می گوید، گفتم من چه بگویم؟ فرمود: بگو سلام بر اهل این دیار از مؤمنان و مسلمانان، خدا گذشتگان و آیندگان ما را رحمت کند، ما به شما به خواست خدا ملحق می شویم.»
در احادیث دیگر وارد شده است که پیامبر اکرم با این جملات اهل قبور را زیارت و خطاب می کردند:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ دَارَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ، وَإِنَّا وَإِيَّاكُمْ مُتَوَاعِدُونَ عَمَدًا أَوْ مُوَاطِنِينَ وَإِنَّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ، أَللَّهُمَّ اغْفِرْ لِأَهْلِ بُقْعَةِ الْغَرْقَدِ».

(۲)

۱- سنن نسائی، ج ۳، ص ۷۰، ح ۲۰۳۷؛ صحیح مسلم، ج ۲، ب ۳۵، ح ۱۰۳ با تفاوت، باب ما يقال عند دخول القبور.

۲- سنن نسائی، ج ۴، ص ۷۰، ح ۲۰۳۹؛ ب الأمر باستغفار المؤمنین.

مسجد النبی صلی الله علیه و آله

مسجد پیغمبر که در قسمت شرقی مدینه بنا شده، پس از مسجدالحرام مشهورترین مسجد در تاریخ اسلام است و یکی از مسجدها است که به فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله باید به سوی آن کوچ کرد. این مسجد، مربعی است مستطیل که جز قسمت وسط از چهار سو، مسقف است و دارای پنج در می باشد: باب السلام و باب الرحمه در جهت مغرب، باب توسل یا باب مجیدی در جهت شمال، و باب النساء و باب جبرئیل در جهت شرق. در نوسازی اخیر که بر مساحت مسجد افزوده اند، شمار درها نیز بیشتر شده. در تاریخ بنای اولیه مسجد مورخین نوشته اند: هنگامی که رسول اکرم صلی الله علیه و آله از مکه به مدینه رسید و در خانه ابویوب انصاری منزل کرد، جایی را که شتر وی بر آن خفت- و در آن خرما می خشکاندند- از آن دو یتیم بود، پیغمبر آن زمین را از ولی آن دو طفل به ده دینار خریداری، و مسجد را در آن ساختند.

روضه نبوی

روضه مبارک نبوی جایگاه بسیار مقدسی است. پیامبر

ص: ۱۶۴

اکرم درباره آن فرمود: «میان منبر و خانه من باغی است از باغهای بهشت.» (۱) روضه نبوی مسافت میان قبر پیغمبر و منبر آن حضرت است. طول آن بیست و دو متر و عرض آن پانزده متر. در سمت غربی محراب مسجد، منبری است از سنگ مرمر در نهایت زیبایی که سلطان مراد سوم آن را در محرم سال ۹۹۸ هجری هدیه مسجد کرد.

ستون‌های مسجد نبوی

در مسجد نبوی ستون‌هایی است که هر یک نامی خاص دارد و یادآور واقعه‌ای است. اما آیا مکان این ستون‌ها همانست که در روزگاران پیشین یعنی دوره رسول صلی الله علیه و آله، صحابه و تابعین بوده است یا در نوسازی‌های مکرر جای آنها تغییر یافته است؟ شاید بتوان گفت با اهمیتی که گذشتگان به حفظ آثار متبرک داشتند جای ستون‌ها را محفوظ نگاهداشته‌اند. بهر حال ستون‌هایی که سمهودی در پایان دهه نهم و آغاز دهه دهم در کتاب خود «وفاء الوفا» نام می‌برد و در آن تاریخ مشهور بود، چنین است:

ص: ۱۶۵

ستون توبه؛ که آن را ستون ابولبابه نامند، درباره علت این نامگذاری گفته‌اند: پس از شکست بنو قریظه، یهودیان از ابولبابه پرسیدند: آیا به حکم محمد صلی الله علیه و آله گردن بنهیم؟ وی با دست اشاره به گلوی خود کرد؛ یعنی کشته خواهید شد و گفته‌اند گناه او تخلف از غزوه تبوک بود.

بهرحال ابولبابه چون دانست گناهی بزرگ کرده است، نزد رسول صلی الله علیه و آله نرفت و به مسجد شد و خود را به ستون بست تا آنکه آیه در پذیرفته شدن توبه او به رسول صلی الله علیه و آله نازل گردید. (۱) نماز و توبه در این مکان مطلوب است. ستونهای دیگری نیز به نام سریر، مَحْرَس، وُفُود و تهجد، مخلق و قرعه، وجود دارد.

۱- برای تفصیل بیشتر رجوع به وفاء الوفا باخبار دارالمصطفی، ج ۲، ص ۵۳-۴۳۹ شود.

ص: ۱۶۶

مساجد و اماکن مقدسه مدینه منوره**بقیع:**

قبرستان معروف و قدیمترین و شناخته‌ترین قبرستان در اسلام که هنوز حدود آن بر جای و نام آن بقیع غرقده است. طول آن یکصد و پنجاه متر و عرض آن یکصد متر است. (۱) بقیع درختان انبوه و غرقده درخت عوسج (سیاه توسکا) است. این قبرستان در ناحیه شرقی مدینه قرار دارد و محدود است از سوی شمال به شارع ملک عبدالعزیز و از شرق به شارع ملک فیصل و از جنوب به شارع امام علی و از غرب به شارع ابوذر. مزار چهار تن از پیشوایان و امامان معصوم، حضرت امام حسن مجتبی، امام علی بن حسین، امام محمد باقر و

۱- مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۴۲۵

ص: ۱۶۷

امام جعفر صادق علیهم السلام و نیز فاطمه بنت اسد و به قولی تربت مطهر حضرت زهرا علیها السلام در این قبرستان است. همچنین قبر عباس عموی پیغمبر و ام البنین و ابراهیم فرزند پیامبر و رقیه و ام کلثوم، و دختران رسول خدا و همسران آن حضرت و صفیه و عاتکه و بسیاری از بزرگان و صحابه کبار و تابعین و صلحا و اخیار و زاهدان و عابدان و شهدای اسلام در این قبرستان به خاک رفته‌اند.

اُحد:

دَرّه و کوهی که بدین نام شهرت دارد، در یک فرسنگی شمال مدینه است که اکنون به خاطر گسترش شهر، قسمت فراوانی از این فاصله را ساختمان‌ها پر کرده است.

اُحد از اماکن تاریخی اسلام است که برای مسلمانان حزن‌انگیز است. در این جا بود که دومین جنگ میان مسلمانان و مشرکان مکه در سال سوم هجرت رسول صلی الله علیه و آله در گرفت. هنگامی که به رسول خدا خبر دادند ابوسفیان با سپاهیانش به مدینه روی نهاده‌اند، حضرتش شورای جنگی تشکیل داد تا معلوم شود شهر باید صورت دفاع به خود بگیرد، یا سپاهیان برون روند و آماده کارزار گردند؟

نظر سالخوردگان این بود که شهر حالت دفاعی داشته

ص: ۱۶۸

باشد ولی جوانان که گرمی بیشتری داشتند گفتند به بیرون شهر می‌رویم و بر دشمنان حمله می‌بریم. حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله رأی آنان را پذیرفت. سلاح پوشیده و آماده حرکت شد، اما جوانان پشیمان شدند که چرا رأی خود را بر رسول خدا صلی الله علیه و آله تحمیل کردند. پس نزد حضرتش آمدند و گفتند ما از رأی خود باز گشتیم. رسول خدا که می‌دانست قاطعیت در تصمیم، شرط رهبری است و فرمانده نباید هر لحظه رأی خود را دگرگون کند، فرمود:

«برای پیغمبر سزاوار نیست هنگامی که لباس رزم پوشید، آن را از تن در آورد، مگر آنگاه که جنگ کند.»

سپاهیان مکه خود را به دُوَالْحُلَيْفَه رساندند و از آنجا به شمال یثرب رفتند و در کنار اُحُد توقف کردند. شمار سپاهیان اسلام یک هزار تن بود. پیش از شروع جنگ عبدالله بن ابی که سردسته منافقان بود، به عنوان اعتراض با سیصد تن از مردم خود برگشت و گفت: محمد از بچه‌ها! پیروی کرد و رأی مرا نادیده گرفت. مشهور است که آیه ۱۶۷ سوره آل عمران درباره او نازل شد.

با جدا شدن عبدالله و پیروان او از پیغمبر، تنها هفت صد تن باقی ماندند. رسول خدا صلی الله علیه و آله عبدالله بن جبیر را با چهل تن از تیراندازان مأموریت دادند که در شکاف کوه سنگر

ص: ۱۶۹

گیرند و جبهه را از آنجا حمایت کنند تا دشمن از پشت سر به مسلمانان حمله نکند و تأکید فرمود که حتی اگر جنگ به نفع ما تمام شود، شما سنگر را رها نکنید.

با نخستین حمله مسلمانان، سپاه مکه عقب نشست و سربازان اسلام به گردآوری غنیمت پرداختند. گروه تیراندازان هم برای آنکه از کسب غنیمت عقب نمانند موضع خود را رها کرد و هر چند عبدالله کوشید مانع آنان شود نپذیرفتند. همین که آنان مدخل دره را رها کردند سوار نظام دشمن به سرکردگی خالد بن ولید ناگهان بر سپاه اسلام حمله برد. مسلمانان شکست خوردند، و حمزه عموی رسول خدا صلی الله علیه و آله و نزدیک به هفتاد تن از مسلمانان شهید گردیدند. مزار حمزه سیدالشهدا و دیگر شهیدان در دامنه کوه قرار دارد. ولی با وسعت خانه‌سازی اطراف بیم آنست که این جایگاه مقدس و تاریخی به سرنوشت دیگر آثاری که از میان رفته است دچار شود.

مساجد مدینه**اشاره**

بجز مسجد نبوی، مسجدهای معروف دیگری در خارج و داخل شهر مدینه موجود است که مهمترین و

ص: ۱۷۰

مشهورترین آنها عبارتند از:

مسجد قبا

«قبا» دهکده‌ای بوده است که مقارن هجرت پیغمبر به مدینه، طایفه بنی عمرو بن عوف در آن سکونت داشتند بین آن دهکده و مدینه دو میل مسافت بود.

مسجدی که به نام قبا معروف است در این دهکده ساخته شده و بارها تجدید بنا گردیده است. در حال حاضر آن را نوسازی کرده‌اند. ومساحت آن به ۱۳۵۰۰ متر مربع می‌رسد.

گویند این نخستین مسجد در اسلام است و آن را صحابه پیامبر که از مکه به مدینه هجرت کردند و در این دهکده ساکن شدند ساختند، «مسجدی که بنیاد آن بر پرهیزکاری است» و قرآن بدان اشاره دارد

لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ (۱)

این مسجد است. و دسته‌ای دیگر گفته‌اند: آن آیات، درباره مسجد نبوی نازل شده است.

مسجد ذوقبلتین

مسجدی است در شمال غربی مدینه که به نام بنی سلمه معروف بوده است و در این مسجد در ماه شعبان سال دوم

ص: ۱۷۱

از هجرت هنگامی که پیغمبر نماز ظهر را می‌خواند آیه تغییر قبله (۱) بر آن حضرت نازل گشت و جبرئیل روی پیغمبر را در بین نماز از بیت‌المقدس به کعبه برگرداند. در این مسجد، به یادبود این تغییر، دو محراب به سوی قبله نخستین و قبله دوم ساخته بودند، لیکن در نوسازی اخیر قبله نخستین را برداشته‌اند.

مسجد جمعه

پس از مسجد قبا این مسجد از جهت تاریخی دوّمین مسجد است، و آن را مسجد وادی و مسجد عاتکه نیز نامند. این مسجد در باغی است که بستان شربتلی نام دارد. چون رسول صلی الله علیه و آله از قبا روانه مدینه شد، عتبّان بن مالک رئیس خاندان بنی عمرو بن عوف نزد آن حضرت آمد و گفت ای فرستاده خدا! شما چند روز در محل پسر عموهای ما بسر بردید؟ و این برای آنان موجب فخر همیشگی است.

رسول خدا نزد آنان فرود آمد و آن روز جمعه بود. نماز را در آنجا خواند و جای نماز را مسجد ساختند.

۱- بقره: ۱۴۴.

ص: ۱۷۲

مسجد فضیخ

این مسجد در انتهای شارع‌العوالی برطرف راست راهی است که به سوی مستشفی‌الوطنی می‌رود. این مسجد نیز از مسجدهای تاریخی و معروف است. فضیخ شرابی است که از خرما گیرند. در نامگذاری آن نوشته‌اند که جمعی از مسلمانان در خانه‌ای به باده‌گساری مشغول بودند بر اثر مستی بجان هم افتادند، در این هنگام بود که آیه حرمت خمر نازل شد. و چون خبر به آنان رسید توبه کردند و کوزه‌های خمر را شکستند، سپس آن خانه به مسجد تبدیل گردید. (۱)

مساجد سبعه**مسجد فتح**

این مسجد در شمال غربی مدینه در دامنه کوه سلع بر بلندی قرار دارد. در این مسجد بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله در

۱- تاریخ معالم‌المدینه، ص ۱۲۳؛ معجم معالم‌الحجاز، ج ۸، ص ۱۴۸؛ و رجوع به الغدیر، ج ۶، ص ۲۶۱-۲۵۱ شود؛ وفاء‌الوفاء باخبار دارالمصطفی، ج ۳، ص ۸۲۱

ص: ۱۷۳

جنگ خندق بر مشرکان نفرین کرد و آنان شکست خوردند. (۱) مجلسی از تفسیر علی بن ابراهیم نقل می‌کند: چون محاصره به درازا کشید و رسول خدا صلی الله علیه و آله ناتوانی اصحاب خویش دید، بر کوهی که امروز مسجد فتح بر آن قرار دارد رفته و از خدا یاری خواست و گفت: ای فریادرس اندوهگینان! و ای پاسخ گوینده بیچارگان! ای زداینده اندوه‌های بزرگ! تو مولای من، ولی من، ولی پدران گذشته من هستی، غم و اندوه و غصه ما را بزدای و به توان، و نیرو و قوت خود، اندوه اینان را برطرف ساز. جبرئیل فرود آمد و گفت: ای محمد، خدا گفته تو را شنید و دعای تو را پذیرفت و باد «دبور» را با فرشتگان مأمور ساخت تا قریش را پراکنده سازند. (۲)

مسجد علی علیه السلام

این مسجد در جنوب مسجد فتح و مشرف بر وادی بطحان است. گویند در مدت محاصره شهر مدینه در جنگ احزاب امیرالمؤمنین علی علیه السلام در آن به عبادت می‌پرداختند. در نزدیکی این مسجد چند مسجد دیگر

۱- تاریخ معالم‌المدینه، ص ۱۴۳؛ وفاء‌الوفا ص ۸۳۰.

۲- بحارالانوار، ج ۲۰، ص ۲۳۰.

ص: ۱۷۴

است که بنام مسجد سلمان فارسی، مسجد فاطمه علیها السلام مسجد ابوبکر و مسجد عمر معروف است. این مساجد شش گانه را به ضمیمه مسجد ذوقبلتین مساجد سبعة نام داده‌اند.

مسجد غمامه

غمامه به معنای ابر است. واقدی می‌نویسد: نخستین نماز عید که رسول خدا صلی الله علیه و آله به سال دوم هجرت در مدینه خواند در صحرا بود. عصایی را که نجاشی به زبیر بن عوام داده بود و او آن را به رسول صلی الله علیه و آله هدیه کرد با خود داشت. رسول خدا نماز را در صحرا خواند سپس در سده دوم هجرت آن مکان مقدس را مسجد کردند. در سبب نام گذاری آن به «غمامه» نوشته‌اند: رسول خدا در آنجا برای باران دعا کرد و چون دعا خواند ابری پدید آمد و باران بارید. (۱)

مسجد مباحله

این مسجد یادآور رویدادی تاریخی و بزرگ است. گروهی از رهبران مسیحیان نجران در مدینه به محضر پیامبر خدا آمده و گفتند: شما به چه چیز دعوت می‌کنید؟ فرمود:

۱- تاریخ معالم‌المدینه، ص ۱۰۰ به بعد.

ص: ۱۷۵

شهادت به یگانگی خدا و شهادت به رسالت من از جانب خداوند، و این که عیسی بنده مخلوق خدا است. و گفتگوهای رد و بدل شد و آیاتی نازل گردید که از جمله آیه مباحله بود و پیامبر خطاب به سران مسیحی فرمود:

بیایید ما و شما پسرانمان و زنانمان و خودمان را فرا خوانیم و بر دروغگو نفرین کنیم و لعنت خدا را برای دروغگویان بخواهیم، ترسایان چون هما و جلال آن بزرگواران را دیدند، ترسیدند و از مباحله چشم پوشیدند و با رسول صلی الله علیه و آله مصالحت کردند و جزیه را پذیرفتند و برگشتند. (۱)

مَشْرَبِه ام ابراهيم

در سبب نام گذاری آن نوشته‌اند: ماریه قبطیه، ابراهیم فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله را در اینجا به دنیا آورد. نوشته‌اند رسول صلی الله علیه و آله در مشربه ام ابراهیم نماز گزارد. مشربه را چند معنا است: زمین نرمی که در آن رستنی روید. صفه، مشت که با آن آب نوشند، آبشخور. و ظاهراً در اینجا به معنای نخست است که بستانی بوده است. و معروف است که پیغمبر صلی الله علیه و آله در آنجا خمره‌های آب نهاده بود تا از آن بنوشند.

۱- تفسیر صافی، ج ۱، ص ۲۶۸ با تلخیص.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲-۲۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۲۳۳۳۰۴۵) (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

